

سخن نخست

هنر انسان‌ها را می‌توان چون بال‌هایی دانست که انسان را به خداوند نزدیکتر می‌کند و انسان‌های بزرگ تا وقتی زنده هستند با نفس روح بخش خود بر زمان تأثیر می‌گذارند. در میان همه آنان که می‌آیند و می‌روند، آنانی ماندگارتر هستند که تأثیرگذاریشان بر کودکان و نوجوانان بیشتر است؛ چرا که کودکانند که آینده را با دستان خود می‌سازند. یکی از نام‌هایی که سال‌ها با عشق به کودکان این مرز و بوم قلم خود را بر زمین نهاد، «مهدی آذریزدی» نویسنده ساده و خوشنامی است که کار نوشتن و چاپ کتاب‌های کودکان را با انتشار مجموعه ۱۰ جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» آغاز کرد.

این پیر وارسته، روزهای پرتلاش زندگی خود را با گذشت تاریخ، از دست حوادث مهیب بیرون کشید و در گذر از ادبیات ایران آن را پروراند و هستی خود را بدان صرف کرد. این نام ماندگار با گذاشتن ۲۳ اثر بدیع از خود و بهره‌گیری از اسطوره‌ها و تمثیل، به کودکان و نوجوانان راه و روش درست زیستن را آموخت تا از نردبان تکامل معنوی بیش از پیش بالا روند.

آذریزدی با نگارش اثر شاخص خود، یعنی «قصه‌های قرآن» در زمانی که کمتر اثری این‌گونه برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شد، توانست ضمن آگاهی‌بخشی به این گروه سنی، آنان را با والاترین قصص کتاب آفرینش آشنا کند.

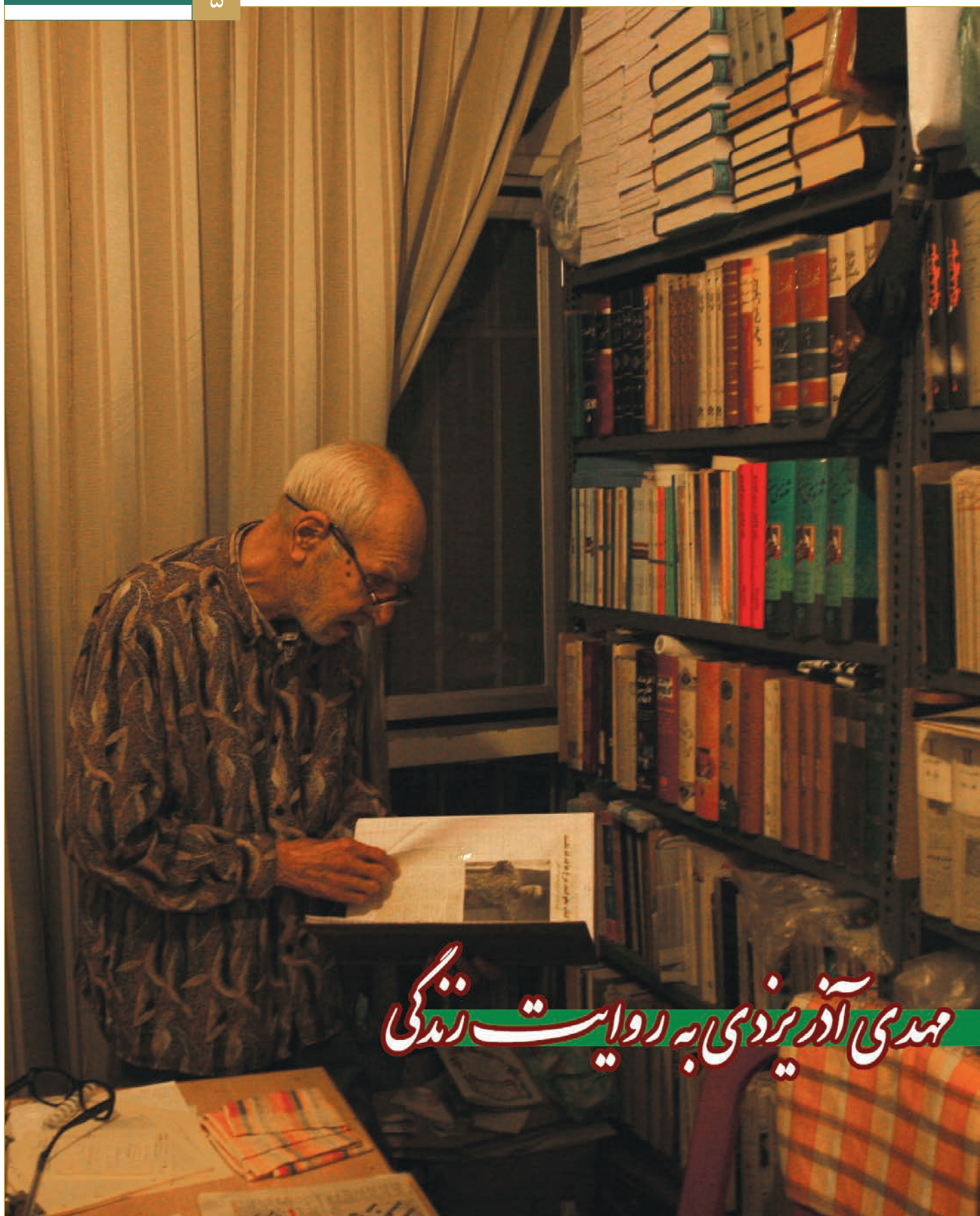
او در این راه همچنین با انتشار سری کتاب‌های «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» کودکان را با گذشته رو به فراموشی‌شان پیوند زد و با کتاب‌های قند و عسل، گربه ناغلا، گربه تنبل، قصه‌های ساده و تصحیح مثنوی معنوی خوانندگان را با رازهای نهفته کائنات آشنا کرد.

و همین جاست که باید گفت نه بزرگداشت و نه تقدیر نمی‌تواند بیانگر سپاس از او باشد، زیرا بالاترین لطف به هنرمندان و اندیشمندان بزرگ، آموختن و گرفتن دانش آن‌هاست.

این مجموعه که برگ سبزی تحفه درویش است که در نظر دارد به بخش کوچکی از خدمات این بزرگمرد و خادم قرآن که در انزوای کوچک کودکی خود به نوشتن مشغول است، بپردازد.

معصومه کلانکی

دبیر سرویس ادب خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)



همدی آذربودی به روایت رنگی

نگاهی به زندگی «مهدی آذریزدی» یک عمر کار مخلصانه برای کودکان

گروه ادب: «مهدی آذریزدی» نویسنده کودک و نوجوان و خالق مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» است که عمر خود را به نوشتن مخلصانه برای کودکان اختصاص داد. نوشته زیر نگاهی به زندگی و آثار این نویسنده پیشکسوت دارد.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) مهدی آذریزدی نویسنده معروف داستان‌های کودکان در سال ۱۳۰۱ در خرمشاه حومه یزد متولد شد. در ۱۳۲۲ به تهران آمد و مقیم تهران شد. تحصیلات او بیشتر در حوزه‌های علمی و دینی قدیم انجام شد. قبل از آن‌که به کار نگارش داستان‌های کودکان بپردازد، به مشاغل گوناگون و از جمله عکاسی و کتابفروشی اشتغال داشته است.

وی از سال ۱۳۳۶ با توجه به زمینه و مطالعات وسیع قبلی‌اش شروع به نوشتن داستان‌های گوناگون برای کودکان کرد. وی با انتخاب سبک به‌خصوصی در تهیه و نگارش داستان‌هایش به صورت یکی از نویسندگان ورزیده و مطلع داستان‌های کودکان در ادبیات معاصر ایران درآمده است. پنج کتاب در مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و پنج کتاب کوچک‌تر در مجموعه «قصه‌های تازه از کتابهای کهن» انتشار داد. آذریزدی ترجمه‌ای به نام «گره ناقل» و حکایت منظومی به نام «شعر قند و عسل» و همچنین دو کتاب آموزشی به نام «خودآموز عکاسی و خودآموز شطرنج» دارد.

یکی از مجموعه داستان‌های او برنده جایزه یونسکو در ایران و دیگری، برنده عنوان کتاب برگزیده سال از طرف شورای کتاب کودک شده است.

بزرگترین لذت زندگی‌اش کتاب خواندن است.

او در سنین کودکی و نوجوانی خود کتاب نداشت، پای منبرهای مذهبی بزرگ می‌شد و هرچه می‌شنید قصه‌هایی تکراری بود. کلیله و دمنه را که برای انتشارات امیرکبیر تصحیح می‌کرد، دید که از قصه‌های خوبی برخوردار است و به همین دلیل کار بازنویسی را برای بچه‌ها شروع کرد تا کتاب و قصه داشته باشند.





آذربیدی در این باره می‌گوید: آن موقع عرصه خالی بود و هیچ کتابی برای بچه‌ها نبود. این کار هم تازگی داشت». دکتر خانلری درباره کتاب‌های آذربیدی به مدیر انتشارات امیرکبیر گفته بود که کار خوبی است، بگویید ادامه دهد و آذربیدی کم‌کم اعتماد به نفس پیدا کرد و کار را ادامه داد. آن چه از سخنان آذربیدی مشهود است روزگار کودکی‌اش در سختی و فقر گذشته؛ اصلاً مدرسه نرفته و رنگ کلاس درس را ندیده، تا جایی که وقتی در پنجاه سالگی برای اولین بار یک کلاس درس می‌بیند نمی‌تواند جلوی گریه خود را بگیرد. الفبا را از پدر یاد گرفته و خود را با کتاب ساخته است.

پدرش معتقد بوده مدرسه آدم را فاسد می‌کند و می‌گفته به فکر آخرت باشید. حساسیت دیگر پدر هم به دلیل این بوده که مدرسه محله متعلق به زرتشتی‌ها بوده که پدر با آن‌ها میانه‌ی خوبی نداشته. عقده مدرسه نرفتن و بچه‌ها را با کیف و لباس مدرسه دیدن همیشه برای مهدی آذربیدی باقی می‌ماند. نان، پنیر و پیاز و سرکه غذای روزگار کودکی خانواده آذربیدی بود و هیچ وقت پولی در خانه نداشتند.

خیلی از چیزهای مورد نیازشان را می‌کاشتند و یامثلاً آرد را با صابون عوض می‌کردند. این‌طور بود که مادر اصرار داشت مهدی سر کاری برود تا مزد بگیرد و پول به دست آورد. بعد از مدتی کار کردن با پدر، در یک جوراب‌بافی مشغول شد و بعد در یک کتابفروشی که معبر او بود به دنیای جدیدش که خلاصه می‌شد در کتاب؛ همدم تمام تنهایی‌هایش.

بیست و یک ساله بود که راهی تهران شد و اینجا مشغول به کار در چند انتشاراتی و کار تصحیح و ویرایش. کتاب‌هایش را هم نوشت: «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن، شعر قند و عسل، گربه ناقلا، گربه تبیل، مجموعه قصه‌های ساده، مثنوی بچه خوب و تصحیح مثنوی مولوی».

آذربیدی از جلسه‌های سه‌شنبه‌ها که در انتشارات یزدان واقع در بلوار کشاورز برگزار می‌شد، به عنوان دوران خوش زندگی‌اش یاد می‌کند و دوستی و آشنایی با «محمدعلی اسلامی ندوشن»، «مهدی حمیدی شیرازی»، «عبدالحسین زرین‌کوب»، «اقبال»، «مستوفی» و «حسین مکی» را از خوشی‌ها و لذت‌های زندگی‌اش می‌داند که با بسیاری از این‌ها در چاپخانه انتشارات علمی و امیرکبیر آشنا شده است.

اما سال ۱۳۷۳ آذربیدی دوباره به یزد بازگشت. دیگر پول اجاره‌خانه در تهران را نداشت. به خانه پدری رفت که با آرامش بنشیند و بنویسد؛ پشیمان شد، ولی دیگر توان جابه‌جایی نداشت. زندگی در شهرستان را دوست ندارد و می‌گوید همه چیز برای مرکز نشین هاست: «هر چه هست در تهران است، نمایشگاه، کتابخانه و ... پل عابر پیاده هم که پله برقی شده. آن وقت می‌گن تهران شلوغ شده، خوب مردم از ولایات می‌رن تماشا و ماندگار می‌شن!»

آذربیدی این روزها بسیار دلسرد است؛ از زندگی، از دنیا، از نوشتن. از وقتی برای چاپ کتاب «گربه تبیل» اش چند سالی معطل می‌میزی شده، تمام انگیزه‌هایش برای نوشتن از دست رفته. می‌گوید: «بنویسم که چه شود؛ باز چندسالی معطلی و تغییری ناخواستی».

پیرمرد قصه‌گو به کتاب‌های امروزی که با یک ورق زدن در کتابفروشی خواندنش تمام می‌شود، انتقاد دارد، ولی در عین حال می‌گوید امروز جوان‌های تحصیلکرده‌ای روی کار آمده‌اند که با بچه‌ها آشنا نیستند. او می‌گوید بچه دور و برش نبوده و هر چه نوشته در مقایسه با کودکی خودش بوده. برای بچه‌ها دعا می‌کند که با خریدن کتاب‌هایش خرج او را می‌دهند و از خدا می‌خواهد بچه‌ها را زیاد کند، البته کتابخوان‌هاشان را نه بچه‌های فوتبالیست را.

آثار آذربیدی

«قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، «قصه‌های کلیله و دمنه، قصه‌های مرزبان‌نامه، سندبادنامه و قابوسنامه، قصه‌های مثنوی مولوی، قصه‌های قرآن، قصه‌های شیخ عطار، قصه‌های گلستان و ملسان، قصه‌های چهارده معصوم.

«قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن»: خیر و شر، حق و ناحق، ده حکایت، بچه آدم، پنج افسانه، مرد و نامرد، قصه‌ها و مثل‌ها، هشت بهشت، بافنده دانا اصل موضوع و دوازده حکایت دیگر، فرهنگ یزدی، دستور طبخ‌ی و خانه داری، لب‌خند، گربه ناقلا، شعر قند و عسل، مثنوی بچه خوب، خاله گوهر، فالگیر، مکتب‌خانه، قصه‌های ساده، گربه تبیل تعدادی از آثار مهدی آذربیدی محسوب می‌شود.



آذریزدی به روایت آذریزدی از راهی که رفته ام پشیمان نیستم

گروه ادب: «آذریزدی به روایت آذریزدی» زندگی‌نامه خودنوشت «مهدی آذریزدی» نویسنده پیشکسوت ادبیات کودک و نوجوان است.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) او در این نوشته به تشریح زادگاه، آشنا شدن با زندگی شهرنشینی و چگونگی نوشتن برای کودک و نوجوان می‌پردازد.

آذریزدی در زندگی‌نامه خود می‌گوید: «خود حرف زدن کار آسان و خوشایندی است و اگر جلوی پیش را نگیرند به پرحرفی و پر مدعایی می‌کشد، چون احتیاج با ماخذ و مرجع ندارد و همه‌اش مربوط به نقش حافظه است.

نظم ترتیب دادنش برای اینکه قابل چاپ شود یا قابل خواندن، قدری وقت می‌گیرد. ناچار در این وقت کوتاهی، که شاید من برای خود مقرر کرده‌ام، چاره‌ای جز سرسری نوشتن نیست. با ترتیب شروع می‌کنم، ولی می‌دانم که بی ترتیب می‌شود!

زادگاه

روز دوم ختمه مسترقه سال ۱۳۰۰ شمسی به دنیا آمدم. سه روز بعدش سال ۱۳۰۱ شروع شد. محل تولد و زندگی من تا ۲۰ سالگی آبادی «خرمشاه» در حومه یزد بود. خرمشاه، در آن ایام، با یک رودخانه خشک و مقداری زمین‌های کشاورزی، از شهر یزد فاصله داشت. حالا با سه تا پل که روی رودخانه زده شده، به شهر متصل شده و از آب و برق شهر استفاده می‌کند و مثل یکی از محلات یزد به شمار می‌رود؛ ولی باز هم، شهری‌ها، مردم اصلی خرمشاه را دهاتی حساب می‌کنند و درست هم هست.

خرمشاه در میان دو آبادی دیگر واقع شده که «سر دو راه» و «نعیم آباد» نامیده می‌شوند. سر دوراهیان، بیشتر از همه ۵ و ۶ آبادی نزدیک شهر، خود را «شهری» حساب می‌کردند. و آداب و عادات شهری‌ها هم بیشتر در آنجا روسوخ داشت. خرمشاه یکی از محلات یا آبادی‌های زرتشتی‌نشین یزد است و در آن یک زیارتگاه هم هست که زرتشتیان به

زیارت آن می‌آیند و نام آن «مشاه و هرام» است. خرمشاه که با زمین‌های مزروعی کاملاً از دو آبادی دو طرف جدا شده، دارای دو محل است: یکی محله گبرها (زرتشتیان) و یکی محله مسلمان‌ها که آن را محله «تخدان» می‌نامیدند؛ خانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کردیم توی محله گبرها بود و سه طرف آن به خانه‌های زرتشتیان محدود بود

کوچه‌ای که مادر آن می‌نشیتیم (کوچه پشگ) سی - چهل تا خانه داشت و دو سوم آن مال زرتشتی‌ها و دوازده خانه‌اش هم مال مسلمان‌ها بود. خانه من جزو خانواده جدید الاسلامها هستند؛ یعنی اجداد ما سه چهار نسل پیش مسلمان شده و قبلاً زرتشتی بوده‌اند پدر من یک خاله داشت به نام «خاله جانجان» که نیمه زرتشتی بود و تنها مانده بود و پیر شده بود؛ نماز را یاد نگرفته بود، ولی برای امام حسین گریه می‌کرد، گاهی هم روزه می‌گرفت.

خانواده ما خیلی کم کس و کار بودند؛ من عمو و عمه و دایی و برادر نداشتم و فقط دو تا خاله داشتم؛ که یکی در یزد و دیگری در مشهد بود و هر دو سرطان گرفتند و مردند. دو تا خواهر هم دارم که یکی در یزد و یکی در تهران، با سختی و بدبختی زنده‌اند.

خانواده ما مردم فقیری بودند. این کلمه

«فقیر» را در تهران به مردم نادار می‌گویند، ولی در یزد به گدا می‌گویند؛ و توهین‌آمیز است. ما ندار بودیم. پدرم جز کار رعیتی و باغبانی، درآمد دیگری نداشت. کم سواد بود و خیلی خشک و وسواسی و متعصب. مثلاً زرتشتیان را نجس می‌دانست و مدرسه دولتی و کار دولتی و لباس کت و شلوار را حرام می‌دانست. به همین علت هم مرا به مدرسه نگذاشت. مادرم و تمام منسوبانش بی‌سواد بودند.

مادرم هم جز قرآن، چیز دیگری نمی‌توانست بخواند. من تا بیست سالگی نانی را می‌خوردم که مادرم توی خانه می‌پخت و لباسی را می‌پوشیدم که مادرم آن را با دست خود می‌دوخت. به همین علت حتی توی خرمشاه، لباس من نشاندار و مسخره بود؛ چون مثل لباده بلند بود و بچه‌ها مرا «شیخ» صدا می‌زدند.

مختصر خواندن و نوشتن را توی خانه از پدرم یاد گرفتیم و قرآن را از مادر بزرگم که چند نفر شاگرد تحت تعلیم قرآن داشت ما توی خانه هفت

پدر و مادر من، در میان این مردم بینوا، تازه یک وضع استثنایی داشتند، که با مردم کم می‌جوشیدند. هیچ وقت به یاد ندارم که به خانه کسی به مهمانی رفته باشیم، یا در خانه، مهمان داشته باشیم. تنها کسی که به خانه ما رفت و آمد داشت، یکی از خاله هایم بود و مادرم، با خواهر دیگرش، همیشه قهر بود



- هشت کتاب بیشتر نداشتیم که عبارت بودند از «قرآن»، «مفاتیح»، «حلیه المتقین»، «عین الحیات»، «معراج السعاده»، «نصاب الصبیان»، «جامع المقدمات» و ...

پدر من هم مدرسه نرفته بود و سواد خود را از مردی به نام رحمت الله، قاری قرآن یاد گرفته بود. مردم خرمشاه همه اهل کار و رعیتی و زحمت بودند. زمیندارانی در میان آن‌ها بودند، اما پول نقد در دست مردم نبود جز آن‌ها که در شهر کار بنایی و عملگی می کردند به یاد ندارم که نان را با پول خریده باشند یا به قصاب و حمامی پول داده باشم. حمامی، سرسال، موقع خرمت گاه و گندم می گرفت و قصاب هم در موقع معین دو سه تا گوسفند می گرفت و در عوض آن تمام سال با «چوب خط» به ما گوشت می داد.

پدر و مادر من، در میان این مردم بیبنا، تازه یک وضع استثنایی داشتند، که با مردم کم می جوشیدند. هیچ وقت به یاد ندارم که به خانه کسی به مهمانی رفته باشیم، یا در خانه، مهمان داشته باشیم. تنها کسی که به خانه ما رفت و آمد داشت، یکی از خاله هایم بود و مادرم، با خواهر دیگرش، همیشه قهر بود.

در کوچه ما سه تا حاجی بودند که دو نفرشان پولدار بودند و پدر من، حاجی بی پول بود؛ چون با پول مادرم به مکه رفته بود و همیشه هم بابت آن، سرزنش شده بود. به نظر من آن‌ها اصلاً «مستطیع» نبودند، ولی خیال می کردند، همین که خرج رفتن و برگشتن مکه را دارند مستطیع شده اند.

در خانه ما، برنج اصلاً مصرف نداشت و فقط سالی یک بار پلو می پختیم؛ که آن هم نوروز بود. ما هیچ وقت ظهر خوراک پختنی نمی خوردیم یا آش؛ که برنج آن حتماً خرده برنج آشی بود؛ چون آن را می بایست با پول می خریدند. ما هیچ وقت یک کیلو برنج را یک جا در خانه ندیده بودیم.

من از هفت - هشت سالگی همراه پدرم توی صحرا و باغ و زمین رعیتی کار می کردم. بازی توی کوچه اصولاً ممنوع بود و بعد از غروب هم نمی بایست از خانه بیرون می رفتیم؛ به جز مجلس روضه یا مسجد.

در محیط محله ما کسی کتاب نمی خواند؛ جز سه - چهار نفر

روحانی اهل منبر. مجله و روزنامه و کسب خبرهای روز، اصلاً معنی نداشت. تمام معلومات دینی و دنیایی مردم در آنچه از مسجد و پای منبر یاد می گرفتند، خلاصه می شد. من هم تا شانزده - هفده سالگی، جز آنچه در خانه یا مسجد یا روضه شنیده بودم، چیزی نمی دانستم. آن هفت - هشت تا کتاب توی خانه را خوانده بودم، ولی پدرم هرگز کتاب تازه ای نخرید.

پدرم مورد اعتماد اهالی بود و مردم اسناد خود را برای نگهداری پیش او امانت می گذاشتند و در اختلاف های جزئی محلی هم رأی او را قبول داشتند.

میانه ما با زرتشتی ها خوب بود و آن‌ها به ما احترام می گذاشتند. من تا موقعی که به شهر رفت و آمد پیدا نکردم، مثل پدرم روی بام اذان می گفتم، ولی فقط ظهر و شب. اما اذان صبح را نمی گفتم؛ چون بابا می گفت: «زرتشتی ها خوابند و ناراحت می شوند.» فقط ماه رمضان بود که پدرم در سحرها مناجات می کرد و اذان می گفت.



مسأله کتاب

من اصلاً متوجه نبودم که ما مردم فقیری هستیم. از همان زندگی که به آن عادت کرده بودیم راضی بودم. و اگرچه از بچه‌های صاحب باغ اربابی - که مرا دهاتی حساب می‌کردند - دلخور می‌شدم، ولی آنها را خطاکار حساب می‌کردم و حسادتی نسبت به آن‌ها نداشتم. اولین بار که «حسرت» را تجربه کردم موقعی بود که دیدم پسرخاله پدرم - که روی پشت بام با هم بازی می‌کردیم و هر دو هشت ساله بودیم - چند تا کتاب دارد که من هم می‌خواستم و نداشتم. به نظرم ظلمی از این بزرگتر نمی‌آمد که آن بچه که سواد نداشت آن کتاب‌ها را داشته باشد و من که سواد داشتم، نداشته باشم. کتاب‌ها، «گلستان» و «بوستان» سعدی، «نوظهور» و «تاریخ معجم» چاپ بمبئی بود؛ که پدرش، از زرتشتی‌های مقیم بمبئی هدیه گرفته بود.

شب، قضیه را به پدرم گفتم.

پدرم گفت: اینها به درد ما نمی‌خورد: «گلستان» و «بوستان» و «تاریخ معجم»

کتابهای «دنیایی» اند. ما باید به فکر آخرتمان باشیم.

شب رفتم توی زیرزمین و ساعت‌ها گریه کردم؛ و از همان زمان عقده کتاب پیدا کردم؛ که هنوز هم دارم: از خوراک و لباس و همه چیز زندگی ام صرفه جویی می‌کنم و کتاب می‌خرم و از هر تفریحی پرهیز می‌کنم و به جای آن کتاب می‌خوانم.

از ده تا شهر

یک وقتی کار کوچه و صحرا کم شد (نمی‌دانم چرا). قرار شد من بروم سرکار بنایی و گلکاری کار کنم. این کارها هم اغلب توی شهر بود و به این ترتیب من با شهر یزد آشنا می‌شدم.

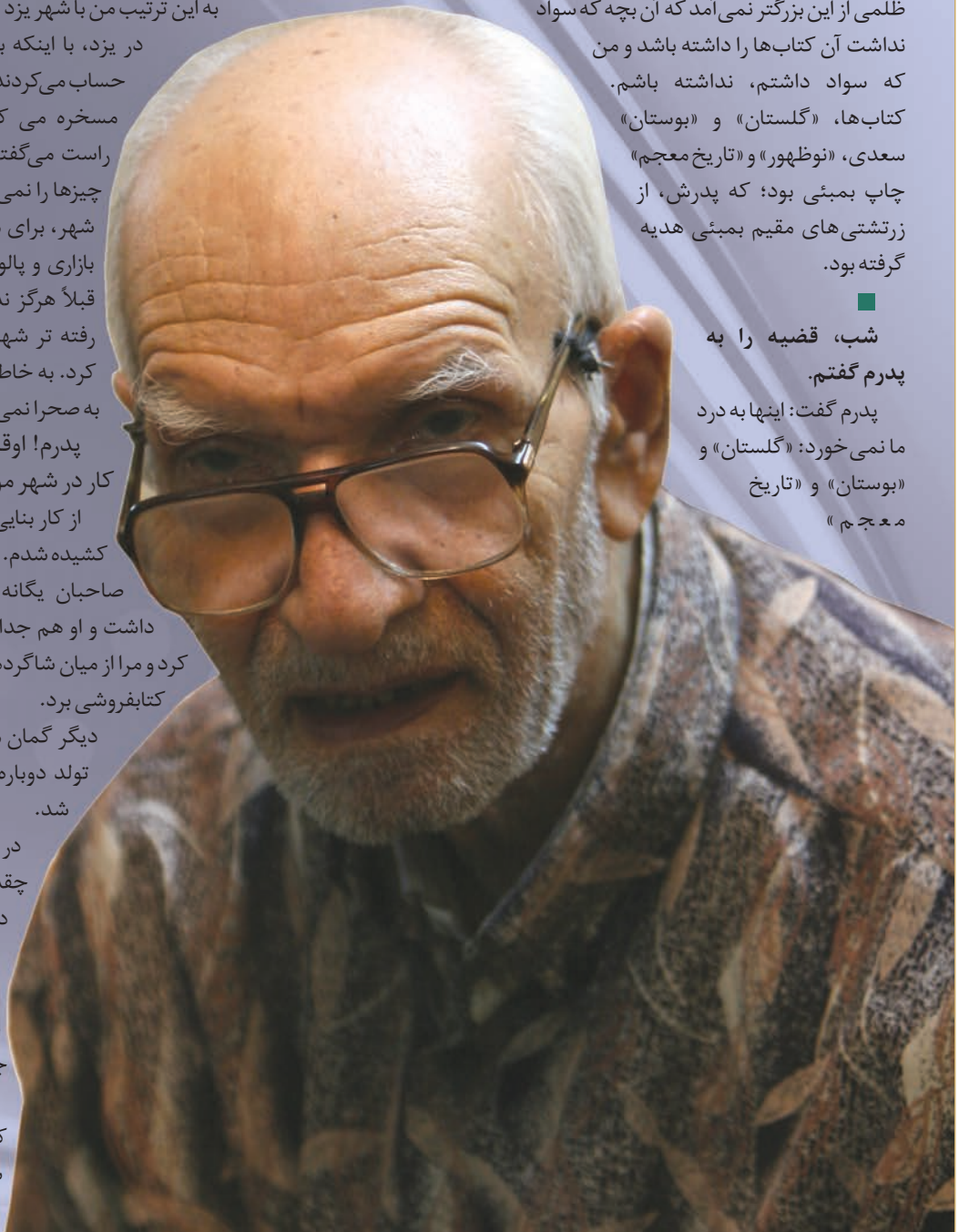
در یزد، با اینکه بچه‌ها و بزرگ‌ها ما را دهاتی حساب می‌کردند و لهجه و لحن حرف زدن ما را مسخره می‌کردند، ناراحت نبودم؛ چون راست می‌گفتند: ما دهاتی بودیم و خیلی چیزها را نمی‌دانستیم. اما رفت و آمد توی شهر، برای من تازگی‌ها داشت. نان نازک بازاری و پالوده یزدی و بعضی میوه‌ها که قبلاً هرگز ندیده بودم و زندگی شسته - رفته تر شهری‌ها مرا به شهر جذب می‌کرد. به خاطر همین، یک روز گفتم: دیگر به صحرا نمی‌روم.

پدرم! اوقاتش تلخ شد، ولی مادرم با کار در شهر موافق بود.

از کار بنایی به کار در کارگاه جوراب بافی کشیده شدم. صاحب کارگاه با «گلپهاری‌ها»، صاحبان یگانه کتابفروشی شهر، خویشی داشت و او هم جداگانه یک کتابفروشی تأسیس کرد و مرا از میان شاگردهای جوراب بافی جدا کرد و به کتابفروشی برد.

دیگر گمان می‌کردم به بهشت رسیده‌ام. تولد دوباره و کتاب خواندن من شروع شد.

در این کتابفروشی بود که فهمیدم چقدر بی‌سوادم و بچه‌هایی که به دبستان و دبیرستان می‌روند چقدر چیزها می‌دانند که من نمی‌دانم. برای رسیدن به دانایی بیشتر، یگانه راهی که جلوپایم بود خواندن کتاب بود. سه - چهار سال کار در این کتابفروشی (کتابفروشی یزد، سر بازار خان) هوس نوشتن و



سه‌شنبه بعد، آقای «حسین مکی» را در همان اداره («روزنامه ایران» ظاهراً) صدا کرد و گفت بیا؛ این همشهری‌ات آمده.

من با آقای مکی، در یزد آشنا شده بودم.

آقای مکی گفتند که در خیابان «ناصر خسرو» با چاپخانه «حاج محمدعلی علمی» صحبت کرده‌ام. برو آنجا و بگو مکی مرا فرستاده است.

همان روز رفتم و در «چاپخانه علمی» مشغول به کار شدم؛ و تا امروز همچنان در کتابفروشی‌های متعددی مشغول کار هستم. (حالا، در هفتاد سالگی، کارم بیشتر تصحیح نمونه‌هایی چاپی کتاب است.)

کارهای گوناگون

با اینکه در این مدت چهل و هفت سال اقامت در تهران از کتاب دور نشده‌ام، ولی به کارهای مختلفی دست زده‌ام و هر وقت از هر جا بد می‌آورد، چاپخانه علمی دوباره پناهگاه من بود. دو بار کتابفروشی دایر کردم و هر دو بار ورشکست شدم. دو بار با یکی از کسانی که در چاپخانه آشنا شده بودم شریک شدم و به کار عکاسی حرفه‌ای پرداختم و هر دو بار مغیوب و پشیمان شدم. یک بار یک عکاسخانه را خریدم، ولی بعد از یک سال واگذار کردم؛ چون با وضع من جور نمی‌آمد. در کتابفروشی‌های «خاور»، «ابن سینا»، «امیر کبیر» (دوبار)، «بنگاه ترجمه و نشر کتاب»، «روزنامه «آشفته»، «روزنامه «اطلاعات» و چاپخانه علمی (سه چهار نوبت و هر نوبت به مدت شش ماه تا چند سال) کار کردم. هر وقت نمی‌توانستم با جایی جور بیایم، از کار موظف و مستمری گرفتن دست بر می‌داشتم و فقط کار فردی غلطگیری و فهرست اعلام‌نویسی و... را انجام می‌دادم (کاری که همچنان به آن مشغولم).

زندگی تنهایی

من هیچ وقت کار دولتی نداشته‌ام؛ چون مدرک تحصیلی هم نداشتم و اصلاً راه استخدام شدن را بلد نبودم. ازدواج نکردم؛ چون نمی‌توانستم زندگی خانوادگی را اداره کنم و همیشه از بیکاری و بی‌پولی می‌ترسیدم. با مردم هیچ‌گونه حشر و نشری نداشتم؛ چون همیشه و در همه جا، از بچگی،

با تحقیر رو به رو بودم. بنابراین از آنجا که نمی‌خواستم مناعت و مختصر اعتماد به نفس باقی مانده‌ام را از دست

بدهم، همواره به تنهایی و انزوا و گوشه‌گیری پناه می‌بردم. معمولاً با حداقل درآمد و قناعت مرتاضانه زندگی می‌کنم و در تنهایی چیزی که قناعت نمی‌کنم خریدن کتاب و مجله است. تاکنون چند بار کتابخانه نسبتاً مطلوبی برای خود جمع‌آوری کرده‌ام. اما وقتی بیکار و بی‌پول شده‌ام آن‌ها را به ثمن بخش فروخته‌ام، و بعداً دوباره شروع کرده‌ام. تنها دلخوشی‌ام در زندگی این بوده است که کتاب تازه

شعر گفتن و با بچه‌های درس خوانده هم‌رنگ شدن را در من به وجود آورد.

یادم رفت بگویم که در چهارده - پانزده سالگی، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی، مدت یک سال و نیم صبح‌های تاریک به مدرسه خان می‌رفتم و تا طلوع آفتاب، پیش یک «آشیخ» که او هم روزها در گیوه فروشی کار می‌کرد، با سه شاگرد دیگر، یاد گرفتن عربی را، با اصرار پدرم، شروع کردم؛ که بعد این کار متوقف شد. یعنی خیلی سخت بود و رها شد.

اذان صبح راه می‌افتادم و تا شهر، که نیم ساعت راه بود، پیاده می‌رفتم. توی راه، که صحرا بود و سگ و شغال داشت می‌ترسیدم. در این درس چهار نفری - که باز گرفتار مسأله «دهاتی» و «شهری» بودم - تا سر آفتاب نشستیم و بلافاصله به خانه برگشتیم و به سر کار روزمره رفتیم. طاقتم را طاق کرده بود. به همین علت، آن را اول کردم. ولی همین اندازه که «نصاب»... را حفظ کردم و خود را تا «انموزج و الفیه» کشاندم، بعدها خیلی به کارم آمد؛ از این جهت که نسبت به بچه‌هایی که در دبستان درس‌های رسمی امروزی را می‌خواندند، تجربه ممتازی به حساب می‌آمد؛ و این سبب شد که بعدها بتوانم کتاب‌ها مختلف را بخوانم و هوس سر و همسری یا با سوادها را پیدا کنم.

کتابفروشی یزد، به علی، یگانه مرکز و مرجع اهل کتاب و مطالعه در یزد شده بود و از این طریق، با عده‌ای از اهل شعر و ادب و محصلانی که بعدها دارای مناقب و مقامات شدند، آشنا شدم. اما یک وقت دیدم مثل این است که به محیط بزرگتری احتیاج دارم؛ و از یزد دل برکن شدم و به تهران آمدم؛ بی‌آنکه بدانم در تهران چکار خواهم کرد. فقط

می‌دانستم که تهران شهر بزرگی است و کتابفروشی‌ها و چاپخانه‌ها و مدارس بزرگ دارد، و اهل علم و ادب در آنجا بیشترند؛ و از این حرف‌ها، که به آرزوهایم پروبال می‌داد.

در بحبوحه جنگ دوم و یکی دو سال از شهریور ۱۳۲۰ گذشته بود که ناگهان آمدم تهران. حال ناگزیر باید کاری پیدا می‌کردم تا بتوانم با آن زندگی کنم؛ و این کار، حتماً می‌بایست کاری مطبوعاتی می‌بود.

در تهران با چند کتابفروشی، از راه مکاتبه آشنا بودم؛ ولی نمی‌خواستم بروم و بگویم کار می‌خواهم. ناشناسانه تقاضای کارکردن را سهل‌تر می‌یافتم.

بیشتر، با مقالات «هاشمی حائری» انسی پیدا کرده بودم. با خودم گفتم یک روزنامه‌نویس مشهور با همه ارتباط دارد. نامه‌ای به ایشان نوشتم و گفتم که کار مطبوعاتی می‌خواهم. آقای هاشمی قدری توپ و تشر زد و ملامت کرد که به تهران می‌آیید چه کنید. ما خودمان از این شهر در عذابیم. و از این حرف‌ها. بعد کم‌کم آرام شد و گفت: شما سه‌شنبه آینده بیا؛ یک فکری برایت می‌کنم.



شناخته‌ای را که لازم داشته ام بخرم و شب آن را به خانه ببرم؛ میلیونر که مدیر یک کتابخانه هم باشد انتخاب می‌کردم؛ ولی اختیار خانه‌ای که نمی‌دانم یک ماه بعد در آن هستم یا نه. تاکنون پنج بار خانه‌های کوچکی از ۳۵ متری تا ۱۰۰ متری خریدم، و به ضرر فروخته‌ام؛ در کار معامله بی‌عرضه‌ام. از آخرین باری که (سال ۱۳۵۴) یک خانه ۴۰ متری را در «نازی‌آباد» فروختم، دیگر نتوانستم خانه‌ای بخرم؛ و حسرت اینکه یک اتاق مناسب برای کار داشته باشم، شریک عمرم شده؛ عمری که دیگر سال‌های آخرش فرارسیده است.

اما کتاب کودکان

اولین بار که به فکر تدارک کتاب برای کودکان افتادم سال ۱۳۳۵ یعنی در سن ۳۵ سالگی ام بود. بعضی‌ها از کودکی شروع به نوشتن می‌کنند، ولی من تا هجده سالگی خواندن درست و حسابی را هم بلد نبودم. در سال ۱۳۳۵ در عکاسی «یادگار» یا نگاه ترجمه و نشر کتاب کار می‌کردم و ضمناً کار غلطگیری نمونه‌های چاپی را هم از انتشارات امیرکبیر گرفته بودم و شب‌ها آن را انجام می‌دادم. قصه‌ای از «انوار سهیلی» را در چاپخانه می‌خواندم که خیلی جالب بود. فکر کردم اگر ساده‌تر نوشته شود، برای بچه‌ها خیلی مناسب است. جلد اول «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» خود به خود از اینجا پیدا شد. آن راسب‌ها در حالی می‌نوشتند که توی یک اتاق ۲ در ۳ متری زیر شیروانی، با یک لامپای نمره ده دیوار کوب زندگی می‌کردم.

نگران بودم کتاب خوبی نشود و مرا مسخره کنند. آن را اول بار به کتابخانه این سینا (سر چهار راه «مخبرالدوله») دادم. آن را بعد از مدتی پس دادند و رد کردند. گریه‌کنان آن را پیش آقای جعفری، مدیر انتشارات امیرکبیر، در خیابان «ناصر خسرو» بردم.

ایشان حاضر شد آن را چاپ کند. وقتی یک سال بعد کتاب از چاپ درآمد، دیگران که اهل مطبوعات و کار کتاب بودند، گفته بودند که خوب است. به همین خاطر، آقای جعفری، پیوسته جلد دوم آن را مطالبه می‌کرد.

کم‌کم این کتاب‌ها به هشت جلد رسید. البته قرار بود ده جلد بشود، ولی من مجال نوشتن آن را پیدا نکردم.

بیشتر اوقاتم صرف اسباب‌کشی و تغییر منزل و تغییر شغل و کار شده است. تنهایی هم برای خودش مشکلاتی دارد. باید سبزی بخری، بنشیننی پاک کنی. بعد یک جوری آن را بپزی و بخوری و ظرف آن را بشویی. پیراهنت را وصله کنی و اتاقت را جارو کنی و رخت بشویی. و از این قبیل کارها... روزها هم اگر برای مردم کار نکنی، خرجی نداری. اگر اختیار دست من بود، برای خودم یک پدر

اولین بار که به فکر تدارک کتاب برای کودکان افتادم سال ۱۳۳۵ یعنی در سن ۳۵ سالگی ام بود. بعضی‌ها از کودکی شروع به نوشتن می‌کنند، ولی من تا هجده سالگی خواندن درست و حسابی را هم بلد نبودم.

در دست من نبود. پدر و مادرم، هر دو در سن هشتاد سالگی مردند، در حالی که کار و کتاب مرا مسخره می‌کردند. دو سال پیش، مادرم با سرزنش به من می‌گفت: این همه که شب و روز می‌خوانی و می‌نویسی پولهایش کو؟ این هم شد کار که تو پیش گرفته‌ای؟! مادرم تقریباً درست می‌گفت. اگر از همان اول به همان کار رعیتی چسبیده بودم یا به سبزی‌فروشی یا بقالی و چقالی، خیلی بهتر زندگی می‌کردم؛ ولی نمی‌خواستم. خود کرده را تدبیر نیست، و پشیمان هم

نیستم.

آثار مورد علاقه ام

در مصاحبه‌ها دیده‌ام که از اهل قلم می‌پرسند به کدام یک از آثار خود بیشتر علاقه‌مند است. اگر من بخواهم به چنین پرسشی پاسخ بدهم باید بگویم: از بیست و سه عنوانی که از من چاپ شده است، چهار تا را به ترتیب اولویت بیشتر از بقیه دوست می‌دارم: شعر قند و عسل؛ که بیشتر بیان درد زندگی است. بچه آدم؛ که جزوه چهارم «قصه‌های تازه از کتابهای کهن» است. خاله گوهر؛ که در سال ۵۴ در شیراز برای کمیته پیکار با بی‌سوادی نوشتم بعد دیگر نتوانستم اثر تازه‌ای ارائه کنم. گریه تبیل؛ که هنوز چاپ نشده و همین باعث شده که از سال ۱۳۶۵ به بعد دیگر نتوانستم اثر تازه‌ای ارائه کنم.

با خود می‌گویم اگر چیزی نوشتی و نگذاشتند چاپ بشود، چه فایده دارد؟ و عجیب این است که در میان تمام کارهایم «گریه تبیل» بیش از همه موافق و کاملاً هماهنگ با رهنمودهای رهبری اسلامی است.

و اگر ...

و اگر کسی از من بپرسد که با آنچه گذشته، حالا و بعد از این، از زندگی چه می‌خواهی؟ باید بگویم: هیچ چیز. گذشته - خیلی بد - به هر حال گذشته است. در آینده هم امید اینکه وضع بهتری پیدا کنم ندارم.

فقط آرزو داشتم که بعضی کارهای نیمه کاره‌ام را

کامل کنم و چاپ شود و بعضی سوژه‌هایی را که در ذهنم است برای بچه‌ها بنویسم. ولی اگر قرار باشد که به چاپ نرسد، می‌بینم نوشتنش بی‌فایده است؛ و به جای آن، بهتر است بنشینم کتاب بخوانم و اقلاً

کامل کنم و چاپ شود و بعضی سوژه‌هایی را که در ذهنم است برای بچه‌ها بنویسم. ولی اگر قرار باشد که به چاپ نرسد، می‌بینم نوشتنش بی‌فایده است؛ و به جای آن، بهتر است بنشینم کتاب بخوانم و اقلاً



خودم از آن خوشحال باشم. برای بچه‌ها هم، کسانی که موفق خودم را برای کی مهمتر جلوه بدهم؟ من که با کسی کاری ندارم. به چاپ آثارشان می‌شوند، خواهند نوشت.

به‌خصوص که حالا امکانات تولید کتاب هم بیشتر شده و کتابخانه بچه‌ها دارای هزاران کتاب است.

خاتمه‌ای درباره همین نوشته من تا حالا دو بار درباره خودم، به

اصطلاح، شرح حال نوشته‌ام: یکی بیست‌سال پیش، در آخر جزوه «هشت بهشت» چاپ شد. یکی از دوستان که آن را دیده بود، گفت: تو چرا همه‌جا خودت را کوچک و حقیر می‌کنی؟ مردم سعی می‌کنند خودشان را مهمتر جلوه بدهند، آن وقت تو...

گفتم: مردم را نمی‌دانم چه می‌کنند، ولی من خودم را کوچک نکرده‌ام؛ من همینم که هستم و نوشته‌ام و مهمتر از این نیستم.

اگر زنده ماندم و موفق شدم زندگینامه مفصلی بنویسم، همه چیز را با سند و نشانی می‌نویسم، تا اگر بدبختی نشست و آن را خواند بداند که توی دنیا یک همچو زندگی مسخره‌ای هم بوده است.

و تازه... بعد از مرگ من بدانند که چی بشود؟ نمی‌دانم

بگذار اگر کسی از من خوشش نمی‌آید، نیاید. تازه همه مصیبت‌ها را نخوانده‌ام. اگر زنده ماندم و موفق شدم زندگینامه مفصلی بنویسم، همه چیز را با سند و نشانی می‌نویسم، تا اگر بدبختی نشست و آن را خواند بداند که توی دنیا یک همچو زندگی مسخره‌ای هم بوده است.

و تازه... بعد از مرگ من بدانند که چی بشود؟ نمی‌دانم.

خودم از آن خوشحال باشم. برای بچه‌ها هم، کسانی که موفق خودم را برای کی مهمتر جلوه بدهم؟ من که با کسی کاری ندارم. به چاپ آثارشان می‌شوند، خواهند نوشت.

به‌خصوص که حالا امکانات تولید کتاب هم بیشتر شده و کتابخانه بچه‌ها دارای هزاران کتاب است.

خاتمه‌ای درباره همین نوشته من تا حالا دو بار درباره خودم، به

اصطلاح، شرح حال نوشته‌ام: یکی بیست‌سال پیش، در آخر جزوه «هشت بهشت» چاپ شد. یکی از دوستان که آن را دیده بود، گفت: تو چرا همه‌جا خودت را کوچک و حقیر می‌کنی؟ مردم سعی می‌کنند خودشان را مهمتر جلوه بدهند، آن وقت تو...

گفتم: مردم را نمی‌دانم چه می‌کنند، ولی من خودم را کوچک نکرده‌ام؛ من همینم که هستم و نوشته‌ام و مهمتر از این نیستم.

اگر زنده ماندم و موفق شدم زندگینامه مفصلی بنویسم، همه چیز را با سند و نشانی می‌نویسم، تا اگر بدبختی نشست و آن را خواند بداند که توی دنیا یک همچو زندگی مسخره‌ای هم بوده است.

و تازه... بعد از مرگ من بدانند که چی بشود؟ نمی‌دانم.

بگذار اگر کسی از من خوشش نمی‌آید، نیاید. تازه همه مصیبت‌ها را نخوانده‌ام. اگر زنده ماندم و موفق شدم زندگینامه مفصلی بنویسم، همه چیز را با سند و نشانی می‌نویسم، تا اگر بدبختی نشست و آن را خواند بداند که توی دنیا یک همچو زندگی مسخره‌ای هم بوده است.

و تازه... بعد از مرگ من بدانند که چی بشود؟ نمی‌دانم.

بگذار اگر کسی از من خوشش نمی‌آید، نیاید. تازه همه مصیبت‌ها را نخوانده‌ام. اگر زنده ماندم و موفق شدم زندگینامه مفصلی بنویسم، همه چیز را با سند و نشانی می‌نویسم، تا اگر بدبختی نشست و آن را خواند بداند که توی دنیا یک همچو زندگی مسخره‌ای هم بوده است.





گزارش ایکن از دیدار با «مهدی آذریزدی»

بابای قصه‌گو این بار قصه خودش را تعریف می‌کند

کنارمان نشستیم و ما از شوق، چشم از دیدنت بر نمی‌داشتیم؛ کم‌کم گفتیم و شنیدیم و تو ما را با خود به اتاقت، کتاب‌ها و رویاهایت بردی. اتاقت کوچک بود و کامل، تمام طول یک دیوارش کتاب بود و کتاب در قفسه‌های فلزی خاکستری که تا سقف می‌رفت، در طبقه‌های پایین‌تر تنقلات را به روش خودت چیده بودی؛ توت خشک، برگه زردآلو، مغز پسته و بادام و هرکدام در کیسه‌های جداگانه که ذره‌ای از آن را کاسه‌کاسه کرده بودی، آن طرف‌تر همان چند دست لباس همیشگی را چنان مرتب روی هم تا کردی بودی که انگار خط تایشان تا به حال باز نشده است.

روبه‌روی کتابخانه تختی نه با روتختی یا پتوی گل برجسته و تنها با یک روانداز در گوشه اتاقت! و روبرویش میزت! با آن قرآن جلد چرمی کوچک در وسط! و صندلی‌ای که رویش را پارچه پهن کرده بودی و جای تکیه نداشت؛ شاید چون تو همیشه به خودت تکیه داده بودی که اینقدر از دنیای شلوغ ما جدا بودی و در این خلوت و سادگی و کمال برای خودت می‌زیستی. اتاقت گرم است و راحت! هیچ چیز برای جلب توجه زرق و برقی ندارد و تنها تویی که مرکز مدار آرامشت هستی، تو با آن همه قصه که کودکی‌هایمان را رقم زده و به پای دل کوچکمان پایه پا کرده است.

تو با یک بغل حرف خوب برای ما که کودکان خوبی بودیم و حالا بزرگ‌ترهای فراموشکاری شده‌ایم، وقتی شنیدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوبت» را خوانده‌ایم بی‌معطلی گفتی، حتماً بچه‌های خوبی بودید و خندیدی؛ اگرچه اخم روزگار مدتی بر چهره‌ات سایه افکنده بود. همه می‌گوییم برایمان حرف بزن! می‌خواهیم بابای قصه‌های کودکی این بار قصه خودش را تعریف کند. اهل تعارف و مقدمه‌چینی نیستی، اگرچه می‌گفتند دیگر حال و

گروه ادب: شب‌های پرستاره کودکی ما با قصه‌های پندآموز بابای قصه‌گویی گره خورده است که شوق دیدارش ما و مشاور قرآنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را به سمت خانه‌ای در گوهردشت کرج کشاند؛ بابایی که قصه‌هایش از کویر یزد باعشق و عطش سال‌های کودکی، صدایی هم‌چون صدای پای آب دارد و بسیاری از بچه‌ها در طول سال‌ها و چند نسل، این صدا را از قصه‌های زیبای او شنیده‌اند.



آفتاب گل انداخته بود و آتش دلش را به گونه‌های ما می‌بخشید، که با جمع بچه‌های سرویس ادبی تحریریه همراه شدیم که بعد از مدت‌ها تحقیق، مطالعه و مصاحبه، بالاخره به دیدار خودش برویم. جاده تهران - کرج در آن غروب سرد زمستانی به همراه معاون خبرگزاری «مرتضی رضایی‌زاده» و همراهی بی‌دریغ «محمدعلی خواجه‌پیری» مشاور قرآنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ما سرنوشت‌خاطره‌انگیزی را رقم می‌زد.

بعد از گذشت ساعتی به کوچه‌ای خلوت و آرام که با اندکی برف پوشیده شده بود، رسیدیم. ملغمه‌ای از امید و ناامیدی برای دیدنت در دلمان افتاده بود که در به رویمان گشوده شد و چشمان روشنی با لبخندی مهربان از ما استقبال کرد؛ او همان پسرخوانده‌ات بود که وصفش را پیش از این شنیده بودیم و با بزرگواری‌اش این دیدار را مهیا کرده بود؛

پسرخوانده‌ای که در ایام دور، در کودکی‌هایش در سطر سطر داستان‌های تو نشو و نما یافته و گاه خود قلم به دست داده و شب‌های دراز تنهایی را به پای قصه‌های شیرینت نشسته بود.

خانه‌ات پر از عطر سادگی و صمیمیت بود، صدای دو مرغ عشق از گلخانه روبرو به گوش می‌رسید، همه نشستیم و بعد از مدتی انتظار، تو با قدم‌هایی بلند، اما با قامتی خمیده به سوی ما آمدی؛ با همان عصا و عینک و لباسی که همیشه در عکس‌هایت بر تنت دیده بودیم. در



حرف از کتاب‌هایت که به میان می‌رود
لرزشی در پس صدایت حس می‌شود،
آمیزه‌ای از غم و شادی که در گذر سال‌ها
درهم غنوده و با هم آمیخته‌اند؛ اشک و
لبخندی که روان می‌کنی با کلماتت و
کتاب‌هایت را که یک‌به‌یک به دستمان
می‌سپاری از هرکدام از قصه‌هایت
قصه‌ای داری





می‌شود، آمیزه‌ای از غم و شادی که در گذر سال‌ها درهم غنوده و با هم آمیخته‌اند؛ اشک و لبخندی که روان می‌کنی با کلمات و کتاب‌هایت را که یک‌به‌یک به دستمان می‌سپاری از هر کدام از قصه‌هایت قصه‌ای داری.

از میان انبوه آن‌ها روی یکی دست می‌گذاری که به قول خودت آن را از همه دوست‌تر می‌داری؛ کتاب «داستان‌های ساده»؛ کتاب کوچکی با جلدی آبی که انگار نام تو را با خود یدک می‌کشد، تو را با همه سادگی‌هایت!

تیله شیشه‌ای و رنگی دل صاف و ساده‌ات اگر چه به دست اهالی روزگار سرکش شکسته است، اما کودک بی‌غل و غش درونت با ما حرف می‌زند، درد دل می‌کند، کج خلقی می‌کند، مهربانی می‌کند و دست آخر با ما همراه می‌شود و غبار اندوه را لحظه‌ای به فراموشی زمان می‌سپارد و با ما عکس یادگاری می‌اندازد! پیرمرد هم آنقدر نازنین؟!

بنویس قصه‌گوی همیشه و هنوز! بنویس که کودکان ما منتظرند و شب‌های دراز در راه است، قصه در کودکی فقط با قصه‌های تو معنا می‌گرفت و سرزمین خیال‌ها با واژه‌های تو رنگ می‌شد؛ حالا هم سرزمین‌های بکر و دست‌نخورده ذهن کودکان امروز بذر کلمات و قطرات باران زلال قلمت را بهانه‌گیری می‌کند.

بنویس تا بچه‌های خوب فردا هم بخوانند!

احوالی برای گفتن و شنیدن‌های مکرر نداری، اما اشتیاق را که در چشمان ما دیدی، چشم فروبستی بر همه وعده‌های به‌جا نیامده و قول‌های فراموش شده، گفتی و شنیدی و گریستی با آن دل بزرگت و صداقت سرشارت که همه ما را به خود آورد و چقدر غبطه خوردیم و چقدر حسودی‌ام شد، وقتی که گفتی: «من که اجتماعی نیستم! در شهر بزرگ نشده‌ام! بلد نیستم دروغ بگویم، هیچ‌کجا یاد نگرفته‌ام!».

و راست می‌گفتی چون دقیقاً همانی بودی که باید! همان پیرمرد قصه‌گوی داستان‌های شیرین قرآن، همان قصه‌گوی شب‌های پرستاره سعدی و مولانا، همان راوی گفت‌وگوهای کبوتر و موش و گربه و روباه‌های کلبله و همان ناصح بی‌غرض که بهترین اندرزهای جهان را آویزه گوش بازیگوش کودکی مان کرد.

انگار نم می‌پاشیدند بر کاهگل دیوارهای دل‌مان وقتی که خاطره می‌گفتی و لحن صدایت تیره و روشن می‌شد و ما را بر موج‌های خیالت سوار می‌کردی و می‌بردی به خانه‌ای قدیمی در یزد که حالا خیلی دلت برایش تنگ بود، برای تنهایی‌ات و برای مهمانانی که خودت با رمز در زدن‌هایشان اجازه ورود می‌دادی به آن‌ها! و حالا که از خانه پدری کوچیده‌ای، می‌خواهی ببخشی‌اش به دوستان‌ت و همه می‌دانیم چه سخاوتی پشت آن پنهان است.

حرف از کتاب‌هایت که به میان می‌رود لرزشی در پس صدایت حس

گروه ادب: «مهدی آذریزدی» نویسنده پیشکسوت کودک و نوجوان که هم‌اکنون ایام کهولت را در منزل پسرخوانده‌اش سپری می‌کند، می‌گوید: تمام زندگی‌ام خودم بوده‌ام و هرگز دروغ گفتن بلد نیستم و تنها چیزی که در زندگی‌ام، پیشه کرده‌ام اخلاص بوده است.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) «مهدی آذریزدی» نویسنده پیشکسوت داستان‌های کودکان در سال ۱۳۰۱ در خرمشاه حومه یزد متولد شد. در ۱۳۲۲ به تهران آمد و مقیم تهران شد. تحصیلات او بیشتر در حوزه‌های علمی و دینی قدیم انجام شده است. قبل از آنکه به کار نگارش داستان‌های کودکان بپردازد، به مشاغل گوناگون و از جمله عکاسی و کتابفروشی اشتغال داشته است.

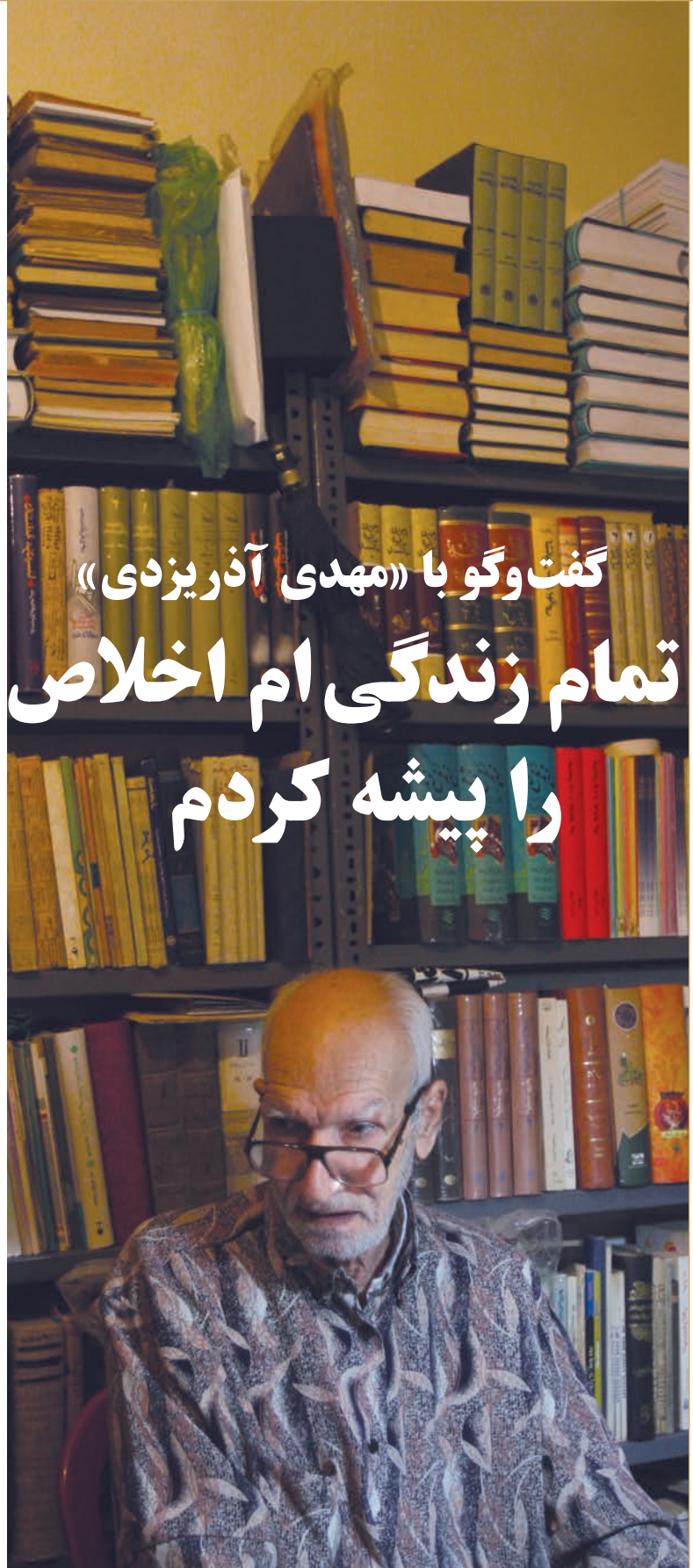
وی از سال ۱۳۳۶ با توجه به زمینه و مطالعات وسیع قبلی‌اش شروع به نوشتن داستان‌های گوناگون برای کودکان کرد. او با انتخاب سبک به‌خصوصی در تهیه و نگارش داستان‌هایش، به‌صورت یکی از نویسندگان ورزیده و مطلع داستان‌های کودکان در ادبیات معاصر ایران درآمده است.

آذریزدی در طول عمر پربار خود، داستان‌های بسیاری را به رشته تحریر درآورده که از آن میان می‌توان به مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (قصه‌های کلیله و دمنه، قصه‌های مرزبان‌نامه، سندبادنامه و قابوسنامه، قصه‌های مثنوی مولوی، قصه‌های قرآن، قصه‌های شیخ عطار، قصه‌های گلستان و ملسان و قصه‌های چهارده معصوم)» و مجموعه «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن» شامل خیر و شر، حق و ناحق، ده حکایت، بچه آدم، پنج افسانه، مرد و نامرد، قصه‌ها و مثل‌ها، هشت بهشت، بافنده دانا اصل موضوع و دوازده حکایت دیگر، فرهنگ یزدی، دستور طبخ‌چی و خانه‌داری، لبخند، گربه ناقلا، شعر قند و عسل، مثنوی بچه خوب، خاله گوهر، فالگیر، مکتبخانه، قصه‌های ساده و گربه تنبل اشاره کرد.

این پیرمرد داستان‌نویس شهر یزد، حالا دیگر روزگار بازنشستگی و کهولت را می‌گذارند و به گفته خودش دیگر از نوشتن خسته است و می‌خواهد این روزها با پری خودش و داستان‌هایش در آرامش سپری کند.

آنچه در ادامه می‌آید حاصل دیدار و گفت‌وگوی ما و «محمدعلی خواجه‌پیری» مشاور قرآنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با «مهدی آذریزدی» است.

گفت‌وگو با «مهدی آذریزدی» تمام زندگی‌ام اخلاص را پیشه کردم





بچه‌ها داده‌اند و این است که همیشه دعا می‌کنم، خدا بچه‌های کتاب‌خوان را زیاد کند.

در حال حاضر هم برای کودکان و نوجوانان مطلبی می‌نویسید؟
نه، چیزی نمی‌نویسم، دیگر خسته شده‌ام. پنج سال است که حق التالیف آثارم را دریافت نکرده‌ام. کتاب‌هایم آن‌گونه که می‌خواستم چاپ نشده است. برای همین تصمیم دارم کتابی ننویسم. می‌خواستم خاطراتم را بنویسم؛ اما کسی این کار را می‌کند که آسایش دارد؛ با گرفتاری‌ها و کسالت‌هایی که دارم، دیگر دست به قلم نمی‌زنم. یکی دو کار در دست داشتم؛ اما فعلاً همه را کنار گذاشته‌ام و نمی‌خواهم سراغ آن‌ها بروم؛ به این نتیجه رسیده‌ام که این چیزها برایم چه فایده‌ای داشته است؛ وقتی در این سن و سال، به آرامش و آسایش نرسیده‌ام.

آیا تا به حال بچه‌ها برای شما نامه نوشته‌اند، در حقیقت رابطه شما با کودکان در حال حاضر چگونه است؟

بله، خیلی زیاد. بعضی وقت‌ها نامه‌هایی می‌آید که خیلی به زبان بچه‌گانه نوشته شده است. یک وقت قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب را به مدارس می‌بردند تا به بچه‌ها کادو بدهند، تعدادی به بچه‌ها می‌دادند و تعدادی کم می‌آوردند. به من نامه می‌نوشتند که تعدادی از این کتاب‌ها را برای ما بفرستید و فکر می‌کردند که ما ناشر هستیم از این قبیل نامه‌ها به من زیاد رسیده است.

آیا جواب آنها را داده‌اید؟

بله جواب همه آن‌ها را داده‌ام.

چه تصمیمی برای سایر آثارتان دارید؟

بقیه کتاب‌ها را می‌خواهم در کتابخانه‌ای به اسم کتابخانه موقوفه آذربیدی با همکاری اداره ارشاد یزد گردآوری کنم.

چه برنامه‌ای برای روزهای آتی زندگی خود دارید؟

اگر فراغتی داشته باشم، می‌خواهم خاطراتم را بنویسم. همه این‌هایی که کار فرهنگی و ادبی می‌کنند، یک جای معینی دارند، یک فراغتی، یک سکوتی، یک آرامشی. من چنین جایی ندارم؛ جایی که بتوانم تنها باشم و فکر کنم.

به عنوان پرسش پایانی، بزرگترین آرزوی استاد آذربیدی در حال حاضر چیست؟

تنها آرزویم در حال حاضر این است که آثارم با فونت ۱۸ و با تصویرسازی زیبا برای بچه‌ها به چاپ برسد. در همه‌جای دنیا کتاب‌های بچه‌ها با جلد زیبا منتشر شده‌اند، اما مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب تاکنون تنها به یک شکل برای بچه‌ها منتشر شده، تنها خواسته‌ام در دنیا همین است.

استاد آذربیدی قصه‌گو را همه می‌شناسند، چگونه شد که نوشتن را برای کودکان آغاز کردید؟

همیشه دلم می‌خواست آن چیزهایی را که فکر کرده‌ام یا خوانده‌ام برای بچه‌ها بنویسم؛ آن زمان کتاب‌های مناسبی برای بچه‌ها در دست نبود. من می‌خواستم خودم باشم و تأثیر کسی روی من نباشد. تاکنون ریا نکرده‌ام، دروغ گفتن بلد نیستم. برای همین «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را موقعی که اصلاً کتاب خوبی برای بچه‌ها وجود نداشت، نوشتیم و چون خودم بودم، این کتاب خوب از آب درآمد.

اولین جرقه‌های نوشتن مجموعه‌هایی برای کودکان به ویژه مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» از کجا آغاز شد؟

زمانی که من بچه بودم، کتاب قصه می‌خواستم و ما در خانه، کتاب قصه نداشتیم و این برای من یک عقده شده بود؛ وقتی دست به قلم شدم، گفتم حالا برای بچه‌ها قصه می‌نویسم، در واقع می‌خواستم آن ناراحتی را که داشتم جبران کنم.

به خاطر دارید اولین کتابی که در زندگی خواندید، چه کتابی بود؟

نمی‌دانم چطور بیان کنم؛ من اولین کتابی را که می‌خواستم و نداشتم، گلستان سعدی بود. ۸ ساله بودم و کسی که هم سن و سال من بود، این کتاب را داشت و من نداشتم. پیش پدرم رفتم و گریه کردم، به او گفتم: من هم گلستان سعدی می‌خواهم، پدرم گفت: نه این کتاب‌ها دنیایی است و ما باید به فکر آخرت باشیم. این یک غصه شده بود برای من که چرا گلستان سعدی ندارم. وقتی من کتابفروش شدم، اولین کتابی را که خواندم گلستان سعدی بود و بعد از آن من به کتاب و کتاب‌خواندن عادت کردم.

یعنی چیزی که شما را به اینجا رسانده است که یکی از نویسندگان برتر نه تنها در ایران بلکه جهان شده‌اید، خواندن کتاب بوده است؟

بله، من مدرسه نرفتم و سواد نداشتم و فقط کتاب خواندم و هرچه داشتم از خواندن کتاب بوده است.

یعنی در زمان کودکی اصلاً کتاب و مجله در خانه نداشتید؟

نه، در خانه ما این‌گونه کتاب‌ها یافت نمی‌شد و من منابع فارسی را که می‌خواستم قصه‌هایم را استخراج کنم از کتاب‌هایی مانند کیلیه و دمنه، مرزبان‌نامه و مثنوی معنوی یافتم.

در حال حاضر وضعیت چاپ آثار شما، به ویژه مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» چگونه است؟

کتاب‌های من تا به حال خوب به فروش رفته است. این کتاب‌ها برکت داشته‌اند و خرج من را از حدود سی سال پیش تا حالا همین کتاب‌ها و

«مهدی آذریزدی»، روحي ریشه‌گرفته از رويا

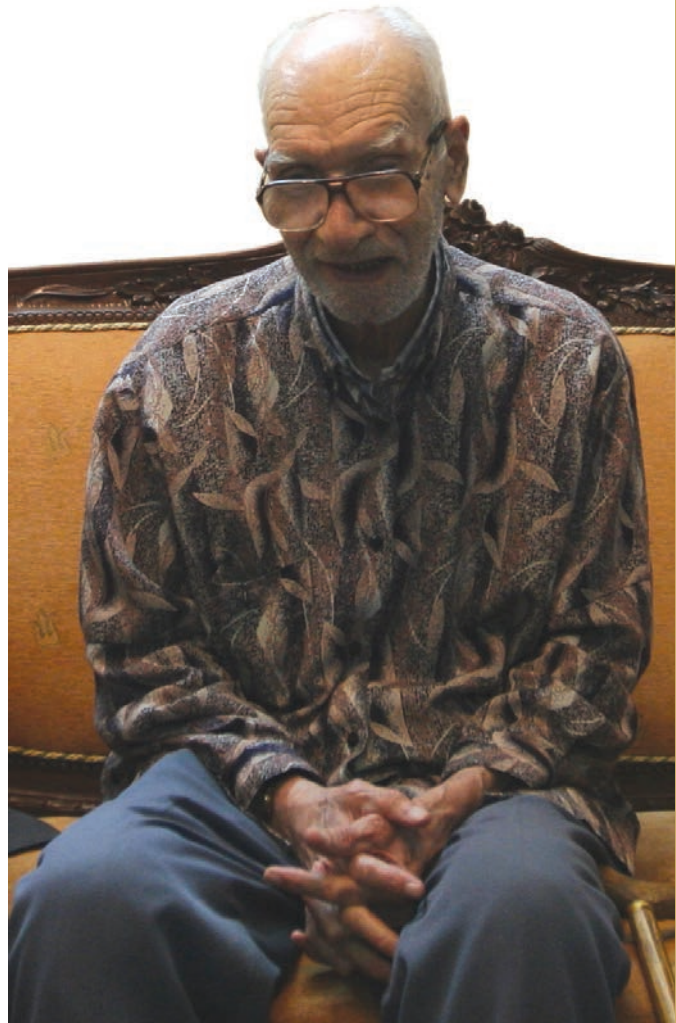
کتاب‌های کهن او دمخور شدند. در نوجوانی هم با خواندن خودآموز عکاسی و خودآموز شطرنج او به جوانی پا نهادند و در بزرگسالی و میانسالی با چاپ و تصحیح بسیار وزین مثنوی معنوی مولوی روزگار به سر می‌بردند. بی‌گمان نقشی که آذریزدی در پی‌ریزی نثر روان و کودکانه در نثر معاصر از لحاظ آشنایی کودکان و نوجوانان با ادب غنی و پر بار فارسی داشته انکارناپذیر است.

دلبستگی به کتاب، وابستگی به فرزندی است روحی که به سحر کلمات مبتلاست، با جادوی هیچ قدرتی طلسم نخواهد شد. مهدی آذریزدی به کمک واژه‌ها، طلسم دروازه رویاهای سرکوب شده کودکی‌اش را گشود و با بازتولید ساحرانه آن کودکان ایران زمین را به قلمرو قلب خود فرا خواند، قلبی که ۸۵ سال، ساده و صمیمی برای دانایی و اراده به دانستن تپید و می‌تپد.

البته او نیز می‌توانست چون پدربزرگی قصه‌گو محصور میان حرف‌های همیشه کاهلانه از خاطرات عتیق خویش تغذیه کند و فارغ‌دلانه با تبعیت از حکمت ماقبل مدرن به جا مانده و شدیداً رایج که هیچ ارجاعی جز خود ارجاعی را باز نمی‌شناسد، در هیئت پدربزرگی خیر خواه و نصیحت‌گر که دیگر کمترین ارتباط حقیقی با امر واقعی دنیای پیرامون خود ندارد و همه چیز در نظرش به شکلی واپس‌گرایانه و تجویزی وانمایی می‌شود، ظاهر شود.

اما آذریزدی چنین نکرد. او هنوز به عشق کتاب (کلمات) زنده است و گویا میل به هر چه بیش‌تر دانستن، یگانه میل او به ادامه حیات است. آذریزدی نیک دریافت که خلاقیت آن نیست که پیرمردسالارانه آدم، پیوسته از محفوظات متروک خویش کسب مجهولات کند! برای او خواندن لازمه نوشتن است، چرا که صرفاً در چرخه این فرایند خلاق تفکر قوام می‌یابد و می‌بالد.

او همان‌طور که کارمند کتابفروشی و انتشاراتی نبود، کارمند کتاب بود، لذا با بصیرتی شگرف دریافت که آگاهی بازنشستگی نمی‌شناسد، پس می‌خواند و می‌نوشتند، نوشتن همین و تمام.

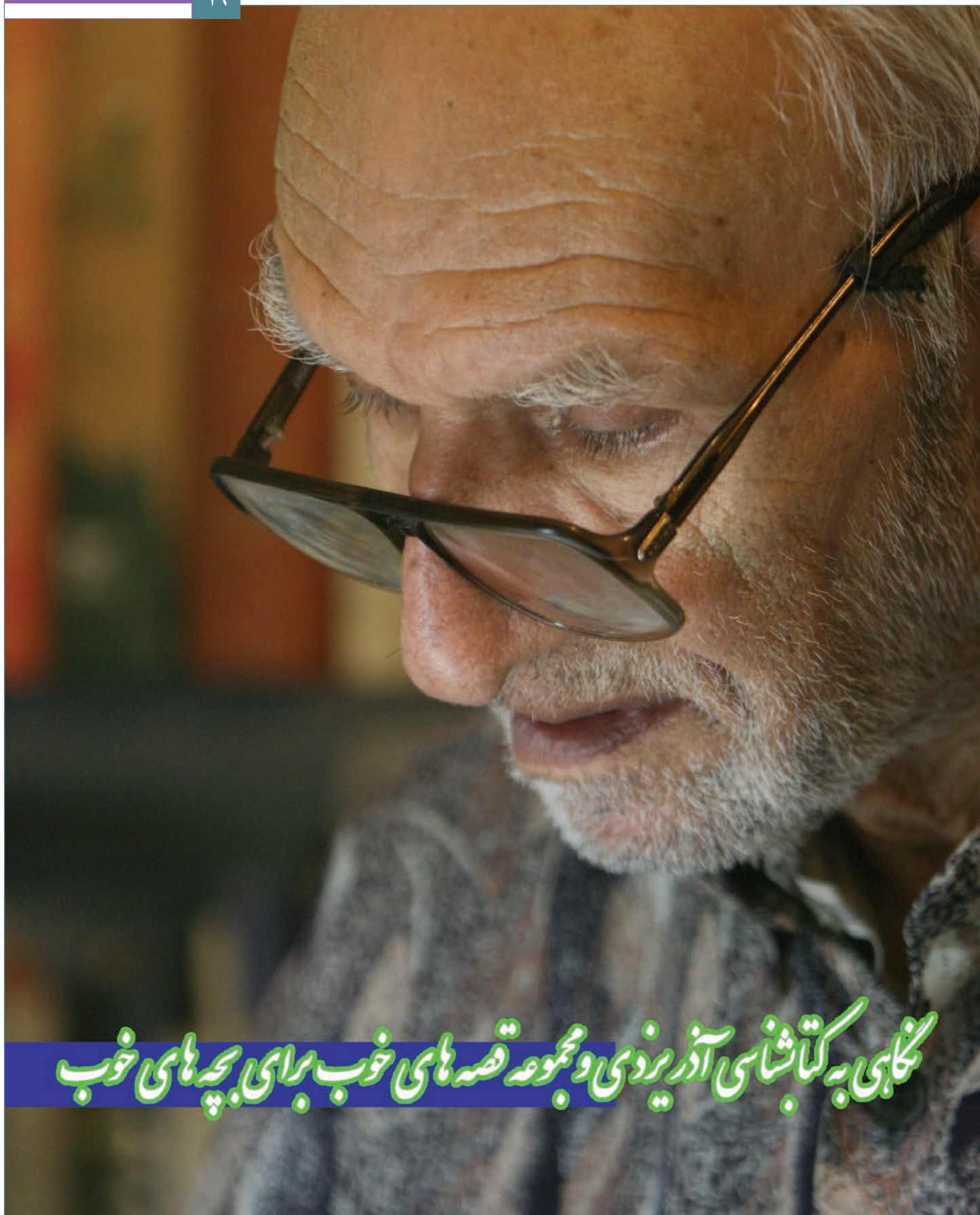


گروه ادب: «حسین مسرت» پژوهشگر در کتاب «زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مهدی آذریزدی» یادداشتی با عنوان «روحي ریشه‌گرفته از رويا» نوشته است.

دلبستگی به کتاب، وابستگی به فرزندی است روحی که به سحر کلمات مبتلاست، با جادوی هیچ قدرتی طلسم نخواهد شد. مهدی آذریزدی به کمک واژه‌ها، طلسم دروازه رویاهای سرکوب شده کودکی‌اش را گشود و با بازتولید ساحرانه آن کودکان ایران زمین را به قلمرو قلب خود فرا خواند، قلبی که ۸۵ سال، ساده و صمیمی برای دانایی و اراده به دانستن تپید و می‌تپد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) «حسین مسرت» پژوهشگر، در این یادداشت چنین نوشته است: «سال‌ها است که کودکان و نوباوگان دیروز و امروز ایران با نام استاد مهدی آذریزدی آشنا شدند. نامی که با رویاها و خاطرات خوش کودکی آن‌ها همراه شده و با نام قصه‌های ایرانی پیوند خورده است.

این نام همان قدر برای کودکان و نوجوانان آشنا است که برای بزرگان و اهل قلم؛ زیرا زمانی با قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب و مثنوی بچه خوب او، همگام و صمیمی بودند و چون به نوجوانی پا گذاردند و با شعر قند و عسل و قصه‌های تازه از



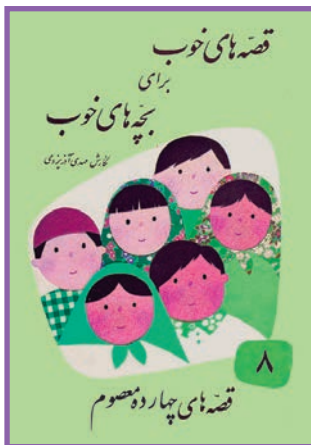
نگاهی به کتابشناسی آذربیدی و مجموعه قصه های خوب برای بچه های خوب

آذریزدی؛ بابای قصه‌گوی بچه‌های خوب ایران

زمینه خاص کودکان و نوسودان به زبان ساده فراهم نشده و جای آن خالی بود. یادآوری می‌شود آذریزدی در سال ۱۳۷۸ به دلیل نگارش قصه‌های قرآن، به‌عنوان خادم قرآن معرفی شد.

گروه ادب: «مهدی آذریزدی» از پیشکسوتان ادبیات کودک و نوجوان است که چندین نسل با بازنویسی‌های او از افسانه‌ها و داستان‌های کهن ایرانی آشنا هستند و کودکی‌های خود را در کتاب‌های او ورق زده و می‌زنند.

«قصه‌های چهارده معصوم»



حکایت‌المعصومین تألیف حاج «سیدعلی بن محمد مولانا» دارای صد حکایت است و از کتاب‌های مشهور معتبر مانند کافی، من لایحضر، ارشاد و امالی مفید و غیر آن‌ها استخراج شده و با متن عربی و ترجمه فارسی به شیوه نو تنظیم شده است و حد واسطی است، میان تألیف بسیار متنوع علمای قرون متمادی و کارهای تازه‌ای برای کودکان. مطالعه این کتاب با این اوصاف استاد را به فکر انداخت که به سراغ کتاب‌های معتبر حدیث رفتن و از میان آن‌ها قصه‌های جالب را برگزیدن و در دسترس کودکان گذاشتن کاری پسندیده است.

«کلیده دمنه»

محتوای بعضی از قصه‌های کلیده و دمنه، مناسبت با سن کودکان نیست بخشی دیگر از کلیده و دمنه شامل مطالب و حکایاتی است که هرگز نمی‌توان از آن‌ها صرف نظر کرد و هرگز کهنه نمی‌شود.

«مرزبان‌نامه»

استاد آذریزدی قصه‌های مرزبان‌نامه را به زبان جالب و گیرا برای کودکان و نوجوانان بازنویسی کرده و برخی از قصه‌ها با دگرگونی در ترکیب آن‌ها برای کودکان آماده شده است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) استاد مهدی آذریزدی با اشراف کامل بر وضع موجود کتاب‌ها و به‌طور کلی ادبیات کودکان و نیز با در نظر گرفتن اصول و موازین و اهدافی که در تعریف قصه و داستان خوب وجود دارد، به بازنویسی متون کهن پرداخته است. او روش و شیوه کار خود را در پردازش قصه‌ها و داستان‌ها تدوین کرده و در تنظیم و تحریر «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و «داستان‌های تازه از کتاب‌های کهن» و دیگر نوشته‌های داستانی از آن بهره گرفته است. سادگی آثار برای نزدیک بودن فهم کودکان، پرهیز از بیان دروغ‌های تخیل‌انگیز، بهره‌گیری از نثر فارسی سالم، پرهیز از خیالبافی، پیروی از سبکی شیرین و جذاب، پرهیز از گزینش داستان‌های بی‌ثمر، توجه به اثرپذیری ذهن کودک و... تنها گوشه‌ای از کار استاد آذریزدی است؛ در عین حال، استاد خود را مقید دانسته که در بهره‌برداری از آثار دیگران امانت را رعایت کند و خود را مجاز ندانسته از حکایت مندرج در کتب مختلف، تألیفی بسازد.

او در فعالیت ادبی خود پنج کتاب در مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و پنج کتاب کوچکتر در مجموعه «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن» را انتشار داد. آذریزدی ترجمه‌ای به نام «گره ناقلا» و حکایت منظومی به نام «شعر قند و عسل» و همچنین دو کتاب آموزشی به نام «خودآموز عکاسی و خودآموز شطرنج» نیز دارد. ارزیابی استاد در مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب یکسان نیست و درباره هر یک از منابع نیز استاد نظری دارد که خاص همان منبع است.

نگاهی به مجموعه آثار مهدی آذریزدی

«قصه‌های قرآن»

مقصود آذریزدی از تحریر قصه‌های قرآن این بوده است که کودکان با خواندن این قصه‌ها و سرگذشت‌ها با نام قرآن بیشتر مأنوس شوند، چه آن‌هایی که با قرآن مأنوس‌اند و چه آن‌هایی از فیض آموختن قرآن مهجور بوده‌اند یا هستند. در زبان فارسی تا زمان تدوین کتاب قصه‌های قرآن، کتابی در این





«سندبادنامه و قابوسنامه»

متن قدیم سندبادنامه گمانه‌ها و پنداری‌های نامعقولی را تلقین می‌کند و در عین حال سندبادنامه از سرشار از منشآت ادیبانه و آراسته قرون ماضی است.

استاد در بازنویسی سندبادنامه معتقد است جزء داستان‌هایی که در کتاب قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب آمده، باقی داستان‌های آن برای کودکان چیزهایی از بی فایده بدتر است.

«مثنوی مولوی»

استاد آذریزدی درباره انتخاب داستان‌های مثنوی معنوی چنین می‌گوید: «آنچه من از مثنوی انتخاب کرده‌ام، چیزهایی است که آن‌ها را بیش‌تر پسندیده‌ام و عجالتاً منظور مرا از معرفی مثنوی کفایت می‌کند، تا از بعد از چند کتاب دیگر درگذرم شاید به مثنوی بازگردم.»

«قصه‌های شیخ عطار»

آثار شیخ عطار دریایی است که گوهر معرفت در آن فراوان و سرچشمه فیاضی از حکایات پرمغز است.

استاد آذریزدی از آثار شیخ عطار، آن‌چه را بازنویسی کرده که می‌تواند سرمشقی برای جوانان و زندگی امروز باشد.

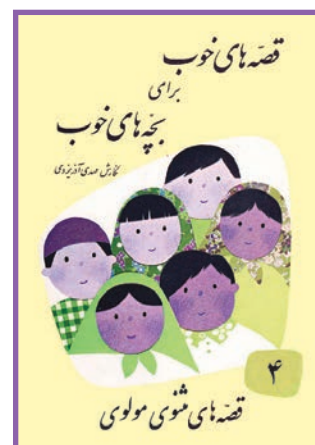
«گلستان و ملستان»

در کتاب گلستان و ملستان نظر استاد آن بوده که تغییر عبادات گلستان علمی نیست، ولی به علت اهمیت و ارزش والای گلستان نمی‌توان از آوردن نام آن صرف نظر کرد، اما باید بیشتر از ملستان توشه برداشت. در نگاه استاد آذریزدی گلستان به حق عزیز است و باید خوانده شود.

«قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن»

قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن شامل ده دفتر است که چند دفتر در بردارنده یک یا چند حکایت و افسانه به نثر و یکی از آن‌ها نیز به نظم است و دفتر هفتم از قصه‌ها و مثل‌ها سخن می‌گوید، خیر و شر، حق و ناحق، ده حکایت، شیر و سگ، گنجشک و فیل، شیر و آدمیزاد، موش و گربه، برخی حکایت‌های است که در این کتاب آمده.

در تمامی آثار استاد آذریزدی از همه افسانه‌ها و داستان‌های نو و کهن مجموعه‌های ماندگار قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب و قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن فراهم آمده و نام این پیشکسوت ادبیات و تلاش‌های ادبی و هنری او را برای مردم ایران ماندگار کرده است.



«قصه‌های کلپله و دمنه» از زبان آذریزدی؛ نمونه یک کتاب کامل

گروه ادب: «مهدی آذریزدی» در انتخاب و نگارش داستان‌های کلپله و دمنه با تبیین ویژگی‌های یک کتاب برای نوجوانان علاقه‌مند به داستان، به زیبایی هر چه تمام‌تر به انتخاب و بازنویسی افسانه‌ای کهن این کتاب می‌پردازد و سعی می‌کند به شیوه‌ای مفید و سازگار برای نوجوان ایرانی که در دوهزار سال پس از نگارش کتاب زندگی می‌کند، این داستان‌ها را به آموزه‌هایی حکمت‌آمیز مبدل کند.



قصه و افسانه جزئی از ماست. تکه‌ای از خود ما که تنها رنگ و بوی دیگری را به خود گرفته است. گویی زندگی خود را در قالبی دیگر نهاده و به شکلی تمثیلی برای ما و همه فردای ما به زبان تمثیل لب به سخن می‌گشاید. داستان‌های که در آن گاهی به استعاره از نفس سرکش انسان، موجوداتی غیر انسانی و حیوانات در کشاکشی چندسویه به آدمی نهیب می‌زنند که بنگر و سرانجام خود را ببین.

روح تمثیل پرداز ما یکی از میراث برجای مانده از سال‌های سال پروردان روح نظم نواز و نثرنویس ایرانی است که در همه دوران، حتی پیش از طلوع بامداد اسلام به شب تیره زمین، همواره در جستجوی حقیقت و نیکی روزگار خویش را طی کرده است.

«مهدی آذریزدی» در سال ۱۳۳۶ منتخب بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین گنجینه قصه‌گون ایران را با بازنگری دوباره و بینشی حاکی از نگاه کمال جوی خویش به اولین مجموعه داستان حکمت‌آمیز نوجوانان ایران تبدیل کرد.

«کلپله و دمنه» نام کتاب معروفی است که تقریباً دو هزار سال پیش به زبان هندی نگاشته شد و در زمان انوشیروان از زبان هندی به زبان پهلوی ترجمه شد و در حدود پانصد سال

قصه‌های خوب

برای

بچه‌های خوب

نگارش مهدی آذریزدی



قصه‌های کلپله و دمنه

۱



بعد ترجمه فارسی آن نیز از روی نسخه عربی ترجمه شد.

مشاهده کرد.

آذریزدی در شروع سنت داستان‌سرایی خویش به صید حکمت در دریای کلیله و دمنه پرداخت و گفته خود داستان‌های مناسب نوجوانان را از آن استخراج و بازنویسی کرد.

آذریزدی بیان سینه به سینه بسیاری از افسانه‌ها را به شیوه موجود در زمانه نگارش کتاب رواج خرافه‌پرستی و هذیان می‌داند و شیوه بیان آن‌ها را اساساً فاقد هرگونه تازگی و انتخاب مناسب می‌داند و لذا در انتخاب داستان‌های

او می‌گوید: «نویسنده‌ای که کلیله و

کلیله و دمنه ضمن حفظ اصل امانتداری

دمنه را می‌نوشته است هدفش این بوده که در میان قصه‌ها و حکایت‌ها، دستورهای اخلاقی و رازهای زندگانی خوب را بگنجانند تا خوانندگان به چیزی غیر از خواندن افسانه نیز بپردازند.»

و به راستی که کلام پیرمرد در قالب کهنه افسانه و داستان به

زیباترین و جدیدترین شکل ممکن

مفاهیم معنوی و رموز ظریف صحیح زیستن را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

روباہ خندید و به گرگ گفت: «بله، تو واقعا خرگوش را

مقایسه متن کتاب است که می‌توان به میزان توانمندی وی

به‌سزای اعمال خود رساندی ولی کسی که به دوست

در نقل روایت اشاره کرد.

قدیم خود خیانت کند و با مکر و حیله

قصه‌های کلیله و دمنه به نگارش

بخوهد او را به دست دشمن بسپارد نیز مرگ است» و آنگاه سنگ بزرگی را در گودالی که گرگ در آن گرفتار بود انداخت.

آذریزدی مشتمل بر بیست و پنج داستان است که در تمامی آن‌ها از زبان حیوانات و نقل ماجراهایی که میان آن‌ها و یا میان آن‌ها و انسان رخ می‌دهد موضوعات حکمت‌آمیز نقل شده است. داستان‌هایی که بسیاری از آن‌ها برای خواننده امروز حکم ضرب‌المثل را دارد.

آذریزدی در نگارش این قصه‌ها و در افق

پیش روی خود به موضوعی به نام کتاب

کامل اشاره می‌کند که در آن نه تنها

داستان‌های آسیب‌رسان به فضای شکننده

کودک و نوجوان وجود ندارد، بلکه از نقل

داستان‌هایی نیز که به عقیده او هیچ

سودمندی ملموسی را نیز ندارد نیز

در آن جای ندارد. نکته‌ای که حتی در تدوین

آذریزدی از داستان‌های قرآنی به خوبی

می‌توان آن را مشاهده کرد

نگاه مهدی آذریزدی در انتخاب و روایت تمام داستان‌های این مجموعه کاربرد آن‌ها در سال‌های بسیار دورتر از سال‌های نگارش است و همین نگاه بلند است که کتاب او را پس از نیم‌قرن همچنان به یکی از جذاب‌ترین مجموعه‌های داستانی کودک و نوجوان مبدل کرده است.

آذریزدی در نگارش این قصه‌ها و در افق

پیش روی خود به موضوعی به نام کتاب کامل اشاره

شده است.

می‌کند که در آن نه تنها داستان‌های آسیب‌رسان به فضای شکننده کودک و نوجوان وجود ندارد، بلکه از نقل داستان‌هایی نیز که به عقیده او هیچ سودمندی ملموسی را نیز برای او ندارد نیز در آن جای ندارد. نکته‌ای که حتی در تدوین آذریزدی از داستان‌های قرآنی به خوبی می‌توان آن را

نثر او هنوز هم زنده و پویاست. کمتر کسی را می‌توان یافت که حتی با طی نکردن سالیانی از عمر خود با تورق این مجموعه، دلنشینی آن را احساس نکند، لطافتی که به راستی حلقه گمشده شناخت بسیاری از مخاطبان امروز این گونه ادبی در کشور ماست.

مخاطب محوری اساس بازنویسی «مرزبان نامه»

روانی، نگاهی بسیار جدی است و به درستی به خواننده می‌فهماند که باید از پس حکایت‌های گوناگون، آن هم از زبان حیوانات، به نکته‌های دقیق و ظریف دیگری به غیر از متن داستان توجه کرد.

او در تمام داستان‌هایش خواننده را عنصری جدی در فرآیند داستان‌پردازی و نگارش قصه‌هایش می‌شمارد و این توجه در سراسر آن چه از کتاب به بیرون منتقل می‌شود، به خوبی نمایان است.

خود وی در این باره می‌گوید: «کودکان عروسک و بازیچه نیستند تا پیوسته شوق هنرنمایی و بزم‌آرایی را در سرشان گرم کنیم و برای بزرگترها وسیله تفریح فراهم آوریم».

دغدغه مخاطب محوری نویسنده در همه گوشه‌های کتاب به درستی خود را نمایان می‌کند به گونه‌ای که با رجوع به اصل کتاب دیده می‌شود برخی از داستان‌ها دارای ویرایش و بازنویسی کلی قرار گرفته است و برخی از داستان‌ها علی‌رغم ظاهر گیرای خود به دلیل خالی بودن آن از هر محتوایی مورد استفاده قرار نگرفته که این امر نشان‌دهنده میزان توجه و نیز شناخت صحیح و عمیق نویسنده از افقی است که در آن گام بر می‌دارد.

آذربیدی در تشریح ویژگی‌های یک قصه خوب برای مخاطبانش می‌گوید: «قصه‌های خوب برای

کودکان، قصه‌هایی است که اگر چه همچون آثار درسی به دانش و فنی آن‌ها را راهنمایی نمی‌کند، اما نتایج و مطالبی را به خواننده تلقین می‌کنند که او را از ابتدا با خرافات و نیرنگ‌ها و افکار مسموم بیگانه می‌کند».

قصه‌های بازگوشده از سوی آذربیدی را شاید بتوان با مشکلات ویرایش و ساده‌نویسی بیش از اندازه، نبود کشش مناسب داستانی و یکنواختی در شروع و حتی پایان نامناسب نقد کرد، اما نفس این حرکت و مبارزه با بسیاری از خرافات و موهوماتی که به ویژه در سال‌های نگارش این کتاب با مردمان همراه بوده و کتاب به درستی در ارتباط با آن روشنگری می‌نماید، بر تمامی این ضعف‌ها پوشش نهاده و حاصل مطلوبی را برای مخاطب فراهم می‌کند.

گروه ادب: مخاطب محوری و شناخت صحیح نویسنده از موضوعی که به واسطه متن او منتقل خواهد شد، مهم‌ترین ویژگی بازنویسی «مهدی آذربیدی» از داستان‌های مرزبان‌نامه است که اکنون پس از چهل سال از نگارش داستان، توانسته آن را پابرجا نگه دارد.

در بسیاری از اوقات روایت یک متن تاریخی برای یک ذهن ناآرام و در

قصه‌های خوب

برای

بچه‌های خوب

نگارش مهدی آذربیدی



۲

قصه‌های مرزبان‌نامه

به بازنویسی و ساده‌نویسی داستان‌های این مجموعه‌ها برای نوجوانان پرداخت که از جمله این آثار می‌توان به «داستان‌های مرزبان‌نامه» اشاره کرد.

آذربیدی در تشریح بازنویسی خود از داستان‌های مرزبان‌نامه برای کودکان این‌گونه می‌نویسد: «کتاب اصلی مرزبان‌نامه از دو جنبه قابل اهمیت است؛ یکی از جهت مطالبش که نمونه روشنی از کاربرد اخلاق در زندگی انسان و دیگری از جهت انشای آن که از آثار استادانه ادبی است و چون دارای لغت‌های مشکل عربی و شیوه عالی نویسندگی است اصل آن را بچه‌ها پیش از تحصیل دوره دوم دبیرستان نمی‌توانند درست بخوانند و خوب بفهمند».

نگاه نویسنده در انتخاب و بازنویسی این قصه‌ها در عین شیوانی و

قصه‌های قابوس‌نامه و سندبادنامه؛ طعم شیرین روایت صحیح

ناتمام گذاشت و به روایت قصه‌ای برای مردم پرداخت، داستان «الاغ سواددار»، الاغی که خود را به انوشیروان می‌مالید تا که شاید دانا شود. من این داستان را بارها خوانده بودم اما این داستان را درویش چنان نقل می‌کرد که من نیز تا انتها ایستادم و گوش سپردم. آن روز که به خانه رسیدم تنها به یک چیز فکر می‌کردم و آن نوشتن داستان و چاپ آن در مجله‌ای مخصوص نوجوان بود، امری که به سادگی نیز امکان‌پذیر نشد... نکته اصلی در فرآیند داستان‌پردازی آذربیدی میزان تسلط او به تمامی بن‌مایه داستانی است، به‌گونه‌ای که او علی‌رغم اینکه داستان‌های سندبادنامه را در اکثر موارد داستان‌های مناسبی برای مرور انسان امروزی نمی‌داند، اما بدون ایجاد تغییر در چهارچوب آنها و با ویرایش روایت داستانی و ورود تخیل به جهت‌دهی داستان، آن حکایت‌ها را در عین شیرینی حاصل از بیان کهن آن به‌قصه‌هایی به دور از غلط‌خوانی و غلط‌نویسی و دروغ‌های تخیل‌انگیز، رعب‌آمیز، بیماری‌خیز و برگرفته از مآخذ حقیقی خود تبدیل کند. «سندبادنامه» خود کتابی است، داستانی به زبان هندی قدیم که ابتدا به زبان پهلوی و پس از آن به زبان عربی و در قرن ششم هجری، «ظهیری سمرقندی» آن را به فارسی ترجمه کرده است و قابوسنامه نیز کتابی است در تربیت که انشاء اصلی آن بسیار روان‌تر از سندبادنامه است و «کیکاووس» از نوادگان «قابوس بن وشمگیر» آن را برای نصیحت به فرزند خود به رشته تحریر درآورده است. داستان‌های سندبادنامه همانند سایر داستان‌های هندی‌الاصول به زبان حیوانات به روایت می‌پردازد و این جذابیت خود یکی از دلایل انتخاب آذربیدی است. آن چه که در نگارش این مجموعه داستان، جالب توجه است، نوع مقوله روبرو شدن با مخاطب است که شاید یکی از رموز اصلی ماندگاری کتاب تا به امروز باشد. آذر یزدی در مواجهه با مخاطبان

خود برای آنها جایگاهی معادل خود در نظر می‌گیرد و با وسواسی عجیب علاوه بر جستجو در نسخه‌های گوناگون حاضر از منبع داستانی که آن را روایت می‌کند، هرگز از قصه به عنوان مکانی برای ایجاد یک فضای مجازی و متکی بر تخیل صرف برای پر کردن اوقات فراغت استفاده نمی‌کند. فضای داستانی او، در واقع نماینده تمامی تعهد و تعلق او به ساختارهای ذهنی مخاطب اوست که همراه با شناخت صحیحی از فضای عصر خویش، سعی در انتقال مفاهیمی عالی و معنوی به ذهن جستجوگر مخاطب خویش دارد. او خود و مخاطب خود را در حقیقت به عنوان یک پیکر در روایت مورد توجه قرار داده و از همین روست که هنگام مواجهه با داستانی که جذابیت داستانی را برخلاف محتوا داراست، داستان را به کلی نمی‌کند بلکه سعی می‌کند ذهن خود و در حقیقت ذهن خواننده را به سمت نتیجه‌ای که در حقیقت داستان از آن انتظار است، رهنمون سازد و با نگاهی دوباره به داستان و برداشت صحیحی از ماجراهای آن، قصه و در حقیقت میراث ادبی کشورش را برای نسل نوجوان آن معرفی و آنان را به سمت آن جذب کند.

گروه ادب: «مهدی آذربیدی» در سومین روایت داستانی خویش برای نوجوانان داستان‌های «سندبادنامه» و «قابوس‌نامه» را بدون ایجاد تغییر در چهارچوب داستان و با ویرایش روایت داستانی و ورود تخیل به جهت‌دهی داستان، بیان کرده است.

«مهدی آذربیدی» در سومین روایت داستانی خویش برای نوجوانان علی‌رغم اینکه داستان‌های «سندبادنامه» و «قابوس‌نامه» را در اکثر موارد، داستان‌های مناسبی برای مرور انسان امروزی نمی‌داند، اما بدون ایجاد تغییر در چهارچوب آن‌ها و با ویرایش روایت داستانی و ورود تخیل به جهت‌دهی داستان،

آن حکایت‌ها را در عین شیرینی حاصل از بیان کهن آن به‌قصه‌هایی برگرفته از مآخذ حقیقی خود و به دور از غلط‌خوانی و غلط‌نویسی و دروغ‌های تخیل‌انگیز، رعب‌آمیز تبدیل کند. قصه و داستان جریانی تک‌بعدی نیست.

بارها پیش آمده که بتوان از دل خواندن یک داستان به زاویه‌های پیچ‌در‌پیچ ذهن آن نویسنده‌ای پی برد که تلاش کرده است در بیانی استعاری از موضوعی با ما به گفت‌وگو بنشیند و با کمال تعجب انگشت به دهان برده‌ایم که چرا این سبک و سیاق کنایی برای بیان نکته و اندرزی ساده به کار گرفته شده است. داستان‌های کودکان و نوجوانان به دلیل ذهن خلاق و جوینده آنان نیز زمانی می‌تواند منشأ اثر باشد که با شیوه‌های بدیع گفتاری و زبانی پویا و در عین حال استوار، بر اصولی معین با مخاطبان خود همراه گردد. قصه شاید برگرفته از افسانه و افسونی قدیمی و به دور از تمامی منطق‌های انسانی

روزگار در داستان ما باشد اما بازگویی دوباره آن برای ذهن خلاق کودک امروز امری است امکان‌پذیر که نیازمند توانایی نویسنده در شناخت موقعیت و مخاطب‌اش است و در این میان، چگونگی طبع و تألیف داستان به روشنی نمایانگر این موضوع است.

«مهدی آذربیدی» سالیان زیادی را به کار ویراستاری در یک مؤسسه انتشاراتی مشغول بوده است و از همین منظر با بسیاری از این دست مایه‌های داستانی که میراث ادبی ما نیز به شمار می‌آید آشنا شد و از همین منظر او منتخبی از ۲۴ داستان «سندبادنامه» و «قابوس‌نامه» را برای سومین کتاب داستانی خود برای نوجوانان انتخاب کرد.

او جرقه نگارش داستان‌هایی از «سندبادنامه» و «قابوس‌نامه» را این‌گونه نقل می‌کند «روزی به معرکه درویشی رسیدم، آن روزها هنوز از نوشتن می‌ترسیدم و در نتیجه بی‌کار و بی‌مزد بودم. آن درویش با جعبه مارگیری‌اش و انواع شیوه‌های معرکه‌گیری در کنار کوچه، بازبان چرب و نرم، اطفال و عوام را دور خود جمع کرده بود و از این راه خرج خود را در می‌آورد. در میان برنامه او یکی از شعبده‌هایش را

قصه‌های خوب

برای

بچه‌های خوب

نگارش مهدی آذربیدی



قصه‌های سندبادنامه و قابوسنامه

۳

«قصه‌های مثنوی»؛ حس لطیف داستان‌گویی

مخاطب‌شناسی به سن خاصی محدود نشده و کوچک و بزرگ، به شیوه‌های گوناگون از این داستان‌ها بهره‌برداری کنند. مولانا همواره سرچشمه قریحه بسیاری از داستان‌پردازان ایرانی برای روایت بوده است و این امر در میان بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان نیز رواج داشته است.

مهدی آذریزدی در سال ۱۳۴۲، یعنی سال‌ها قبل از اینکه کسی به ذهن خود این امر را که مولانا هویتی غیر ایرانی دارد، برای نوجوانان به بازنویسی منتخبی از داستان‌های معنوی و فلسفی مولانا در قالب کتابی به نام «قصه‌های مثنوی معنوی» کرد.

داستان‌هایی برگرفته از جان و دل مردم و آمیخته با ظرایف و حکایت‌های شیرینی که به سادگی در رفتارهای روزمره انسان در همه دوران‌ها به کار می‌آید.

.... درویش گفت: «راست می‌گویی، حالا فهمیدم، تقصیر از خودم است که

نفهمیده‌اند دانسته، از رفتار آنها تقلید کردم و با آن صوفیان هم آواز شدم. اگر از اول می‌فهمیدم که خربرفت یعنی چه، این‌طور نمی‌شد.

«خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد»

آذریزدی در سال‌های رونق ادبیات نوین ایران به زبان و کلامی در سخن‌گویی دست یافته بود که کوچک‌ترین و ظریف‌ترین مفاهیم ذهنی را به سادگی و با ساده‌ترین شکل ممکن برای مخاطبان خود یادآور می‌شود.

زبان روان او در حقیقت همان گم‌شده همیشه نوجوان در مواجهه با متونی بود که سال‌ها تاریخ همراه با آن، به نوعی ترس برای رجوع به آن دامن زده بود. مفاهیمی که کوچک‌ترین کاستی

گروه ادب: در طول سالیان گذشته اقتباس از آثار ادبی بزرگان ادب فارسی یکی از رایج‌ترین شیوه‌های نگارش داستان به شمار می‌آمده است؛ اقتباس داستان‌گونه «مهدی آذریزدی» از مثنوی معنوی که برای نوجوانان نوشته شده است در این میان به دلیل حضور استادانه نویسنده در بازآرایی داستان قابل توجه است.

تاریخ برای ما روایت می‌کند که مولانا جلال‌الدین رومی قرآن را به روانی تلاوت می‌کرده است و بسیاری از اشعار او در

اصل بیان حکمت‌آمیز، دریافت‌هایی است که او از خواندن قرآن به دست می‌آورده است. و باز تاریخ می‌گوید که مولانا جلال‌الدین رومی در مجالس درس بسیاری که خود میدان‌دار آن نیز بوده است در بالای منابر این روایات‌ها و تفسیرها را برای مخاطبان خویش بیان می‌داشته است و پس از آن نیز در هر جا و مکانی که فراغتی به او دست می‌داد، آن‌ها را به صورت داستان و به زبان

تمثیل و به قالب مثنوی می‌نگاشت. سخن کوتاه اینکه این داستان‌های معنوی در گذر زمان از چنان مقبولیتی برخوردار گشت که بسیاری از ملت‌ها و تمدن‌های بشری آن را برای خود و به زبان خود ترجمه کردند و حتی در روزگاران اخیر مدعی این شدند که مولانا در اصل به سرزمین آن‌ها تعلق دارد.

اما در ایران که موطن اصلی او به شمار می‌آید از دیرباز در کنار کرشمه حافظ و رندی کلام سعدی، سادگی کلام مولانا همنشین روزگاران عمر بسیاری از ماست.

شیوایی کلام مولانا که سبب شده او بسیاری از مفاهیم شاید پیچیده فلسفی را در قالب یک داستان به ذهن مخاطب راه بیابد و این یکی از عواملی است که سبب شده داستان‌های او از لحاظ



در بیان گوشه‌ای از آن می‌توانست منجر به ناهمی و کج‌فهمی تمامی آن مفاهیم شود.
«شیر بی یال و دم و اشکم که دید
این چنین شیری خدا کی آفرید
چون نداری طاقت سوزن زدن
باری از شیر زیان هم دم مزن»

آذریزدی در بیان داستان‌های خود به نحو شگفت‌انگیزی واقع‌گراست و می‌گوید: «من نمی‌خواهم پیوسته یک روی زندگی را به کودک نشان دهم، چه خوب بود که اگر در زندگی ظلمی نبود و همه زندگی را عدالت و زیبایی و شادی و نشاط تشکیل می‌داد که در این صورت قصه‌نویسی نیز تنها یک سرگرمی بود. ولی حالا که هدف بسیاری از قصه‌نویسان نشان دادن زندگی است ناگزیر بسیاری از آن‌ها به گونه‌ای که هست باید باشد و نه به گونه‌ای که ما می‌خواهیم باشد و اگر نابسامانی‌های دنیایی را که کودک در آن زندگی می‌کند را به او یادآوری ننماییم او بسیار زیان خواهد دید.»

آذریزدی در عین حال به‌صورتی کاملاً هنرمندانه حضور نویسندگی را در متن قصه وارد می‌کند و آن را به گونه‌ای به جلو می‌برد که گاهی به گمان می‌رسد این روایت نه اقتباس که در اصل آفرینشی مستقل است. وی در این باره می‌گوید: «من نمی‌خواهم مستند تاریخی بنویسم، بلکه قصه می‌نویسم و حرف‌هایی دارم که باید آن‌ها را در قصه وارد نمایم و خود را موظق نمی‌دانم که کودکان را وادار سازم تا همان‌گونه فکر کنند که روای در هزار سال پیش می‌اندیشیده است.»

در نگارش «داستان‌های مثنوی معنوی» آذریزدی تنها به برداشت‌های خود از مثنوی نیز کفایت نکرده است و از سایر اقتباس‌های موجود به‌منظور ایجاد یک فضای خلاقانه در بازنویسی و اقتباس از مثنوی نیز بهره برده است که از آن جمله می‌توان به «بانگ نای» سید محمدعلی جمال‌زاده و «مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی» تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر اشاره کرد.

در یک نگاه کلی آنچه این اثر را قابل توجه می‌نماید توجه نویسندگی به حفظ اصالت متن و در عین حال تسلط دقیق به اصول اقتباس و آشنایی با فصل مشترک تمامی مخاطبان خویش است. نکته‌ای که در روزگاران امروز ما به جرات می‌توان از آن به عنوان حلقه گم‌شده تألیف این سبک نگارش نام برد.

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

نگارش مهدی آذریزدی



۴
قصه‌های شوی مولوی

«قصه‌ها» بهترین قصه

قصه‌های خوب



۵

قصه‌های قرآنی

گروه ادب: امسال هشتادوششمین سال همراهی «مهدی آذریزدی» با ماست و حاصل همه این سالیان زندگی برای چندین نسل از فرزندان این سرزمین مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» است.

جمع‌آوری می‌کنند، آن‌ها را قصه‌های قرآنی می‌نامند»

و باز برای ذهن جستجوگر کودکان همیشه این سرزمین می‌نویسد: «بیشتر این قصه‌ها مربوط به پیغمبران است و چون بسیاری از کارهای پیغمبران خدایی است و خداوند بر همه چیز قادر و تواناست، در آن از معجزات و کارهای غیر عادی و دیدار فرشتگان و گفت‌وگو با شیطان و پریان و دیگر چیزها سخن

به میان می‌آید که اسرار آن را پیشوایان دین بیشتر می‌دانند.»

داستان از ما شروع می‌شود، از آدم. از منتهای ذهن جستجوگر نوجوان آن روز و گروه سنی «۵-۶» امروز و باز مثل همیشه می‌خوانیم:

«یکی بود یکی نبود در آغاز خدا بود و غیر از خدا هیچکس نبود. خدا فرشتگان را آفرید و جهان را و زمین را آفرید. و فرشتگان خدا را پرستش می‌کردند، و خدا بر روی زمین گیاه‌ها و جانوران پدید آورد. و در زمین آدمی نبود»

پیش که می‌رویم حکایت آن سهل‌انگاری و فریب ازلی انسان به صفحه چشمان ما می‌نشیند. آنجا که شیطان به انسان خطاب می‌کند: «بله دیگر، عیب کار از اینجاست که آن چیزی را که ممنوع کرده‌اند که خوشمزه است» و باز می‌گوید: «من صد هزار سال عبادت کردم، آنگاه دروغ بگویم؟ به همه چیزهای عزیز قسم که راست می‌گویم، به شرافتم، به وجدانم راست می‌گویم. مقصود خدا این بوده که پر خوری نکنید و گر نه کمش عیبی ندارد»

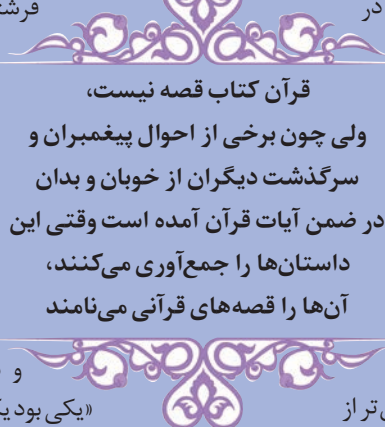
و هابیل و قابیل و داستان تأسف برانگیز آن دو کمی جلوتر می‌خوانیم که فرزندان آدم زیاد می‌شوند و فریب‌خوردگان شیطان بیشتر و

دوری است چهل‌وسه‌سال پیش. در آستانه بهار؛ پیرمرد که آن روزگار در آستانه میان‌سالی بود قلمش را از کودکان فراموش شده آن سالیان به سمت والدین باز هم فراموش شده آن دوران می‌گرداند و می‌نویسد: «چند کلمه با بزرگترها» قلم می‌چرخاند، می‌نویسد که داستان‌های قرآن را ساده‌تر و روان‌تر از

این تاکنون برای طفلان فراموش شده این سرزمین کسی نوشته است، که بارها و به اندازه طاقت تمامی روایات و داستان‌های مشترک میان ادیان را خواندم تا به شخصیتی حقیقی دست یابم، که کودکانی که امروز به آن‌ها می‌گوییم گروه سنی «۵-۶»؛ باید می‌دانستند تفاوت میان سلیمان پادشاه را با سلیمان پیغامبر چیست، و با این‌که تعداد اصحاب کهف به روایت قرآن اهمیت ندارد و صبر و طاقت آن‌ها در راه ایمان است ستودنی.

و اما چشم که بازکنی شش صورتک به تو لبخند می‌زند و رنگی صورتی‌فام در آستانه توست:

«قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» پیرمرد این روزگاران ما در ابتدا برای بچه‌ها می‌گوید: «قرآن کتاب قصه نیست، ولی چون برخی از احوال پیغمبران و سرگذشت دیگران از خوبان و بدان در ضمن آیات قرآن آمده است وقتی این داستان‌ها را



قرآن کتاب قصه نیست،
ولی چون برخی از احوال پیغمبران و
سرگذشت دیگران از خوبان و بدان
در ضمن آیات قرآن آمده است وقتی این
داستان‌ها را جمع‌آوری می‌کنند،
آن‌ها را قصه‌های قرآنی می‌نامند



سایه های قرآن؛ سایه های دنیا

بچه های خوب

نگارش مهدی آذربودی



قرآن

نوح (ع) به رسالتی عظیم مبعوث می شود و پس از آن هود و صالح که مروجان آیین یکتاپرستی نوح بودند.

ذهن تنها و جستجوگر پس از این داستان به سرور پیغامبران یکتاپرست، ابراهیم (ع) می رسیم، که در کودکی یتیم شد و او را عمویش که به شغل بت سازی مشغول بود بزرگ کرد، بت سازی بزرگترین بت شکن تاریخ را در دامان خود پروراند، بت شکنی که آتش در دامان او

گلستان شد و اسماعیل

جوان برومند وی به امر خدا

به قربانگاه رفت تا امتحانی

باشد برایمان ابراهیم و آنگاه

که تیغ بران بر تن او اثر نکرد

بشارتی باشد بر پذیرش او از

سوی خداوند و مبعوث شدن

به ساختن بنای کعبه از ایوب

و صبرش که او را از دارایی

عالم به عدم رساند و او دم

برنکشید جز آنکه آنچه

خدای من می پسندد، من نیز آن را می

پسندم.

یوسف و هزارافسون مصریان، که نتوانست او را

در نهایت از دامان یعقوب دور نگاه دارد علم الهی او

که او را از دل زندان تاریک به مقام سروری یک قوم

رساند و داستان کودکی از نسل او که عصایش دل

رود نیل را شکافت و فرعونیان را در قعر آبها برای

همیشه تاریخ سرنگون کرد.

خضر و داوود و سلیمان از سوی و یونس در

دهان ماهی از سوی دیگر هر یک تو را به دنیایی

رهنمون می سازد و تو غرق در این حکایتها است

که به خواب هزاران ساله اصحاب کهف می رسی و

سگی که لیاقت حضوری را یافت که چشمان

بسیاری از مردمان بر آن نابینا بود.

دم پاینده عیسی (ع) و حکمت لقمان تو را

اندک اندک به نوری اشارت می دهد که با تو غریبه

نیست. به رسالت مصطفی (ص)، به روزگار تنهایی

و درد در کوچه های جهل مکه، به شعب

ابی طالب، به بدر، احد، به دفاع علی (ع) از محمد

(ص)، آنجا که با بصیرت تمام در بستر پیامبرش

خوابید تا جان خویش را در راه او فدا کند. به

آنجایی که خداوند به ثمره تمام زخم زبان های

جهل اعراب به پیامبرش کوثر عطا کرد، به

مدینه می روی و اذان بلال و

حجت الوداع و حدیث

غدیر.

داستان یکی است.

حکایت همان چشیدنی

است که از آن منع شدیم و

حال برای درک آن به

عظمت تمام تاریخ از

جانب او به ما اشارت شد،

اگر که بینا باشیم.

پیرمرد که در آن

سالها در آستانه

میان سالی بود به تاریخ

۱۳۴۵/۱۱/۲۵ نگارش را به پایان برد و داستان را به

ما سپرد. داستانی که در تمام این چهل و سه ساله،

تمام است و در کمال. مهم نیست که روزگاری برای

گروه های هشتم تا سیزدهم مناسب بود و امروز برای

گروه سنی «د-ه». کودکان دیروز، پدران امروز و همه

بچه های خوب که قصه های خوب دیر زمانی است

جزئی از داستان زندگی آنهاست.

کتاب قصه های قرآن عنوان یکی از کتاب های

مجموعه قصه های خوب برای بچه های خوب است که

مؤسسه انتشارات «امیرکبیر» آن را به چاپ رسانده است.

این کتاب را آذربودی در سال ۱۳۴۵ برای نوجوانان تألیف

کرده و داستان تمامی پیغامبرانی را که به نوعی در

قرآن کریم از آن ها روایت شده را به زبانی روان برای

نوجوانان نقل کرده است.

کتاب قصه های قرآن عنوان یکی از کتاب های

مجموعه قصه های خوب است که

مؤسسه انتشارات «امیرکبیر» آن را به چاپ رسانده است.

این کتاب را آذربودی در سال ۱۳۴۵ برای نوجوانان تألیف

کرده و داستان تمامی پیغامبرانی را که به نوعی در

قرآن کریم از آن ها روایت شده را به زبانی روان برای

نوجوانان نقل کرده است.

بحر عطار در کوزه دنیای کودکی مان به روایت «مهدی آذریزدی»

افق دید ما میراث و معیار زندگی ما به شمار می‌آید را در فرآیندی دقیق و آکنده از تزیینی هزاران سال اندیشه عرفانی ایران، در قالب چند صفحه داستان برای سال‌های سال خواندن به نوجوان ایرانی تقدیم می‌کند. گدای عاشق به دختر سلطان نگاهی کرد و گفت: «تو مرا فریب دادی و گمراه کردی»

دختر سلطان گفت: «من تو را فریب ندادم. هرکسی باید در جای خودش بنشیند. آن روز من به سادگی و بی‌عقلی تو خندیدم، آن خنده لبخند نبود، ریشخند بود. من نمی‌خواستم زن یک گدا باشم می‌خواستم تو را به یاد زندگی بیاندازم تا بی‌کاری بروی و آبرو و شخصیتی کسب کنی ولی خودت، خودت را فریب داده‌ای و بر آرزویی خام نام عشق گذاشته‌ای، عشق چیزی است که می‌سازد و آباد می‌کند. این چه عشقی است که هم مرانج می‌دهد و هم تو را تابه می‌سازد.»

گدای عاشق اندکی اندیشید و پاسخ داد: «راست می‌گویی من از آن دیوانگی گذشتم و اینک هوشیار شدم»

آذریزدی در کتاب خود سه مثنوی «منطق الطیر»، «مصیبت نامه» و «الهی نامه» را مورد توجه قرار داده است و با دقتی مثال‌زدنی حتی نام داستان‌ها را از متن روایت استخراج کرده است. نام‌هایی چون «جنس کمیاب و گران»، «دندان سفید»، «کودک ماهیگیر»، «خداپرست»، «علاج گدایی»، «یکی بود و تا نبود»، «ریش عابد»، «حماسه گنجشکی»، «اسفند دود کن»، «پیر جنگی»، «تجارت و شانس»، «هدیه»، «کودک دانا»، «پند کلاه‌نمدی»، «دیوانه نی‌سوار»، «آب تازه»، «لعنت بر شیطان»، «قمار و مارگیر»، «سنگ آسیاب»، «خوشبختی و بدبختی».

نام‌هایی که علاوه بر حضور در متن و روانی به سادگی ذهن خواننده را به سمت حضور و درک داستان جلب می‌نماید. آن چه در دل داستان می‌آید نشان از شناخت مناسبی است که نویسنده از مخاطب خود دارا است، شناختی مبتنی بر نگاه عمیق او به ماهیت و شکل مخاطب و به همین دلیل است که در گذر سالیان و زمان این داستان‌ها همواره خواندنی و حتی خواندنی‌تر شده است. در روزگاران ما که ادبیات جدید به سادگی در حال معرفی هویت پنهان و غیر ملی خویش را برای خوانندگان است و به آرامی خود در گوشه ذهن آن‌ها می‌گنجانند، نگاهی به این متون داستانی و قرار دادن آن به عنوان منبع شکل‌گیری و الهام ذهنی خوانندگان است.

گروه ادب: دنیای عطار نیشابوری وسعتی است به اندازه تمام سال‌های عرفان در ایران. نوشیدن جرعه‌ای از این دریای بی‌کران و پیاله کردن مفاهیم فلسفی عمیق آن برای نوجوان امروزی، تجربه‌ای است که تنها در نوشته‌های «مهدی آذریزدی» به چشم می‌آید و باید با نگاهی دوباره به ریشه این اندیشه پی برد و در راه پرورش آن دوباره آن کوشید.



عطار نیشابوری بزرگترین عارف و شاعر قرن ششم ایران زمین و جوینده هفت شهر عشقی است که بسیاری از ما حتی به ادعا اندر خم یک کوچه اش مانده‌ایم. اما امروز و پس از هشتاد و پنج سال، بازنگری کار و اندیشه عطار شاید تنها برای دوستان و تحقیقات دانشگاهی دلچسب باشد، ولی هیچ‌گاه نمی‌توان به سادگی از کنار پند و اندرزهای کوچک و بزرگ داستان‌ها و تراوشات ذهنی این عارف نامی گذشت.

دوباره او گفته‌اند که عطار در محل کسب خود مشغول به کار بود که درویشی از آنجا گذر کرد. درویش حاجت خود را با عطار در میان گذاشت، اما عطار همچنان به کار خود می‌پرداخت و درویش را نادیده گرفت. دل درویش از این اتفاق چرکین شد و خطاب به عطار گفت: تو که تا این حد به زندگی دنیوی وابسته‌ای چگونه می‌خواهی روزی جان بدهی؟ عطار به درویش گفت: مگر تو چگونه جان خواهی داد؟ درویش در همان حال کاسه چوبین خود را زیر سر نهاد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. این اتفاق اثری ژرف بر او نهاد که عطار دگرگون شد. شغل خود را رها کرد و راه حق را پیش گرفت. به راستی از این سرگذشت و تحول چگونه می‌توان درس زندگی یافت. سرگذشتی که

بسیاری آن را نماد عینی ترک دنیا و زندگی دنیوی می‌دانند و از آن عجیب‌تر حکایت‌هایی است که از این ذهن به بیرون می‌تراود و ما امروز برای کودکان خود طالب بازگویی آن هستیم.

مهدی آذریزدی در سال ۱۳۴۷ همت به استخراج و تدوین مجموعه‌ای از داستان بر اساس آنچه از سروده‌های عطار باقی است برای نوجوانان کرد. وی علاوه بر تأکیدی که بر دشواری کار دارد، می‌گوید: «اگر کسی بگوید آثار شیخ عطار سرمشق زندگی امروز نیست حق دارد و به همین دلیل هم غالب این قصه‌ها عیناً تلقین‌کننده همان نتیجه‌ای نیست که عطار نقل می‌کند، اما حق این است که آثار این مرد بزرگ دریایی است که گوهرهای معرفت در آن فراوان است، ظلم است اگر کسی ریشه اندیشه او را بگیرد و از منبع الهام نامی نبرد»

و هنر پیرمرد قصه‌گوی یزدی از این نقطه جلوه‌گر است. او همه آنچه در

قصه‌های خوب

برای

بچه‌های خوب

نخاست مهدی آذریزدی



ع

قصه‌های عطار

گل‌هایی از گلستان به روایت «مهدی آذریزدی»

برای آموختن چیزهای سودمند فرصت را از دست می‌دهند و آنگاه در پاسخ به او گفت که اگر کاری غیر از این نداری و همه حیانت به این سوال مرتبط، دسته‌ای ریش خود را که بسیار بلند است، کوتاه کن و بشمار! داستان‌های مهدی آذریزدی در کتاب «قصه‌های گلستان و مملستان» همگی زبانی دارند روان، غیر شکسته و جاری بر ذهن و دل همه نوجوانان مخاطب او. گویی خود از دل خود قصه می‌گویند و حکایت آنچه بر جان آن‌ها می‌نشیند، به سادگی بر ذهن و کلام نویسنده نیز جاری و باقی است. پیام‌رسانی و انتقال مفهومی اجتماعی در کلام آذریزدی از ابتدای پیام یعنی از نشانه‌ها آغاز می‌شود.

او در سراسر کتاب حتی نام‌های به کاررفته در کتاب را با مضمونی مناسب و در اختیار موضوع برگزیده است. «مانده خیره‌خیره در چشم‌های رسیده نگاه کرد و پرسید: پس به عقیده تو انسان کامل چه می‌کند؟ رسیده گفت: حالا تا به انسان کامل برسیم خیلی مانده است. اما یک آدم حسابی معمولی هم نمی‌نشیند که چیزی برسد، بلکه در راه بدست آوردن آن کوشش می‌کند، تلاش می‌کند و کاری دارد و به اندازه همت خود سهمی از زندگی به دست می‌آورد. خودش می‌خورد و بقیه را در کار خوشبختی دیگران صرف می‌کند. اگر این‌طور باشد دیگر «نرسد» در کار نیست، می‌رسد.

مهدی آذریزدی در ذیل نام «مملستان» در انتهای کتاب می‌گوید: مملستان کتابی است تالیف «ابراهیم بدیع‌الملم تفرشی» که با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۱ در تبریز به چاپ رسیده است و به تقلید از گلستان سعدی در بخش‌های شامل پنج ساغر و یک جرعه

تقسیم شده است. ساغر اول در سلوک و عادات آن، دوم در اخلاق درویشان، سوم در تفویض امور به ذات باری، چهارم در دانایی و حمق و پنجم در حکم و آداب و جرعه نیز مختصری است از احوال نویسنده این کتاب. وی همچنین از داستان‌های «بهارستان جامی»، «خرابات فقیر شیرازی»، «جان جهان علی اکبرخان حسینی فراهانی»، «روضه خلد مجد خوافی»، «پریشان قانی شیرازی» و «خارستان حکیم قاسمی کرمانی» بهره برده است.

با وجود اینکه از تالیف این اثر ۳۵ سال از تالیف این اثر می‌گذرد هنوز هم می‌توان به سادگی طراوت و جذابیت را در تورق زدن این داستان به روشنی لمس کرد. تناسب و اندازه در حجم داستان و نیز بهره‌گیری از تصاویر مناسب که علاوه بر کارایی قدمت به روشنی به تشریح فضای روی داد نیز می‌پردازد همان که پیرمرد یزدی نیز به آن معترف است: «زیاده حرفی نیست»

گروه ادب: «قصه‌های گلستان و مملستان» از مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نوشته «مهدی آذریزدی» از گلستان سعدی و کتاب‌هایی شبیه به آن است که با پرداختی ساده و بدون وارد دور کردن ذهن مخاطب از متن داستان به ارائه گلچینی از برترین نکات اخلاقی دنیوی برای نسل امروز و فردا می‌پردازد.



گلستان سعدی برای ما بیشتر از یک کتاب است. پیچک رونده ذهن ما سال‌هاست در شب‌های بلند زمستان و پسین‌گاهان خنک تابستان در کنار قند کلام سعدی شیراز بالیده و به آسمان نظر داشته است.

شاید سعدی خود وقتی در گوشه حجره‌ی کاروانسرای تک افتاده در حاشیه شهر و در میان همه تنهایی تن یک مسافر، قلم را به نگارش گلستان خویش می‌برد، هم همین حس امروز ما را در ذهن خود مرور می‌کرد و بعد اندکی نگاهش را به آسمان می‌دوخت و در همین اوقات بود که با نگاه به عبور یک روشنایی در آن آسمان و یا روشنایی متناوب یک ستاره او را به کنج تنهایی یک مسافر می‌آورد و قلمش را به ثبت آن چه از دنیا برای دنیایی نبودن نیاز است.

گلستان و سبک سیاق کلامش در فصاحت و بلاغت او را به مرتبه‌ای رساند که در تمام سرزمین‌های فارسی و عربی عده زیادی سعی می‌کردند به هر نحو ممکن نثر خود را به او نزدیک کنند و از آن تشابه برای خود افتخاری به ثبت برسانند. و

شاید هشت قرن بعد پیرمرد تنهای یزدی نیز نگاهش را به همان افقی که سال‌ها قبل شاعر شیراز به آن چشم دوخته بود، افتاد که قلم را به انتخاب و نگارش گل‌هایی از گلستان و آنچه مانند آن نگاشته شده بود چرخاند.

داستان اما تنها یک روایت و قصه نیست، پیرمرد می‌گوید: «مردی در مسجد کوفه از علی (ع) می‌پرسد: من چند تار ریش بر صورت خود دارم؟ علی (ع) تبسمی می‌کند و از جماعت می‌پرسد که آیا کسی جواب این سؤال را می‌داند؟ حضرت از غلام خود؛ قنبر می‌خواهد که جواب او را بدهد و غلام این‌گونه پاسخ می‌دهد: «جواب تو را خواهم داد اما بدان زیر هر تار موی ریش شیطانی نهفته است تا تو را وسوسه کند تا از راه راست بیرون روی. سؤال تو سؤال کسی نیست که از گمراهی در امان باشد. جواب تو را خواهم داد، اما ای مرد عمر مردم کوتاه است. وقتی مردم وقتشان و عمرشان و فکرشان را در راه چیزهای بیهوده حرام می‌کنند

قصه‌های خوب

برای

بچه‌های خوب

نگارش مهدی آذریزدی



۷

قصه‌های گلستان مملستان

«قصه‌های چهارده معصوم»؛ شرح زندگی بهشتیان زمینی

محمد در آن سالیان هشت ساله بود و پس از درگذشت پدر، عمویش عبدالمطلب از او نگاه‌داری می‌کرد. محمد در کنار عموی خویش آرام نشسته بود که عبدالمطلب روی به او می‌گرداند و می‌گوید: «محمد جان دلم می‌خواهد بروی و ببینی حرف حساب این حفص چیست؟ اگر نمی‌خواهد سهم خویش را بپردازد، بگویند تا نام وی را از بانیان حج حذف کنیم.»

ساعتی بعد محمد و حفص با شش شتر آمدند و حفص به عبدالمطلب گفت: یک شتر اضافی را به خاطر ادب این پسر در رساندن پیام توبه حج تقدیم می‌کنم.

چند صفحه را می‌گذرانیم. محمد اینک رسول خداست. او افتخار و فخر جهانیان است، پادشاهی که از روی ساده‌زیستی نمی‌توان او را از میان امتش باز شناخت.

و در همین ایام است که رسول‌الله، علی (ع) را برای خرید پیراهنی برای خویش به بازار می‌فرستد و علی به مبلغ دوازده درهمی که پیامبر به او داده بود برای ایشان جامه‌ای تهیه می‌کند، اما رسول (ص) را پیراهنی نازک‌تر خوش‌تر است. رسول اکرم با علی به بازار می‌روند. در راه کنیزی می‌بیند که چهار درهم خویش را گم کرده است. به او چهار درهم می‌بخشد. در بازار به چهار درهم لباسی می‌خرد، اما در مسیر بازگشت به مرد برهنه‌ای بر می‌خورد و پیراهن را به او می‌دهد و خود و علی بار دوم به بازار می‌روند و پیراهنی می‌خرند. در بازگشت رسول (ص) آن کنیز را می‌بیند که از بازگشت به خانه به دلیل تاخیر می‌هراسد. پیامبر او را برای شفاعت به منزلش می‌رساند و به شکرانه این حضور صاحبان آن خانه کنیزک را در راه خدا آزاد می‌کنند.

چندین صفحه دیگر، سیمای دیگری از بهشت، پیرمرد

گروه ادب: «قصه‌های چهارده معصوم» آخرین کتاب از مجموعه داستان «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» است که در سال ۱۳۶۶ توسط «مهدی آذریزدی» برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است.



واژه‌به‌واژه در ذهن خود مرور کنیم. تمام آن چه از دل سالیان به دست ما رسیده است. تمام سهم ما از بهشت، از دوست داشتن، از دیدن آنچه روزهاست به هوای نفس خویش به در آن نبودن محکوم شدیم. بیهوده نیست اگر کودکان را دوست‌داشتنی‌ترین‌های

این عالم بنامیم، شبیه‌ترین‌ها به بهشت که هرروز که می‌گذرد از آن شیرینی نیز کاسته می‌شود.

دورزمانی نیست از آن شب‌ها که ما گرد هم می‌نشستیم و چشم‌ها به سان یک گردوی برآمده از پوسته خویش به درون یک دهان خیره می‌ماند.

به دهان آن پیرزن و یا پیرمرد سالخورده که برای ما از بهشت می‌گفت و از بهشت‌یان که خداوند روزی برای اینکه دل مردمانش را به دست بیاورد در روی زمین از آن‌ها نشانه‌ای نهاد، چهارده نشانه، چهارده زندگی.

«مهدی آذریزدی» سال‌ها پیش به مدد تکه‌ای از عشق الهی خویش به ائمه معصوم (ع) که در درون خود به ودیعه می‌دید، قلم به نگارش سیره ۱۴ تکه از بهشت که بر روی زمین ساکن شده‌اند، برای بهشتیان کوچک زمین، کودکان کرد.

داستان از آخرین پیغامبر آغاز می‌شود، از صبح آن روزی که عبدالمطلب در سایه دیوار کعبه بر روی حصیری و در جمع سران قریش نشسته بودند. صحبت از فردی بود به نام حفص که پنج شتر و صد من گندم به گردانندگان سالانه مراسم حج آن سالیان کعبه بدهکار بود.



و نقل می‌کند که امام موسی بن جعفر (ع) در پاسخ به مردی که از ایشان طلب دعایی برای مرگ خود و رهایی از دنیا می‌کرد، فرمود: «حیات و زندگی را آرزو کن که خدا را عبادت کنی و نه اینکه نافرمانی کنی. اگر زندگانی نیکو داشته باشی و نیکوکاری باشی بهتر از آن است که بمیری و بعد از آن به هیچ کاری قادر نباشی»

داستان کرامات امام رضا (ع) و پسر ایشان را که صفحات کاغذ مرور می‌کنند، داستان‌هایی از امام محمد تقی (ع) که از هفت سالگی به امامت رسیدند بر پیش چشمانمان نمودار می‌شود.

زندانیان عزیز، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) آخرین تکه‌هایی از بهشت در توصیف قلم آذریزدی است. حکایت شفاعت امام هادی (ع) از مسلمانی مقروض و یا حکایت کینه و عداوت شش خلیفه عباسی با امام حسن عسکری. کتاب که تمام می‌شود پیش از آنکه آن را ببندیم، چند خطی

را نویسنده به بزرگسالانی که این کتاب را ذخیره کودکان خویش نهاده‌اند تقدیم می‌کند: «حکایات المعصومین دارای صد حکایت بود که از کتاب‌های مشهور و معتبری مانند کافی، من لایحضر، ارشاد و امالی مفید استخراج و به شیوه‌ای جدی تنظیم شد.

این کتاب حد واسطی بود میان تالیفات بسیار متنوع علمای قرون متمادی و کارهای تازه‌ای که برای کودکان شروع شده بود و من به این می‌اندیشیدم که کار پسندیده‌ای است به سراغ کتاب‌های معتبر حدیث رفتن و از میان آنها قصه‌های تازه‌ای را برگزیدن و دردسترس کودکان نهادن»

ما را به خانه رسول دعوت می‌کند. علی در کنار رسول اکرم (ص) نشسته است و از شرم سر به زیر افکنده است. محمد (ص) خوشحال و درخشان است، اما می‌گوید باید از فاطمه سؤال کنم... لحظاتی

بعد رسول اکرم (ص) از علی می‌پرسد: «مهر فاطمه را چه قرار می‌دهی؟» و مقرر می‌شود علی زره جنگی خود را بفروشد و مقدمه ازدواج با فاطمه نماید.

حسن (ع) نخستین ثمره ازدواج آسمانی علی و فاطمه را پیرمرد این چنین روایت می‌کند: «مردی که از بذل و بخشش‌های امام حسن (ع) شنیده بود به نزد او آمد و گفت: «ای پسر امیرالمومنین، تو را قسم می‌دهم به حق آن خدایی که نعمت بسیار به شما عطا نموده است به من کمک کنید» امام با تبسم به او نگاه می‌کند و دو برابر خواست او را برآورده می‌کند.

شیرینی داستان‌های پیرمرد در توصیف خصایل حسین (ع) و امام سجاد (ع) دو چندان می‌شود آنگاه در مقام پاسخ به اهانت و بدگویی مردی اعرابی امام سجاد (ع) می‌گوید: «ای مرد از خدا می‌خواهم که اگر تهمت‌ها تو بر

من رواست مرا مشمول اصلاح قرار دهد و اگر حرف‌های تو نارواست تو را مورد آمرزش قرار دهد»

آذریزدی در توصیف امام محمد باقر (ع) کلامش را به نقل روایتی از ایشان که جاحظ، دانشمند عرب از ایشان نقل کرده رهنمون می‌سازد: «آسایش زندگی پیمان‌ه‌ای است که دو ثلث آن راه‌هوشیاری و یک ثلث آن را چشم پوشی و آسان‌گیری می‌پوشاند»

کتاب در ادامه می‌گوید: «روزی فردی به نزد امام صادق (ع) آمد و گفت: زندگی بر من سخت می‌گذرد، از خدا بخواه تا مرا گشاده‌روزی قرار دهد و امام در جواب وی فرمودند: «در طلب روزی بیرون برو و برای جستجوی آن بکوش»

قصه‌های خوب

برای

بچه‌های خوب

نخاست مهدی آذریزدی



قصه‌های چهارده معصوم

۸

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

طنین ماندگار «قصه‌های قرآن» آذربیدی؛ در گوش بچه‌های خوب ایران

نگارش مهدی آذربیدی



گروه ادب:

«مهدی آذربیدی» چهره‌ای است که همه او را به نام بابای قصه‌گوی بچه‌های ایران می‌شناسند. قصه‌های خوب او از قرآن کریم، ائمه اطهار (ع)، مثنوی معنوی و آثار عطار نیشابوری و ... در گوش بچه‌های خوب ایران همیشه ماندگار خواهد بود.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) «مهدی آذربیدی» را همه آن‌هایی که عمری را با قصه‌های خوب سرکرده‌اند، می‌شناسند. این‌ها همه از وزیر و وکیل شروع می‌شود تا همین کودکانی که یک سال پیش از آموختن الفبا فارغ شده‌اند. این نویسنده پیشکسوت ادبیات کودکان ایران، یکی از کسانی است که بخش‌هایی از تاریخ ادبیات کودکان این سرزمین را ساخته است.

او این شهرت و سرشناسی خود را مدیون نوشتن کتاب‌هایی است که معتبرترین کتاب‌های غیر درسی سال‌های چند دهه گذشته هستند. بسیاری از ما و حتی بسیاری از آموزگاران ما نیز کودکی خود را با خواندن و بازخواندن کتاب‌های او سر کرده‌ایم. با قصه‌های شیخ عطار و دیوانه نی‌سوارش، با قصه‌های مثنوی، طوطی و بازرگان‌اش و با قصه‌هایی که از قرآن کریم برای انسان‌های امروز و آینده به یادگار گذاشته است.

نگاه متفاوت آذربیدی به قصه‌های قرآن

آذربیدی قصه‌های قرآن را با نگاهی متفاوت به سایر آثارش نوشته است و در درجه نخست هدفش این بود که کودکانی را که با قصه‌های قرآن آشنا نیستند را به این قصه‌ها آشنا و مأنوس کند. چه آن‌هایی که با قرآن مأنوس‌اند و چه آن‌هایی که از فیض آموختن قرآن مهجور بوده‌اند یا هستند.

در زبان فارسی تا زمان تدوین کتاب «قصه‌های قرآن» کتابی در این زمینه، خاص کودکان و نوسودان به زبان ساده فراهم نشده و جای آن خالی بود و وجود آن لازم می‌نمود.

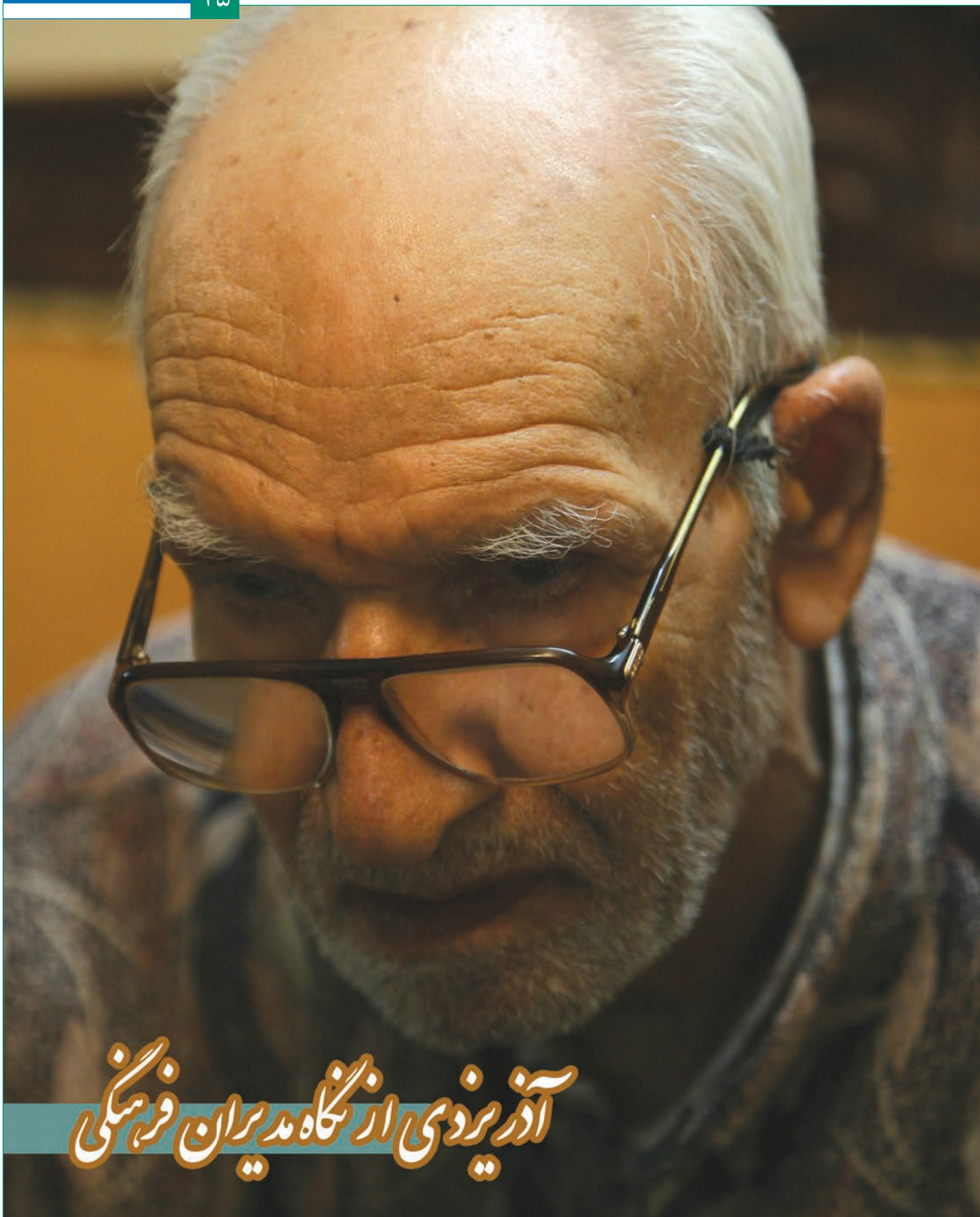
زندگی آذربیدی سراسر قصه است

آذربیدی اگر قصه‌پرداز بزرگی است، زندگی خودش نیز سراسر است، قصه‌هایی که با هر بار شنیدن آن‌ها می‌توان گوشه‌هایی از تاریخ و فرهنگ ایران زمین را در پنج یا شش دهه گذشته بازنویسی کرد. زندگی او تاریخ منسجم راسته کتابفروشی‌های تهران بود؛ اما بالاخره پس از پنجاه سال، دل از خیابان انقلاب با کتاب فروشی‌هایش و ناصر خسرو با چاپخانه‌هایش کند و به یزد آمد. او از جایی دل کند که همیشه صدای ماشین‌های چاپ و بوی دوات و کاغذ در آن شنیده می‌شد.

آذربیدی از آن مردمی است که خودشان را در کتاب سوزاندند و خاکستر نشین کتاب شدند و تا هستند نیز همواره چنین می‌کنند؛ مانند ققنوس آن پرنده عاشق که از آتش و خاکستر، خود همواره آفریده می‌شود و آذربیدی هم که همواره با کتاب آتش می‌گیرد، خاکستر می‌شود و بار دیگر از خاکستر خویش کتاب می‌آفریند، این همه زندگی آذربیدی است نه کلامی بیش و نه کلامی کم.

مهدی آذربیدی در سال ۱۳۷۸ به دلیل نگارش قصه‌های قرآن برای کودکان و نوجوانان به عنوان خادم قرآن شناخته شد.

گروه ادب خبرگزاری ایکنا به‌منظور ارج نهادن به فعالیت‌های این نویسنده و خادم قرآن کریم در سلسله گفت‌وگوهایی از این پس به زندگی، آثار و نقش او در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در بازنویسی قصص قرآن و ائمه اطهار (ع) و سایر متون عرفانی و ادبی می‌پردازد.



آذربایردی ار نگاهدیران فرهنکی



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

تلاش‌هایی برای انتشار مناسب‌تر آثار «آذرزیدی» صورت می‌گیرد

گروه ادب: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تجلیل از مقام «مهدی آذرزیدی» گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تلاش است تا انتشار آثار آذرزیدی را به شیوه مناسب‌تری محقق سازد.



«محمدحسین صفارهرندی» در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) افزود: «مهدی آذرزیدی» از پیشکسوتان عرصه ادبیات کودک و نوجوان در عصر حاضر محسوب می‌شود که در سال‌های متممادی به خلق آثار پرمایه و فاخری دست زده است. وی ادامه داد: تاکنون چندین مرتبه از استاد آذرزیدی به ویژه در سال گذشته در محافل ادبی و هنری تقدیر به عمل آمده است؛ البته ایشان استحقاق این را دارند که بارها مورد تقدیر و تجلیل قرار گیرند. صفارهرندی درباره سبک ویژه آذرزیدی در آثارش گفت: آثار آذرزیدی از توصیف‌های سطحی بی‌نیاز است. او به خوبی توانست با دل و روح مخاطبان جوان، نوجوان و به ویژه کودکان رابطه برقرار کند و به عمق وجود این مخاطبان دست یابد، بنابراین به توفیق بسیار بزرگی دست یافته است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: «مهدی آذرزیدی» در رابطه با مفاهیم متعالی و مسائلی که در اوج حقیقت، راستی و درستی هستند، بسیار موفق عمل کرد.

وی در پایان گفت: آذرزیدی این مفاهیم را زمانی در آثار خود به کار برد که کمتر کسی به این مسائل توجه نشان می‌داد، بنابراین این آثار به دلیل نثر روان و شیوایی که داشت مورد توجه مردم به ویژه کودکان قرار گرفت و با روح آنان پیوند خورد.



محسن پرویز: قصه‌های قرآن آذریزدی از بهترین آثار قبل از انقلاب است

گروه ادب: معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و بازنویسی قصه‌های قرآن اثر «مهدی آذریزدی» را از کارهای بسیار خوب قبل از انقلاب اسلامی برشمرد.

آغازین این فعالیت و استقبال اکنون از آثار وی نباید برای ایشان انتظار ایجاد کند که همان شرایط گذشته به نوعی تکرار شود. اکنون شرایط فرق کرده است، ولی با همه این وجود کار بزرگ ایشان در زمان خود بسیار بزرگ و قابل تقدیر است.

وی درباره حمایت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از نویسندگانی مانند آذریزدی گفت: بنیادی برای هنرمندان پیشکسوت در معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های گذشته تأسیس شده که در حوزه هنر مکتوب بیشترین توجه را به بخش شعر داشته و متأسفانه این توجه به همه حوزه‌ها راه نیافته است.

پرویز افزود: هم‌چنین در وزارتخانه طرح تکریم که شامل حال پیشکسوتان می‌شود، وجود دارد البته مبالغی که پرداخته می‌شود،

قابل توجه نبوده که به بودجه فرهنگ برمی‌گردد، اگر بودجه حوزه فرهنگ را با سایر حوزه‌ها مقایسه کنیم، بسیار اندکی است و نمی‌توان به لحاظ مالی حمایت چندانی از پیشکسوتان این حوزه انجام داد.

وی با بیان این مطلب که آن چه به صورت عملی مورد عمل قرار می‌گیرد همان طرح تکریم و تجلیل است، گفت: البته از سوی نهادهای مختلف فرهنگی نیز تجلیل‌هایی صورت گرفته و می‌گیرد، این نهادها هدایای مختصری به هنرمندان تقدیم می‌کنند، از استاد «مهدی آذریزدی» نیز نهادهای مختلف فرهنگی چند مرتبه ای تجلیل کرده‌اند.

«محسن پرویز» معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) گفت: «مهدی آذریزدی» در دوره‌ای فعالیت می‌کرد، که عملاً نویسنده کودک و نوجوان به معنای واقعی وجود نداشت و چند نفر محدود شاید در این عرصه فعال بودند. وی ادامه داد: حکایت‌های که آذریزدی استخراج و بازنویسی کرده نوعی آغازگر مسیری بود که پس از ایشان تکمیل شد، و آثار او را نمی‌توان با سایر آثار تولید شده در این حوزه مقایسه کرد، چرا که نویسندگان دیگر پا بر شانه پیشینیان به ویژه «آذریزدی» گذاشته و تجربه‌ای که قبلاً به دست آمده بود را مورد استفاده قرار دادند.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با

بیان این نکته که «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» از نظر ادبی ویژگی‌های برتری نسبت به سایر آثار هم‌دوره خود داشت، گفت: این مجموعه در زمان خود و حتی پس از آن بسیار مورد استقبال قرار گرفت، مجموعه کتاب‌های دیگر وی نیز بسیار خواندنی بود و قصه این حکایت‌ها ضمن پندآموزی شیرینی قلم نویسنده را نشان می‌دهد.

پرویز درباره اظهار ناراضی آذریزدی از نوع چاپ و

اندازه کتاب‌هایش گفت: این طبیعی است که نویسنده تعلق خاطری به آثار خود داشته باشد، اما مقایسه بین استقبال روزهای

مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب در زمان خود و حتی پس از آن بسیار مورد استقبال قرار گرفت، مجموعه کتاب‌های دیگر وی نیز بسیار خواندنی بود و قصه این حکایت‌ها ضمن پندآموزی شیرینی قلم نویسنده را نشان می‌دهد

مسئول بنیاد ادبیات داستانی: حمایت از نشر آثار «آذریزدی» ترویج فرهنگ قرآنی را به دنبال دارد

گروه ادب: مسئول بنیاد ادبیات داستانی، آثار «مهدی آذریزدی» را منبع الهام برای نویسندگان و شاعران قرآنی معرفی کرد و افزود: با گسترش آثار استاد آذریزدی در بازار نشر می‌توان در راستای حمایت از آثار قرآنی گامی اصولی برداشت.

«محمود سالاری» در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره آثار مهدی آذریزدی گفت: آثار استاد آذریزدی به عنوان منبع الهامی است که نگارش داستان و سرودن شعر برای علاقه‌مندان به قرآن را تسهیل می‌کند.

وی با بیان این‌که آذریزدی این منبع الهام را به همه علاقه‌مندان این حوزه نشان داده است، افزود: وی با ارائه آثار خود در این حوزه، انگشت نشانه خود را به سوی این منبع عظیم گرفت و اکنون نویسندگان کشورمان باید به تناسب ظرفیت خود از این اقیانوس عظیم معرفت بهره‌برداری کنند.

سالاری آثار این نویسنده را به عنوان چشمه‌ای معرفی کرد که بی‌شائبه و به صورت جاری و ساری در جریان است و نویسندگان و شاعران عصر حاضر نیز نباید از این منبع عظیم بی‌بهره باشند.

مسئول بنیاد ادبیات داستانی، با تأکید بر این‌که آذریزدی استفاده از این مفهوم و مبانی قرآنی را با زبان اشاره به همگان گفت، تصریح کرد: مسئولان فرهنگی و قرآنی کشورمان باید به ارائه آثار این حوزه توجه خاص نشان دهند و برای حمایت از این آثار، آنان را با قیمت ارزان در دسترس عموم قرار دهند تا نویسندگانی چون آذریزدی بیش از این دست به قلم ببرند و با انجام این اقدام، به اهداف فرهنگی و قرآنی کشور نائل خواهیم آمد.



مشاور معاون فرهنگی وزارت ارشاد:

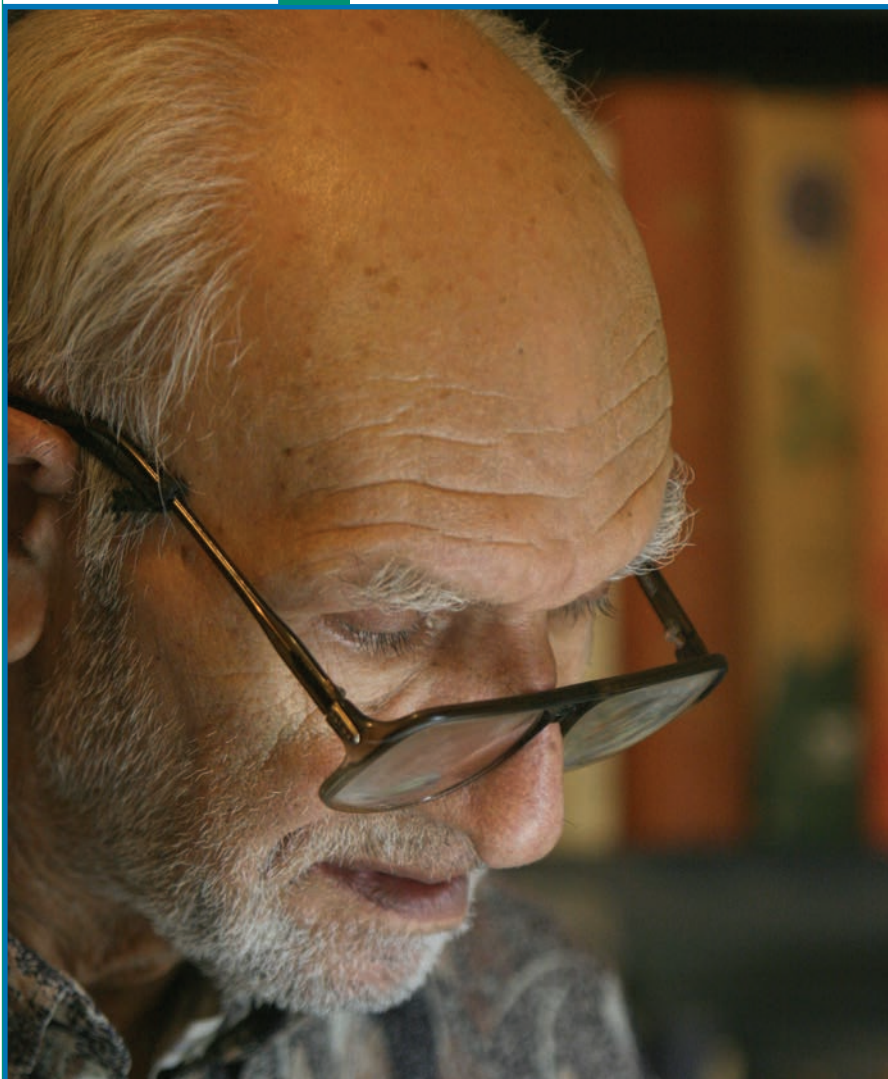
آذریزدی در برقراری ارتباط با کودکان صاحب سبک است

گروه ادب: مشاور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از «مهدی آذریزدی» به عنوان نویسنده‌ای یاد کرد که در ایجاد ارتباط نوشتاری در برهه‌ای که آثار فاخری وجود نداشت، موفق و دارای سبک ویژه خود بوده است.

«حمید قبادی» در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) افزود: معرفی مهدی آذریزدی به عنوان افتخار استان یزد از سوی مقام معظم رهبری در سفری که به این استان داشتند، از ظرایفی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

وی با تأکید بر این‌که نقش مهم و تاثیرگذار آثار این نویسنده در حوزه ادبیات کودک و نوجوان غیر قابل انکار است، افزود: آذریزدی را می‌توان صاحب سبک برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان به ویژه در حوزه قرآنی دانست که این حوزه را به وضوح برای دیگر نویسندگان آشکار کرد. قبادی به احترام و ویژه‌ای که مقام معظم رهبری با رفتار خاص خود از این نویسنده پیشکسوت به عمل آورد اشاره کرد و افزود: احترام بالاترین مقام مسئول کشور از این نویسنده، اشارت و عنایتی است که نگاه موشکافانه و ظریف مسئولان و دیگر نویسندگان را به سوی خود جلب می‌کند.

او توجه به جایگاه این نویسنده را درس عبرت و نکته‌ای آموزنده برای دیگر نویسندگان دانست و اظهار کرد: مسئولان و نویسندگان باید دیدگاه مشابهی نسبت به آثار این نویسنده پیشکسوت داشته باشند و جایگاه وی را مورد توجه قرار دهند. مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام این‌که معاونت فرهنگی از پیشنهادهای که در این حوزه ارائه شود، استقبال می‌کند، تصریح کرد: آذریزدی از مفاخر و چهره‌های برجسته حوزه کودک و نوجوان و قرآنی کشورمان است و با وجود این‌که سال‌ها از انتشار کتاب وی می‌گذرد، آثار او همچنان تاثیرگذار و مورد توجه نویسندگان و گروه سنی کودک و نوجوان است.



مهدی آدریزدی به روایت
نویسندگان و مدیران فرهنگی

آدریزدی؛ آشنای بچه‌های خوب دیروز و امروز ایران

گروه ادب: «مهدی آدریزدی» نامی آشنا برای همه نسل‌های پس از خود است، نامی که مردان و زنان امروز را به یاد دوران شیرین کودکی می‌اندازد و کودکان امروز را با داستان‌های کهن دیروز مرتبط می‌سازد.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، «مهدی آدریزدی» از نویسندگان اولیه کتاب‌های کودک و نوجوان است. برخی او را از پایه‌گذاران ادبیات کودک و نوجوان به معنای واقعی در ایران می‌شناسند و برخی نیز او را صاحب سبک در بازنویسی قصه‌ها و متون کهن در ادبیات کودک معرفی می‌کنند.

مهدی آدریزدی از معدود نویسندگانی است که در روزگار بی‌توجهی به کودکان، آثاری برای کودکان به وجود آورد و قصه‌های ماندگار و جاودانه قرآن را برای مخاطبان کودک و نوجوان بازنویسی کرد. بسیاری از کودکان دیروز و امروز با وی آشنایی دارند و اگر با خود وی آشنایی نداشته باشند کتاب‌هایش را می‌شناسند.

این نویسنده پیشکسوت ادبیات کودکان

ایران، یکی از کسانی است که بخش‌هایی از تاریخ ادبیات کودکان این سرزمین را ساخته است.

آدریزدی از آن مردمی است که خودشان را در کتاب سوزاندند و خاکسترنشین کتاب شدند و تا هستند نیز همواره چنین می‌کنند؛ مانند ققنوس آن پرنده عاشق که از آتش و خاکستر، خود همواره آفریده می‌شود و آدریزدی هم که همواره با کتاب آتش می‌گیرد، خاکستر می‌شود و بار دیگر از خاکستر خویش کتاب می‌آفریند، این همه زندگی آدریزدی است نه کلامی بیش و نه کلامی کم.

مهدی آدریزدی در سال ۱۳۷۸ به دلیل نگارش قصه‌های قرآن برای کودکان و



مهدی آدریزدی از معدود نویسندگانی است که در روزگار بی‌توجهی به کودکان، آثاری برای کودکان به وجود آورد و قصه‌های ماندگار و جاودانه قرآن را برای مخاطبان کودک و نوجوان بازنویسی کرد. بسیاری از کودکان دیروز و امروز با وی آشنایی دارند و اگر با خود وی آشنایی نداشته باشند کتاب‌هایش را

می‌شناسند



نوجوانان به عنوان خادم قرآن شناخته شد.

هستند.

گروه ادب خبرگزاری ایکننا به منظور ارج نهادن به فعالیت‌های این نویسنده و خادم قرآن کریم در سلسله گفت‌وگوهایی با نویسندگان کودک و نوجوان، پژوهشگران و مدیران فرهنگی آثار و نقش وی را در ادبیات کودک و نوجوان بررسی کرد.

مهدی آذربیدی در نگاه مدیران

بسیاری از این نویسندگان که خوانندگان قصه‌های
دیروز آذربیدی بودند، با یادآوری نام و چهره
دوست‌داشتنی این پیرمرد قصه‌گو لبخندی از شادی
توأمان با حسرت بر لب نشانند و با ما به گفت‌وگو
نشستند

مدیران فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز ضمن پاسداشت خدمات «مهدی آذربیدی» در ادبیات کودک و نوجوان ایران آذربیدی را آغازگر نویسندگی کودک به معنای واقعی می‌دانند و معتقدند که آثار آذربیدی الهام‌بخش سایر نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان است، هم‌چنین از دید این مدیران فرهنگی آذربیدی به نویسندگان ایران فهماند که حوزه‌ای به نام ادبیات قرآنی در ادبیات کودک وجود دارد، نویسنده‌ای که روح خود را با روح کودکان پیوند زد.

به طور کلی مهدی آذربیدی ۲۳ اثر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان منتشر کرده است، مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب از بهترین آثار وی به شمار می‌آید که بازنویسی قصه‌های قرآن و سایر قصه‌ها و متون کلاسیک است، قصه‌های قرآن وی روایت افلاکیان در خاک است، و قصه‌های چهارده معصوم، روایت می‌کند که بهشت همین نزدیکی هاست. وی در قصه‌های کلیله و دمنه به صید حکمت در دریای کلیله و دمنه پرداخته و به گفته خود داستان‌هایی مناسب نوجوانان را از آن استخراج و بازنویسی کرد.

وی در قصه‌های مثنوی قدحی از سرچشمه‌های حکمت را به مخاطبان خود می‌دهد، قصه‌های عطار وی بحری در کوزه کوچک کودکی‌هایمان است، وی در قصه‌های مرزبان‌نامه اشاره‌هایی تازه از حکایت‌های کهن می‌دهد و گل‌های از گلستان سعدی را برای کودکان ایران چیده و به زبانی ساده می‌آراید.

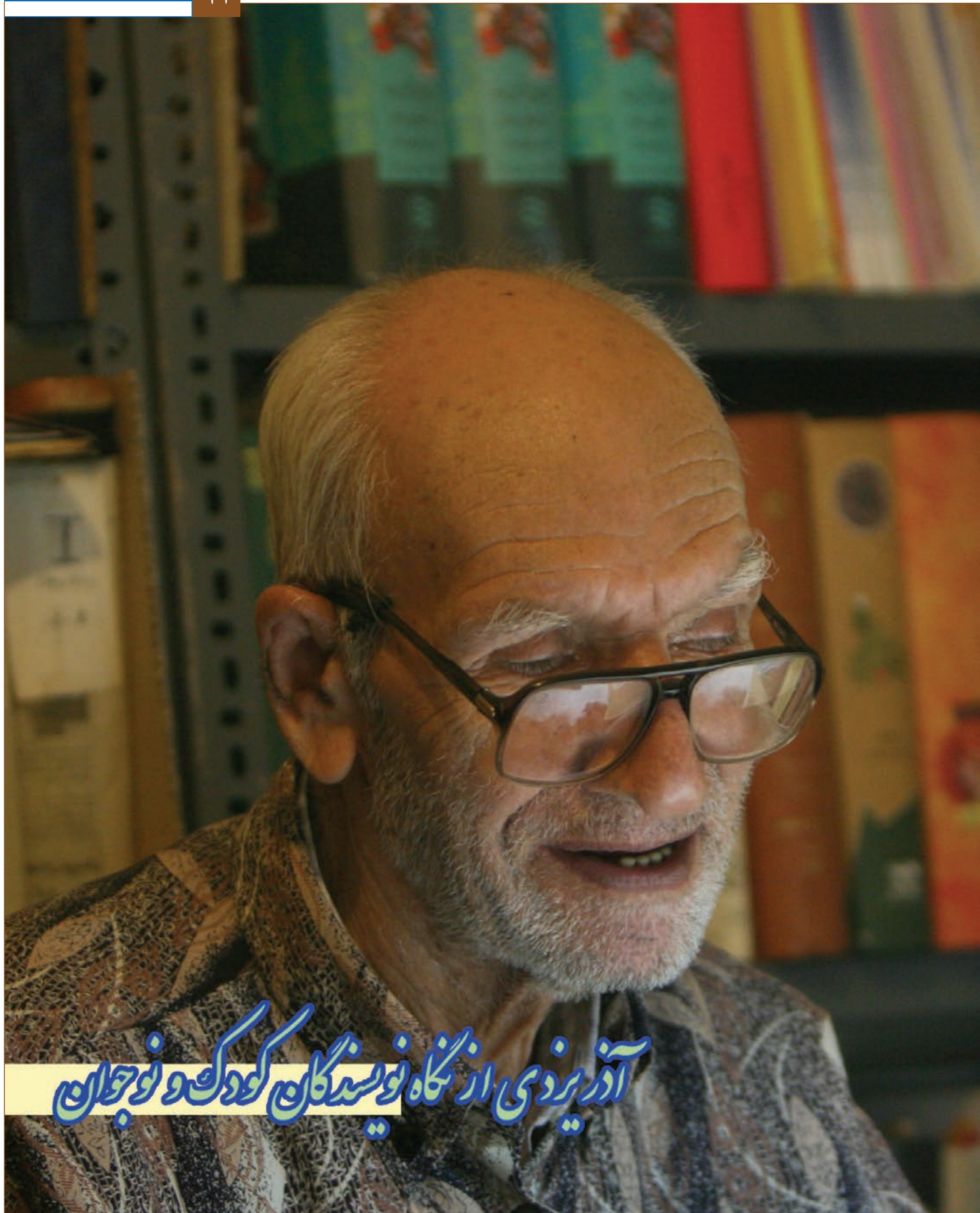
در تمامی آثار استاد آذربیدی از همه افسانه‌ها و داستان‌های نو و کهن مجموعه‌های ماندگار قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب و قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن فراهم آمده و نام این پیشکسوت ادبیات و تلاش‌های ادبی و هنری او را برای مردم ایران ماندگار کرده است.

آذربیدی در نگاه نویسندگان

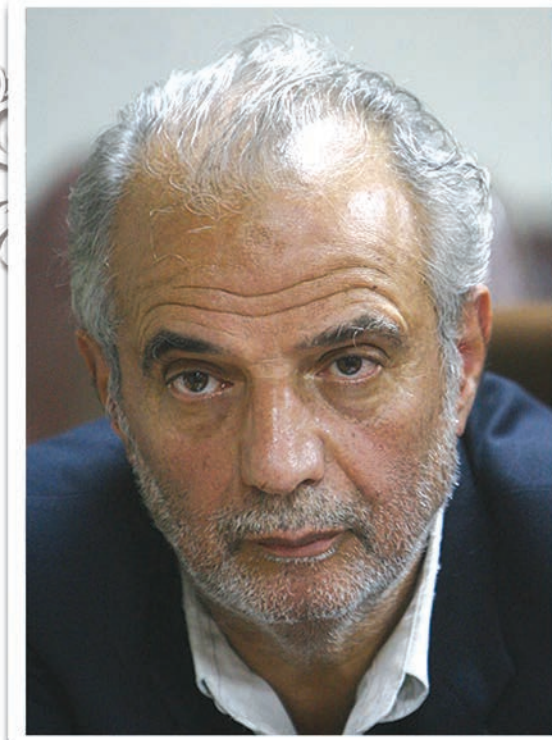
بسیاری از این نویسندگان که خوانندگان قصه‌های دیروز آذربیدی بودند، با یادآوری نام و چهره دوست‌داشتنی این پیرمرد قصه‌گو لبخندی از شادی توأمان با حسرت بر لب نشانند و با ما به گفت‌وگو نشستند. متن کامل این گفت‌وگوها در سایت خبرگزاری ایکننا موجود است و این گزارش تنها جملاتی شاخص از این گفت‌وگوها را بیان می‌کند، با این هدف که در یک نامه کلی بتوان مهدی آذربیدی و آثارش را از زبان نویسندگان کودک، پژوهشگران و مدیران فرهنگی این مرز و بوم شناخت.

نویسندگان کودک و نوجوان معتقدند که آثار آذربیدی ژرف‌اندیشی کودکان ایرانی را به دنبال داشته است و صداقتش مانایی و ماندگاری این آثار را رقم زده. هم‌چنین قصه‌های آذربیدی را گنجی در دست کودکان همه نسل‌ها می‌دانند، قصه‌هایی که با کلام نرم آذربیدی پالایش شده است. این نویسندگان که آذربیدی را از نخبگان ادبیات کودک معرفی می‌کنند، معتقدند آثار وی را بدون تاریخ مصرف می‌دانند و معتقدند که این آثار متعلق به همه نسل‌هاست و کودکان ایران با آذربیدی پیوندی عمیق با قرآن پیدا کردند و آذربیدی را در شکل‌گیری شخصیت کودکان موثر می‌دانند.

اما نویسندگان و پژوهشگران نیز معتقدند که آذربیدی دریچه‌ای تازه از زیبایی معنوی برای کودکان محروم ایرانی گشوده است و پلی است میان ادبیات سخت‌فهم و کودکان، این نویسندگان معتقدند که آذربیدی همه عمر خود را صرف شناساندن قرآن به کودکان کرده و رمز ورود به دنیای کودکان را دریافته است. آن‌ها معتقدند که آغازگر بازنویسی قصه‌های قرآن برای کودکان مهدی آذربیدی است، نویسنده‌ای که فهم قرآن را بله کودکان هدیه داد، نویسنده‌ای که ارتباطی جهانی با کودکان برقرار کرد و نسل‌های بسیاری رشد و بالندگی خود را مدیون وی



آذربایلی از نگاه نویسندگان کودک و نوجوان



محمود حکیمی:

آذربیدی قلب کودکان ایران را با قصه‌های قرآنی آشنا کرد

گروه ادب: «مهدی آذربیدی» قلب کودکان بسیاری را در نسل‌های گذشته و حال با قصه‌های قرآنی و مذهبی پیوند داد.



«محمود حکیمی» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: در دوران پیش از انقلاب، تمام تلاش حکومت تبلیغ برای فرهنگ ایران قبل از اسلام بود و لذا کمتر نویسنده‌ای به نگارش داستان‌های مذهبی می‌پرداخت.

او ادامه داد: آذربیدی از معدود نویسندگانی بود که در دوران پهلوی به نگارش داستان‌هایی از زندگانی پیامبران توحیدی پرداخت و در ادامه این داستان‌ها و قصه‌های قرآن را با نثری شیوا و روان برای کودکان و نوجوانان منتشر کرد.

خالق اثر «یادباد آن روزگاران» در اشاره به دیگر آثار آذربیدی تصریح کرد: آذربیدی گذشته از زندگی نامه پیامبران و قصه‌های قرآن، داستان‌های جالب دیگری از کتاب‌های کلیله و دمنه، گلستان و بوستان سعدی و آثار دیگری از مولوی، جامی و نظامی به زبان ساده برای کودکان و نوجوان نوشت.

خالق کتاب «ما از پی سنایی و عطار آمدیم» گفت: انتشار این آثار خوشبختانه با استقبال کودکان و نوجوانان روبرو شد و کودکان بسیاری در نسل‌های گذشته و نسل‌های آینده از این آثار استفاده کرده و پیوند عمیقی با داستان‌های قرآنی پیدا کردند.

او در پایان بیان کرد: کارهای آذربیدی از این نظر که در آن زمان کمتر نویسنده‌ای وارد قلمرو داستان‌های مذهبی یا داستان‌های ادبی وابسته به فرهنگ گذشته ایران می‌شد، شایسته تقدیر است.



مصطفی رحماندوست: آدریزدی بر همه آثار پس از خود در زمینه ادبیات کودک تأثیرگذار بود

گروه ادب: مهدی آدریزدی از اولین کسانی بود که کار ادبیات کودک را شروع کرد و توانست بر همه‌ی آثار پس از خود در این زمینه تأثیرگذار باشد.



«مصطفی رحماندوست» شاعر و نویسنده کودک و نوجوان، در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: استاد آدریزدی توانست به دیگران بگوید که با ساده‌نویسی هم می‌توان کار بزرگی در ادبیات انجام داد.

او افزود: نوشتن داستان‌های قرآنی و یا داستان‌های کهن برای آدریزدی یک اتفاق بوده است، او در فکر آن نبود که با طرح قبلی و یا براساس قواعد و تکنیک‌های ادبی برای کودکان کاری انجام دهد و یا شیوه‌ای خاص در ادبیات کودکان را به وجود آورد.

او افزود: آدریزدی بیشتر قصه‌گو است تا قصه‌نویس، او همان چیزی را که می‌گوید، می‌نویسد و شاید نسبت شخصیت ساده‌ی وی با آثارش در همین باشد.

این پژوهشگر ادبیات کودک گفت: تجربه‌های زندگی استاد، بسیار زیاد است و ایشان بر اساس این تجربه‌ها و استعداد ذاتی قصه‌گویی توانست آثاری به این زیبایی و ماندگاری به وجود آورد.

رحماندوست با توجه به سابقه‌ی دیرینه آشنایی با آدریزدی گفت: اگر پای صحبت آدریزدی بنشینید، گمان می‌کنید که همان نوشته‌های کتاب‌هایش با شما حرف می‌زند، زیرا که شخصیت ساده‌زیست او در آثارش کاملاً نمایان است، او به دنبال یادگیری علم یا فنی به نام قوانین ساده‌نویسی نبوده تا براساس این قواعد آثار خود را به رشته‌ی تحریر درآورد، بلکه ساده‌زیستی او دلیل ساده‌نویسی‌اش شده است.

او گفت: آدریزدی وقتی می‌خواهد، به یک موضوع کوچک و پیش پا افتاده بپردازد، این موضوع را آنقدر قصه‌وار تعریف می‌کند که می‌توان آن را به صورت یک داستان پیاده کرد، او همان‌گونه که حرف می‌زند، قصه می‌گوید.

رحماندوست به نقل از مهدی آدریزدی، گفت: ایشان در هیچ

مکتب و مدرسه‌ای درس نخوانده و با حروف چینی، الفبا را آموخته‌است، او شاگرد کتاب‌فروشی می‌شود

تا در آنجا بتواند کتاب بخواند و وقتی

برای اولین بار کتاب کلیله و دمنه را

می‌خواند، به فکر ساده کردن آن و امثال

آن می‌افتد، تا دیگران را هم در خواندن و

فهم آن شریک کند؛ در نتیجه شروع کرد

به برگرداندن این کتاب‌ها به زبان ساده‌ی

نوشتاری، که چاپ آن‌ها به زبان ساده هم بسیار

مورد توجه و استقبال قرار گرفت.

او در پایان گفت: مهدی آدریزدی در سال‌های بسیار دور، در حال تنظیم مجموعه‌ای بود که در آن از قواعد آشپزی تا عکاسی و... وجود داشت، هشت جلد آن تنظیم و چاپ شد، که اتفاقاً از اولین کتاب‌های او بود که مورد استقبال قرار گرفت، هم‌اکنون نگارش دو جلد آن باقی مانده است که استاد قول داده، اگر ضعف جسمانی به وی اجازه‌ی کار دهد، آن دو جلد را هم تنظیم کند.

تجربه‌های استاد بسیار زیاد هستند

تجربه‌های زندگی استاد بسیار زیاد هستند

و ایشان بر اساس این تجربه‌ها و آن استعداد

ذاتی قصه‌گویی که دارند توانستند آثاری به

این زیبایی و ماندگاری به وجود بیاورند



جعفر ابراهیمی (شاهد): آذریزدی با بازنویسی قصه‌های قرآن راه را برای سایر نویسندگان باز کرد

فراموشی سپرده می‌شوند؛ در حالی که زمانی که آنان پا به سن کهولت گذاشتند باید مورد حمایت نهادها و سازمان‌های دولتی قرار بگیرند.

ابراهیمی با اشاره به این‌که برای آشنایی بیشتر قشر جوان با شخصی مانند آذریزدی مسئولان باید بزرگداشتی برای او برگزار کنند، افزود: استاد آذریزدی برای گروه سنی کودکان و نوجوانان زحمت فراوان کشیده است و در حال حاضر نوجوانان کمتر با شخصیت و قصه‌های او آشنا هستند، در حالی که باید با برگزاری بزرگداشت و انتشار آثار او، این نویسنده را به این گروه سنی معرفی کرد. او نقد آثار آذریزدی را یکی دیگر از راه‌های معرفی این نویسنده پیشکشوت ادبیات کودک و نوجوان به جامعه دانست و بیان کرد: علاوه بر کمک‌های مالی، آثار این نویسنده نیز باید با تجدید چاپ و نقد به نوجوانان معرفی و از طریق ترجمه در سطح جهان مطرح شود.

ابراهیمی در پایان با برجسته دانستن نقش آذریزدی در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان تصریح کرد: نقش آذریزدی در ادبیات کودک و نوجوان را باید بزرگ و درخشان قلمداد کرد؛ زیرا او پلی را بین ادبیات امروز و کلاسیک ایجاد کرد.

گروه ادب: استاد آذریزدی پیشگام در بازنویسی قصه‌های قرآن و متون ادبیات کلاسیک است و این اقدام او راه را برای سایر نویسندگان باز کرد.

«جعفر ابراهیمی (شاهد)» نویسنده و شاعر کودک و نوجوان

در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با اشاره به

تأثیر آذریزدی در بازنویسی متون کهن برای کودکان و نوجوانان تصریح کرد: استاد آذریزدی در زمانی که بازنویسی قصه‌های قرآن و آثار ادبیات کلاسیک برای نوجوانان پرداخته که این کار کمتر رواج داشت و این کار او سبب شد بسیاری از نویسندگان برای بازنویسی آثار، از او الگو بگیرند.

نویسنده کتاب «زندگی نامه پیامبر (ص)» ادامه داد: متن‌های ادبیات گذشته ما دارای آموزه‌های اعتقادی، دینی و اخلاقی است، اما این متون تا پیش از انقلاب اسلامی به زبان روز برگردان نشده بود و استاد آذریزدی با کار خود، بازنویسی کردن را برای دیگران آسان کرد.

او با بیان این مطلب که باید به زندگی افرادی مانند آذریزدی بهای بیشتری داده شود، گفت: بسیاری از نویسندگان ما وضعیتی مشابه با استاد آذریزدی دارند که این افراد با گذشت زمان به

خدمات آذریزدی با گذشت زمان نباید فراموش شود

بسیاری از نویسندگان ما وضعیتی مشابه با استاد آذریزدی دارند که این افراد با گذشت زمان به فراموشی سپرده می‌شوند؛ در حالی که زمانی که آنان پا به سن کهولت گذاشتند باید مورد حمایت نهادها و سازمان‌های دولتی قرار بگیرند

محمود برآبادی:

ساختار داستان‌های قرآنی
در آثار «مهدی آذریزدی»
حفظ شده است

گروه ادب: ویژگی بارز نویسندگی آذریزدی در نگارش این آثار آن است که ساختار داستانی قصه‌های قرآن در آن حفظ شده و او با استفاده از زبانی قابل فهم کودک، سبب استقبال این گروه سنی از این مجموعه شده است.

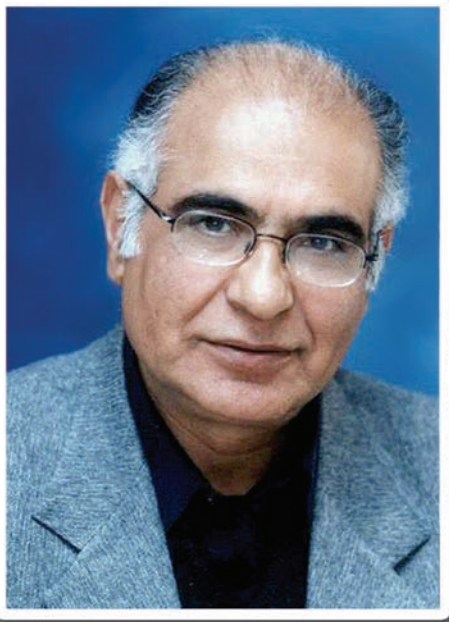


«محمود برآبادی» نویسنده در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: آذریزدی از نخستین کسانی است که به بازنویسی آثار داستانی از قصه‌های قرآن اقدام کرد. او در یک مجموعه ۸ جلدی به نگارش داستان‌های کهن پرداخت که یکی از آن مجموعه‌ها، قصه‌های قرآنی است.

برآبادی افزود: او به‌طور کلی در طول زندگی خود به ادبیات کهن و قصه‌های مربوط به ادیان علاقه‌مند بود و در این مجموعه به این نتیجه رسید که قرآن دارای قصه‌های فراوانی برای جذب این مخاطب بوده و ساختار داستانی محکمی برای کار در خود گنجانده است.

او نویسندگان کودک را در دهه ۴۰ به دو بخش تقسیم کرد و گفت: نویسندگان کودک در دوره‌ای که آذریزدی شروع به نوشتن این داستان‌ها کرد، به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ گروه اول دارای گرایش‌های بسیار کمی در زمینه‌های دینی بوده و داستاهایی در سبک رئال می‌نوشتند و گروهی دیگر که به ادبیات دینی متمایل بودند. این گروه به بازنویسی و خلق داستان‌های ائمه (ع) و ادیان پرداختند، اما در این میان کار آذریزدی از همه بهتر بود. آذریزدی توانست با به‌کارگیری نثر روانی زیبا ارتباطی قوی و مؤثر با مخاطب برقرار کند که کمتر اثری توانسته است با این مخاطب خاص چنین ارتباطی را داشته باشد.

این نویسنده و عضو هیئت‌مدیره انجمن کودکان و نویسندگان گفت: بازنویسی قصه‌های قرآن یا داستاهایی از گنجینه ادب فارسی جزء کارهایی است که از معمولاً از سوی نویسندگان کودک انجام می‌شود، اما به این موفقیت دست نمی‌یابد، علت این موضوع نیز انتخاب درست نثر ویژه‌ای است که در آثار آذریزدی دیده می‌شود.



هوشنگ مرادی کرمانی:
قصه‌های قرآن
آذریزدی
بزرگترین
آموزش‌ها به
زیباترین بیان
است

گروه ادب: آثار بازنویسی شده آذریزدی از صاحب کتاب‌های «مهمان مامان» و «مربای شیرین» برقراری ارتباط بین ادبیات کهن و نسل امروز را از ویژگی‌های برجسته آذریزدی برشمرد و تأکید کرد: در حال حاضر مؤلفان اندکی به بازنویسی متون کهن می‌پردازند و در برقراری ارتباط بین نسل امروز و نثر کلاسیک موفق هستند. او با اشاره به این که اهمیت این جریان‌سازی در ادبیات کودک و نوجوان که سبب رواج ساده‌نویسی در ژانر ادبیات کودک و نوجوان شده است، گفت: «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» آذریزدی یکی از بهترین کتاب‌ها برای نوجوانان است و من خواندن آثار او را به همه پیشنهاد می‌کنم.

مرادی کرمانی در پایان بیان کرد: جوان‌ها باید به آذریزدی و آثارش احترام بگذارند و همیشه به یاد داشته باشند او زمانی به بازنویسی قصه‌های قرآنی پرداخت که هنوز توجه به این قصه‌ها رواج نداشت و به دلیل علاقه‌ای که به نوجوانان داشت این جریان را در دست گرفت.

قصص قرآن و داستان‌های دینی، بزرگترین آموزش‌ها را به زیباترین بیان به تصویر کشیده است.



«هوشنگ مرادی کرمانی» نویسنده و خالق مجموعه «قصه‌های مجید» در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: بیان قصه‌های قرآن و سایر آثار

ادبی با امانتداری منحصر به فرد به صورت جذاب و شیرین موجب بالندگی فکری بسیاری از نوجوانان امروز و آینده خواهد شد و استاد آذریزدی داستان‌های کلاسیکی که دارای نثر سنگین و پیچیدگی‌های خاص زمانی خودش بود را به زبان ساده برای کودک و نوجوان بازنویسی کرده است.

مرادی کرمانی با اشاره به نقش آذریزدی در این بازنویسی‌ها اظهار کرد: آذریزدی یکی از بهترین برداشته‌ها، اقتباس‌ها و ساده‌نویسی‌هایی را که برای این قشر از خوانندگان لازم بود، انجام داد و در این حوزه جزء نخستین‌ها محسوب می‌شود.



امیرحسین فردی:

آذربیدی از راه‌گشایان بازنویسی قصه‌های قرآن است

نویسنده کتاب «اسماعیل» با اشاره به نگاه نویسندگان امروز به بازنویسی آثار گذشتگان بیان کرد: امروزه نیز نویسندگان زیادی به بازنویسی روی آورده‌اند و پرداخت‌های آنان شکل داستانی‌تر پیدا کرده است، اما کار استاد آذربیدی دلنشین و حلاوت دیگری دارد و دارای صمیمیتی است که حاکی از صداقت، باور، عشق و علاقه او به این نوع متون است.

فردی صداقت کلام را از ویژگی‌های آثار آذربیدی خواند و بیان کرد: آثار آذربیدی نه تنها در دهه‌های قبل مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، بلکه در زمان ما هم استقبال از او و تألیفاتش وجود دارد که این امر نشان می‌دهد که در این آثار یک نوع صداقت وجود دارد که مانایی آثار او را رقم زده است.

مدیرمسئول کیهان بچه‌ها در پایان گفت: کودک و نوجوان امروز ما به آموزه‌های کهن احتیاج دارد و باید خودش را با بهره‌گیری از این تعالیم برای زندگی امروز آماده کند؛ تعالیمی که گذشتگان در اختیارمان گذاشتند.

گروه ادب: استاد آذربیدی از پیشکسوتان و راه‌گشایان قصه‌های قرآن و ادبیات داستانی است که توانست نام خود را در این راه ماندگار کند.



«امیرحسین فردی» مدیرمسئول نشریه «کیهان بچه‌ها» در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان مطلب فوق گفت: در دورانی که نویسندگان و روشنفکران در صدد محو هویت ایرانی و اسلامی ما بودند، شخصیتی مانند آذربیدی با بازگشت به ریشه‌های دینی و ملی، انگشت روی متونی که قالب داستان داشت، گذاشت و آثاری به نوجوانان و حتی بزرگسالان ارائه داد که در جایگاه خود، کارهای بسیار ارزشمندی است.

او ادامه داد: حسن عملکرد آذربیدی در این است که این نویسنده در دوران فراموشی این آثار، دست به بازنویسی این آثار زد؛ در حقیقت شرایط و ظرف زمانی نوعی ارزش افزوده به کار او اضافه کرد که سبب ماندگاری نام او شده است.



شهرام اقبال زاده:

قصه‌های قرآن آذربیدی نتیجه پیوند عمیق او با مذهب و سنت است

گروه ادب: استاد آذربیدی در طول زندگی‌اش با سنت و مذهب استاد آذربیدی هنوز خواندنی است و همه نویسندگان با احترام و پیوند عمیقی داشته و همین نکته تأثیر بسیاری بر روی آوردن او به سمت انتخاب قصه‌های قرآن برای بازنویسی شده است.

اقبال زاده ادامه داد: آذربیدی به دلیل منع خانوادگی حرص و ولعش برای خواندن بیشتر می‌شد و خودآموزی می‌کرد؛ همین محرومیت سبب شد که او در کودکی علاقه شدیدی به نوجوانان و نوشتن برای آن‌ها پیدا کند.

مترجم کتاب «افکار گاندی» یکی از دلایل ماندگاری آثار آذربیدی را قدرت تخیل بالای او دانست و افزود: استاد آذربیدی در عالم خیال و عاطفه در دوران خودش به قصه‌ها نزدیک بود به همین دلیل به بازنویسی این متون رو آورد و داستان‌هایی به زبان امروزی روان و خوش‌خوان ارائه کرد و به همین علت تنوع آثارش زیاد است.

اقبال زاده در پایان با توجه به رسالت نویسندگان امروز در بازنویسی قصه‌های قرآن و متون ادبی گفت: چنانچه نویسنده‌ای از فضای ذهنی و زبانی مخاطبان کودک و نوجوان دور باشد هیچ‌گاه نخواهد توانست با مخاطبان ارتباط برقرار کند؛ بنابراین این نویسندگان باید ضمن حفظ اصالت قصص قرآنی متناسب با نگاه نسل امروز و زبان فرهنگ مخاطبان خود به بازنویسی بپردازند.

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

یک اثر ماندگار

در آن دوران که آثار برای کودک و نوجوان به‌ویژه در حوزه تألیف کم بود «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نگارش شد و هنوز به عنوان یک اثر ماندگار باقی مانده است

«شهرام اقبال زاده» مترجم و نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: استاد آذربیدی با قصه‌های قرآن و مثنوی کاملاً آشنا بود و همواره سعی کرده تا دین و فرهنگ را به زبان نسل امروز بیان کند.

او با بیان این‌که آذربیدی با تقلید از دیگران به نوشتن نپرداخته است، اظهار کرد: استاد آذربیدی حتی در سنین پیری هم به خواندن آثار نویسندگان امروز مشغول است و نقدهای زیبایی روی آثار آنان می‌نویسد.

این مترجم با بیان این مطلب که آذربیدی در فضا و فرهنگ اسلامی تنفس و در چارچوب باز آفرینی، به حفظ فرهنگ و سنت دیرین ادبی و دینی خدمات بسیار کرده است، گفت: در آن دوران که آثار برای کودک و نوجوان به‌ویژه در حوزه تألیف کم بود «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نگارش شد و هنوز به عنوان یک اثر ماندگار باقی مانده است؛ اگرچه نوع خواسته‌های نسل امروز با گذشته تفاوت پیدا کرده، اما آثار



نوش آفرین انصاری:

بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن هر نوجوانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد

گروه ادب: بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن و شیوه داستانی او از روایات انبیا در ادبیات کودک و نوجوان بی‌نظیر است و هر نوجوانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

قرار می‌دهد تا جایی که هنوز هم بسیاری از کارهای ارائه شده توان برابری با بازنویسی‌های آذریندی را ندارد.

او با تجلیل از آثار آذریندی در دوران معاصر بیان کرد: آثار آذریندی میراث عظیم فرهنگی است که نسل‌های متعددی از

آن‌ها استفاده کرده و با متون گوهر بار فارسی از سنین کودکی انس گرفته‌اند و همین موضوع سبب شده است، تا امروز از داشتن چنین فرهیختگانی به خود ببالیم.

انصاری، اهدای آثار چاپ سنگی به مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودک را از سوی آذریندی از اقدامات بزرگ او به ادبیات کودک و نوجوان برشمرد.

دبیر شورای کتاب کودک در پایان آثار آذریندی را به خورشیدی درخشان در آسمان ادبیات کودک و نوجوان ایران تشبیه کرد و گفت:

آن‌چه آذریندی در آسمان ادبیات کودک و نوجوان خلق کرد، مانند خورشیدی هنوز درخشان است و تا ابد تألوی آن ادامه خواهد داشت.

دبیر شورای کتاب کودک در «نوش آفرین انصاری» گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره تأثیر زبان قصه‌های مهدی آذریندی در ادبیات کودک و نوجوان و انتقال مفاهیم قرآنی، دینی و عرفانی به کودکان و نوجوانان گفت: آذریندی با نگاهی عمیق به بدنه فکری قرآن کریم، مثنوی و سایر متون توانست در احیا و بازنویسی متون کهن پیشگام و پیشکسوت باشد.

دبیر شورای کتاب کودک درباره بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن و انبیا اظهار کرد: بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن و شیوه داستانی او از روایات انبیا در ادبیات کودک و نوجوان بی‌نظیر است و هر نوجوانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد تا جایی که هنوز هم بسیاری از کارهای ارائه شده توان برابری با بازنویسی‌های آذریندی را ندارد.

بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن بی‌نظیر است

بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن و شیوه داستانی او از روایات انبیا در ادبیات کودک و نوجوان بی‌نظیر است و هر نوجوانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد تا جایی که هنوز هم بسیاری از کارهای ارائه شده توان برابری با

بازنویسی‌های آذریندی را ندارد.

بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن و انبیا اظهار کرد: بازنویسی آذریندی از قصه‌های قرآن و شیوه داستانی او از روایات انبیا در ادبیات کودک و نوجوان بی‌نظیر است و هر نوجوانی را تحت تأثیر خود



اسدالله شعبانی:

آذربیدی کودکان ایران را با قصه‌های قرآن و مفاهیم دینی انس داد

مسئله‌ایست که دیگر امروزه جواب نمی‌دهد، این مسئله در زمان آذربیدی به‌دلیلی شرایطی که وجود داشت، جواب می‌داد، اما امروزه باید سعی کرد ذهن کودک را به تکاپو واداشت تا به شناختی از جهان اطراف برسد، ترکیب‌های تازه و نو جستجو و کنکاش را در کودک پدید می‌آورد، البته آثار آذربیدی با وجود سادگی متن خالی از ترکیب‌های تازه نبود.

او ادامه داد: ساده‌نویسی اگر در جهت این باشد که راه حرکت و تعالی را برای کودکان باز کند، خوب است، ولی اگر قرار باشد به ساده‌اندیشی کودکان منجر شود، موجب سطحی شدن فکر و اندیشه کودکان می‌شود و این اصلاً مناسب نیست.

شعبانی در پایان تصریح کرد: اما در روزگار حاضر به‌دلیل رشد تکنولوژی‌ها و به طبع افزایش

هوش کودکان و میل به کنکاش، شاعر یا نویسنده باید واژگانی ناشناخته را وارد اثر خود کنند تا حس جستجو و میل به تبحر را در کودک به جوش آورد و پس از حس و عاطفه او را به درک برساند. آثاری که برای کودکان پدید می‌آید نباید بسیار

سطحی باشد و شاعر یا نویسنده باید طبق زمان حرکت کند. یادآوری می‌شود که اسدالله شعبانی در حوزه‌های مختلف شعر، داستان و مقاله فعالیت دارد و حدود ۴۰۰ کتاب تألیف کرده است که بخش اعظم آن را شعر و داستان بچه‌ها تشکیل می‌دهد. «شکار دست‌های تو با من»، «آواز توکا»، «بال‌های احساس» (درباره‌ی شعر جوانان)، «مرجع شعر خردسالان»، «زمین ما، دل ما»، «دنایای ما رنگ و وارنگه»، «خدا، خدای مهربان»، «من یا عروسک من»، «رنگ بلور آسمان»، «ترانه‌های میهنی» و «قصه‌ی امشب» برخی از آثار «اسدالله شعبانی» است.

گروه ادب: «مهدی آذربیدی» برای نخستین بار در ایران با آثارش توانست با بیان ساده کودکان را با قرآن و مفاهیم دینی انس و الفت دهد.



«اسدالله شعبانی» نویسنده و شاعر کودک، در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: ساده‌نویسی در زمان آذربیدی سبب شد تا کودکان با قرآن و مفاهیم دینی انس بگیرند و آشنا شوند؛ او کودکان را به تکاپو واداشت و طعم شیرین قصه را به آنان چشاند.

شعبانی افزود: او با ساده‌نویسی آثار کهن بستری را برای آشناسازی کودکان با قصه‌های قرآن و گذشته تاریخی فراهم آورد، و این کار در آن زمان که چندان بهایی به ادبیات کودک داده نمی‌شد، بی‌نظیر بود.

نخستین کسی که به بازنویسی قصه‌هی

قرآن برای کودکان پرداخت، مهدی آذربیدی

بود که سبب شد از آن‌پس به ادبیات دینی

کودک توجه گسترده‌ای شود

شاعر کتاب «مجموعه ترانه‌های کودکان» ضمن بیان این نکته که ساده‌نویسی آذربیدی کار بزرگ و ارجمندی است، گفت: نخستین کسی که به

بازنویسی قصه‌هی قرآن برای کودکان پرداخت، مهدی آذربیدی بود که سبب شد از آن‌پس به ادبیات دینی کودک توجه گسترده‌ای شود.

این مؤلف شایسته تقدیر بیست و پنجمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: آثار آذربیدی در کنار ویژگی‌های بسیار، نقاط ضعف اندکی نیز دارد، برای مثال منظومه‌های آذربیدی چندان برای کودکان دل‌پذیر نیست، به عبارت بهتر دل‌نشینی قصه‌هایش را ندارد.

او ادامه داد: اما ساده‌نویسی در ادبیات کودکان و نوجوان

سیدعلی کاشفی خوانساری: آذریزدی در زمان مهجوریت آثار قرآنی به بازنویسی قصه‌های قرآن پرداخت



قصه‌های قرآنی برای کودکان و نوجوانان پرداخته بودند، تأکید کرد: کار آذریزدی از نظر قدمت و کیفیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

نویسنده کتاب «تحلیل نقدهای ادبیات کودک و نوجوان» با اشاره به مقدمه و مؤخره کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» اظهار کرد: بهترین منبعی که می‌تواند اهمیت کار این پیشکسوت ادبیات کودک و نوجوان را به ما نشان دهد همین دو بخش با نام «چند کلمه بزرگترها» است که در آن به روش کار و دغدغه‌های خود اشاره کرده است؛ مطالعه این دو نوشته نشان می‌دهد که او چقدر دقت و وسواس داشته و با چه انگیزه دینی بالا و خلوصی این کار را انجام داده است.

این روزنامه‌نگار سپس ضمن بیان این‌که امروز هم بازنویسی‌های خوبی از قصه‌های قرآن می‌شود و نویسندگان مختلفی دست به این کار می‌زنند، گفت: خدمات ارزنده این نویسندگان هم البته به دلیل دقت دینی و نگاه ادبی که دارند شایسته تقدیر است.

کاشفی خوانساری ضمن اشاره به این‌که نویسندگان امروز را نمی‌توان در یک قالب نوشته‌های ساده‌ای را ارائه می‌دهند و یا به مشهورات و شنیده‌ها اکتفا می‌کنند؛ اما بعضی نیز دنبال احادیث و تفاسیر معتبر می‌روند؛ همچنین به نوشتن برای بچه‌ها رو آورده‌اند

که باید به این دلیل خدا را سپاسگزار باشیم.

کاشفی خوانساری در پایان از بازنویسی اثر مشهور استاد آذریزدی توسط این نویسنده خبر داد و گفت: در حال حاضر استاد به بازنویسی «قصه‌های خوب، برای بچه‌های خوب» پرداخته و تلاش‌هایی هم برای ترجمه‌ی این کتاب در خارج از کشور انجام شده است که قوت قلبی برای او محسوب می‌شود و البته خبر خوبی هم برای ادبیات کودک است.

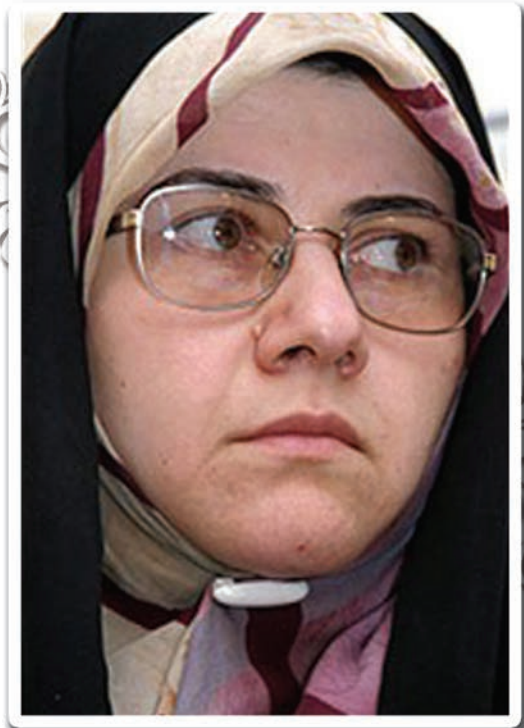
گروه ادب: علت برتری آثار استاد آذریزدی به خلوصش برمی‌گردد زیرا او در شرایطی به بازنویسی قصه‌های قرآنی پرداخت که جامعه فرهنگی، انتشاراتی و فضای ادبی از چنین کارهایی استقبال نمی‌کرد.



«سیدعلی کاشفی خوانساری» نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره نقش آذریزدی در ادبیات کودک و نوجوان گفت: استاد آذریزدی از بزرگترین قصه‌نویسان ادبیات کودک و نوجوان محسوب می‌شود، اما حق او آن‌طور که شایسته نام اوست، ادا نشده است. او ادامه داد: آذریزدی در شرایطی که بازنویسی قصه‌های پادشاهان رواج داشت و هیچ‌کس به فکر قصه‌های قرآنی نبود، براساس یک باور شخصی، قلبی و در نهایت امانت‌داری و رعایت قواعد تاریخ‌نگاری دینی این اثر را فراهم آورد و همین باعث اقبال عمومی جامعه به او شد.

او گفت: «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» از آثار ماندگار برای چند نسل و حتی نسل‌های بعد است؛ آذریزدی در سال‌های قبل از انقلاب به بازنویسی قصه‌های قرآنی پرداخت و بعد از انقلاب هم یکی از مجلدات خود را به زندگی و قصه‌های امامان معصوم (ع) اختصاص داد، که این جلد از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است. این نویسنده با بیان اینکه قبل از آذریزدی هم برخی به بازنویسی

نقش آذریزدی در بازنویسی قصه‌های قرآن
قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» از آثار ماندگار برای چند نسل و حتی نسل‌های بعد است؛ آذریزدی در سال‌های قبل از انقلاب به بازنویسی قصه‌های قرآنی پرداخت و بعد از انقلاب هم یکی از مجلدات خود را به زندگی و قصه‌های امامان معصوم (ع) اختصاص داد



سمیرا اصلان پور: آثار آذربیدی قدمی در جهت برقراری ارتباط کودکان با فرهنگ قرآنی است

گروه ادب: آثار ادیبان ما همگی مبتنی بر قرآن بود و در این راستا داستان‌ها، حکمت‌ها و پندهای قرآنی در آن فراوان است و آثار آذربیدی نیز قدمی در جهت برقراری ارتباط کودکان با این فرهنگ اصیل محسوب می‌شود.



«سمیرا اصلان پور»، نویسنده و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بانوان، در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: آذربیدی با ابتکار و توجه به نکات فرهنگی، پیوند نوینی را بین فرهنگ دینی و فرهنگ امروز برقرار کرد و این سرآغازی بود که می‌توانست با ادامه و پی‌گیری دیگر نویسندگان این عرصه به نتایج جالب توجهی برسد.

او افزود: شاید امروز نتوانیم آن آثار را به لحاظ فنی و تکنیکی مورد قضاوت قرار دهیم، اما آذربیدی در آن زمان آغازگر راه بود و ما بسیاری از اعتقادات دینی را از آن آثار گرفتیم.

او با بیان جنبه‌های مختلف آثار آذربیدی گفت: اگر کسی در فکر خلق اثری بود که هم جنبه‌های هنر ایرانی را دارا باشد و هم یک اثر دینی را شکل دهد، آذربیدی این کار را کرد. او داستان‌های قرآنی را بازنویسی کرد و در عین حال زبان آثار گذشته را که برای کودکان و نوجوانان ملموس نبود، به روان‌ترین نثر درآورد.

این نویسنده گفت: در سال‌های قبل از انقلاب به آن شکلی که باید نویسندگان کودک و نوجوان نداشتیم و همان‌هایی هم که حضور داشتند نیز شناختی که امروز درباره ادبیات کودک وجود دارد را نداشته و تقسیم‌بندی‌ها را رعایت نمی‌کردند. این موضوع به ویژه در حوزه دین و مذهب بیشتر خودنمایی می‌کرد. داستان، مجله و حتی یادداشت اصولاً خواندنی با دیدگاه مذهبی کم بود.

او گفت: من به عنوان کودکی که در آن زمان زندگی می‌کردم دریافتم که در کنار افرادی مانند آذربیدی یا «محمود حکیمی» که جزء نویسندگان تأثیرگذار و سازنده بودند و این برای نسلی که خانواده‌هایشان می‌خواستند فرزندانی با تربیت مذهبی داشته باشند، مهم بود.

او با بیان این مطلب که در آن دوره کتاب‌های کودک بسیار معدود بود، گفت: در گذشته تعداد کمی کتاب‌های کودک و نوجوان را کانون پرورش فکری منتشر می‌کرد و باقی آثار جزء کارهای ترجمه بود، البته

آثار خوبی هم در آن‌ها یافت می‌شد، اما بسیار معدود بود، گاهی داستان‌هایی نیز به نام کودکان منتشر می‌شد، اما تنها ظاهر کودکانه‌ای داشت و در واقع مربوط به گروه سنی کودک نمی‌شد.

اصلان پور تصریح کرد: اگر به تاریخ ادبیات بنگریم، با یک دوره تهی مواجه می‌شویم که در آن دوره نه با ادبیات قدیم ارتباط داریم و نه ادبیات معاصر پویایی خاصی دارد، حتی در این دوره هم هنوز با ادبیات معاصر جهان کنار نیامده‌ایم و نتوانسته‌ایم آن‌ها را مورد استفاده قرار دهیم.

در این دوره تهی کسی که بتواند ادبیات کهن را، آن هم به زبان کودکان درآورد و مخاطبان فراوانی را به خود جلب کند، فردی مانند آذربیدی است.

او در پایان درباره بهره‌گیری نویسندگان از ادبیات کهن گفت: نویسندگان ادبیات جهان با استفاده از متون و افسانه‌های کهن آثار جدیدی را خلق می‌کنند که برای کودکان امروز جذاب و خواندنی می‌شود، نمونه آن کتاب‌های «هری پاتر» است که از افسانه‌های کهن در آن استفاده کرده‌اند؛ ولی ما با وجود داستان‌ها و اسطوره‌های بسیار محکم کهن از آن‌ها بهره نبرده و ارتباطمان را با آن قطع کرده‌ایم و از آن عناصر به صورت پویا استفاده نکرده‌ایم.

در این میان آذربیدی پیشگام شد و از عناصر داستان‌های قدیمی در داستان‌های امروز استفاده کرد که این شیوه باید از سوی نویسندگان امروز پی‌گیری و در نظر گرفته شود.

آثار آذربیدی در یک دوره تهی سربرآورد

در آن دوره تهی کسی که بتواند ادبیات کهن

را آن هم به زبان کودکان درآورد و مخاطبان

فراوانی را به خود جلب کند کسی مثل

آذربیدی است



محمد جواد جزینی:

بازنویسی‌های «آذریزدی» گامی در مسیر ارج نهادن به متون کهن بود

گروه ادب: بازنویسی و جمع‌آوری «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» توسط آذریزدی روندی را ایجاد کرد که در آن به متون کهن ارج نهاده شد.



«محمد جواد جزینی» نویسنده کودک و نوجوان و منتقد در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن بیان مطلب فوق افزود: «آذریزدی» نخستین کسی نبود که در دهه ۵۰ به بازنویسی قصه‌های قرآن و متون کهن برای نوجوانان پرداخت، اما به هر حال او جریانی را پس از انقلاب به راه انداخت که توجه به متون کهن را در بین نویسندگان و خوانندگان افزایش داد.

این نویسنده با بیان این‌که آثار آذریزدی از دو جهت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد، گفت: در زمانی آذریزدی اقدام به نوشتن قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب کرد که در مقابل سیل ترجمه آثار غرب، اثر تولیدی داخلی برای کودکان و نوجوانان وجود نداشت و بسیاری از نویسندگان آثار ادبی سیاسی در قالب داستان برای نوجوانان قصد داشتند به اهداف خود برسند.

خالق اثر «الغباى داستان‌نویسی» با اشاره به این‌که تألیفات آذریزدی به دلیل دوره تاریخی خاص خود فاقد متولوژی (روش‌شناسی) جمع‌آوری و بازنویسی قصه‌ها است، تأکید کرد: آثار آذریزدی فاقد متولوژی متعارف و علت این ضعف آشنابودن او با روش‌های بازنویسی و بازگشت به متون کهن است، اما امروزه در آثار غربی می‌بینیم این اصول پیشینه بسیار قدیمی دارد و نویسندگان با مراجعه به آن‌ها به بازآفرینی آثار می‌پردازند.

این منتقد در پایان با بیان این‌که تجدید چاپ شدن یک اثر دلیل بر ارزش‌های هنری آن نیست، افزود: ارزش‌های هنری همچنین به معنای ماندگاری نیست. اگر به گذشته‌نگاهی بیندازیم، می‌بینیم تالیفاتی بودند که پس از چند دوره چاپ به دلیل تأثیرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره رو به فراموشی رفته‌اند.

محسن هجری:

استاد «آذریزدی» دری تازه به روی بازنویسی قصه‌های قرآن گشود

گروه ادب: استاد «آذریزدی» زمانی شروع به بازآفرینی کرد که کارکردن بر روی قصه‌های قرآن و متون ادبی چندان رواج نداشت و او توانست دری تازه را به روی بازنویسی این قصه‌ها باز کند.



«محسن هجری» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن بیان مطلب فوق گفت: «آذریزدی» در شرایطی شروع به بازنویسی قصه‌های قرآن کرد که این کار در ایران به‌ویژه برای مخاطب گروه سنی کودک و نوجوان باب نبود.

این نویسنده با بیان اینکه نسل فعلی نیازهای جدیدی را دارد، تأکید کرد: ما باید یک اثر را در زمان و مکان خودش در نظر بگیریم؛ درست است که هم‌اکنون نیاز مخاطب امروزی فراتر رفته است، اما این موضوع نمی‌تواند نافی کارهای



صورت گرفته قبلی باشد.

نویسنده کتاب «پدرخاک» ضمن اشاره به این نکته که ما می‌توانیم از سبک و سیاق آذربیدی که به سادگی با مخاطب خود حرف می‌زند، در آثار خود استفاده کنیم، بیان کرد: آثار آذربیدی می‌تواند چراغ راهی برای کسانی باشد که می‌خواهند برای کودک و نوجوان بنویسند؛ این که به سادگی حرف‌شان را بزنند و به منابع ملی، بومی و دینی کشور خود آگاه باشند.

هجری در ادامه به خلاقیت در کار ادبی اشاره کرد و گفت: کار ادبی توأم با خلاقیت است، هرکاری شناسنامه خاص خود را دارد؛ ما منابع فراوانی داریم که در خلق ادبی و در ارتباط با مخاطب کم‌کم می‌کنند و آذربیدی راه استفاده از این خلاقیت را به بسیاری نشان داد.

بوده‌ایم و اگر از این موضوع درس بگیریم می‌توانیم آثار جدیدی را با مضامین دینی و فرهنگی خلق کنیم.

این نویسنده با تأکید بر این که ادبیات عرصه تاریخ نیست، گفت: با گنجینه‌هایی که در اختیار داریم از جمله قرآن، منابع تاریخی و ملی، آثاری مهم و تأثیرگذاری را می‌توان خلق کرد به این شرط که ادبیات را عرصه زیبایی‌شناسی و ارتباط با مخاطب بدانیم. اگر متوجه این موضوع نباشیم جذابیت‌های ادبی از بین رفته و مخاطب خود را از دست می‌دهیم.

هجری در پایان با بیان این نکته که آثار تصنعی پایدار نمی‌ماند گفت:

کارهای آذربیدی، به خودی خود این ماندگاری را دارد. این اثر است که ماندگاری خود را تضمین می‌کند و باید در این زمینه نشست نقد و بررسی و گرامی‌داشت برگزار کرد که فقط بوی تعارف از آن بلند نشود و در این قالب زوایای اثر او را برای مخاطب بشکافیم.

این نویسنده بیان کرد: کار آذربیدی با سایر نویسندگان متفاوت است. ما کارهای ارزشمندی داریم که در طول این دو سه دهه خلق شده‌اند که کم از آثار او نیست؛ اما شناسنامه

خاص خود را دارد که با توجه به مخاطب امروزی، زبان و نیاز آن‌ها نوشته شده است.

او ادامه داد: مخاطبان امروزی باتوجه به این که در معرض رسانه‌های مختلف تصویری قرار دارند جذب‌شان هم به سمت کارهای مکتوب سخت‌تر است. این مشکل فقط در ایران نیست و در سایر کشورها هم رسانه‌های مکتوب مجبور به عقب‌نشینی در مقابل رسانه‌های تصویری شده‌اند؛ اما با این حال در رسانه‌های مکتوب کار ضعیف و قوی وجود دارد؛ ما در ایران

نتوانستیم در آن حد لازم به فرهنگ دینی و ملی خود توجه کنیم و در شکل بازنویسی شده‌اش به آن شکل مطلوب دهیم و هم‌اکنون لازم است روی این جذابیت‌ها بیشتر کار کنیم.

او افزود: اقبال مخاطبان به آثار ترجمه شده خارجی نسبت به کارهای تألیفی به ما نشان می‌دهد که از برخی جذابیت‌ها غافل

بهترین آثار ادبی با بهره‌گیری از قرآن خلق می‌شود

با گنجینه‌هایی که در اختیار داریم از جمله قرآن، منابع تاریخی و ملی، آثاری مهم و تأثیرگذاری را می‌توان خلق کرد به این شرط که ادبیات را عرصه زیبایی‌شناسی و ارتباط با مخاطب بدانیم. اگر متوجه این موضوع نباشیم جذابیت‌های ادبی از بین رفته و مخاطب خود را از دست می‌دهیم

شکل بازنویسی شده‌اش به آن شکل مطلوب دهیم و هم‌اکنون لازم است روی این جذابیت‌ها بیشتر کار کنیم.



فریدون عموزاده خلیلی:

آثار آذریزدی باید در جغرافیای زمان و مکان خودش ارزیابی شود

گروه ادب: آثار مهدی آذریزدی را نباید با نوع تلقی‌ای که امروزه از داستان و روایت داریم قیاس کنیم و این آثار باید با توجه به جغرافیای مکان و زمان نوشته‌شده مورد ارزیابی قرار گیرد.

«فریدون عموزاده خلیلی» نویسنده و سردبیر مجله «چلچراغ» در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: آثار مهدی آذریزدی از چند جهت قابل ارزیابی است؛ ابتدا باید به دوره‌ای پرداخت که ادبیات کودک به شکل امروزی تازه در ایران در حال شکل گرفتن بود و این ادبیات تازه پا گرفته و شامل تعداد کتاب‌های معدود و محدودی می‌شد و آذریزدی با اراده و عزمی قابل تحسین با هدف آشناسازی کودکان با

مجموعه‌ای از اندیشه‌های فرهنگی، به کار بازنویسی متون مشغول شد.

این نویسنده تأکید کرد: انتخاب داستاهای قرآن و قصه‌های ادبیات کهن برای بازنویسی از سوی آذریزدی بسیار دقیق و ظریف صورت گرفته، این انتخاب‌ها عموماً از بین داستان‌های کودک‌پسندی بوده که برای این گروه سنی جذاب‌تر بوده است.

او ادامه داد: در کتابی مانند «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» آذریزدی به سمت قصه‌های قرآنی رفته آن را از زاویه‌ای انتخاب کرده که برای کودکان قابل درک است و این رویکرد که در نوشتارهای دیگر او به چشم می‌خورد.

عموزاده خلیلی ادامه داد: آثاری که آذریزدی در زمینه موضوعات و قصه‌های قرآنی خلق کرده نیز در همین چهارچوب قابل ارزیابی است؛ در آن دوران آذریزدی به تمام قلمروهایی که به پایه‌های ادبیات فرهنگی ما مربوط می‌شد نزدیک و از یک زبان کودک‌فهم برای ارایه آثارش کمک گرفت، انتخاب این قلم و عزم، اراده و تلاش او در آن دوران برای رساندن این فرهنگ متعالی به گوش کودکان بسیار ارزنده است.

نویسنده کتاب‌های «قصه‌های انقلاب» و «بچه‌های مسجد» تصریح کرد: موضوع قابل بررسی دیگر در آثار آذریزدی، نحوه و سبک نوشتاری اوست؛ شاید عده‌ای از نویسندگان کار برای کودکان را سخیف و کم‌ارزش بدانند، اما آذریزدی بدون درنظر داشتن این نوع افکار به سمت دغدغه‌های اصلی خود رفت و وقتی که ما خروجی و نتایج کار او را مشاهده می‌کنیم، درمی‌یابیم که آذریزدی عزم کرده است که کودکان را با فرهنگ غنی ایرانی، اسلامی آشنا کند.

عموزاده خلیلی در پایان با توجه به اهمیت تحقیق در آثار آذریزدی بیان کرد: توجه به این موضوعات اساسی که آذریزدی در چه زمان و دوره‌ای شروع به نوشتن داستاهای دینی و ریشه‌دار در فرهنگ ایران کرده است، می‌تواند آغاز خوبی بر تحقیقات و بررسی بر آثار او باشد.

بابک نیک‌طلب:

آثار آذریزدی؛

مرجعی در

ادبیات کودک و

نوجوان

گروه ادب: آثار آذریزدی تحلیل پیچیده‌ای ندارد و بیشتر، مرجعی برای گروه سنی کودکان و نوجوانان است.



«بابک نیک‌طلب» نویسنده کودک و نوجوان، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره ویژگی‌های آثار استاد مهدی آذریزدی گفت: آثار آذریزدی از بهترین کتاب‌ها برای کودکان و تقریباً کامل‌ترین آن‌ها است که با زبان ساده نوشته شده و آثار او هنوز هم در بازار کتاب مورد توجه بسیاری از نوجوانان قرار دارد.

او ادامه داد: کتاب‌های آذریزدی، کتاب‌هایی است که برای نوجوانان به راحتی قابل ارجاع است و نیازی به رجوع به صفحات طولانی و مطالب سخت نیست.

او درباره وضعیت بازنویسی قصه‌های قرآن در حال حاضر گفت: در حال حاضر با توجه به اینکه نوجوانان علاقه زیادی به خواندن آثار دینی دارند، تلاش‌های زیادی برای نوشتن این قصه‌ها شده و برخی همت زیادی در این راه کرده‌اند؛ ولی اگر این آثار بیشتر براساس منابع پذیرفته شده مانند قرآن و



روایاتی که ما اعتقاد داریم نوشته شوند و منابع آن‌ها نیز ذکر شود در تعمیق و ژرف‌اندیشی کودکان تأثیر زیادی دارد.

او افزود: اینکه ماقصه‌ها را سینه‌به‌سینه نقل کنیم و ندانیم که منبع و ریشه آن در کجا وجود دارد و منبع آن آیا اسلامی و شرعی

است یا نه، برای ادبیات کودکان مضر خواهد بود؛ پس براساس مرجع و مأخذ نوشتن بسیار موثر است.

نیک‌طلب درباره بازنویسی قصه‌های قرآنی ادامه داد: در بازنویسی قصه‌های قرآن باید رعایت سادگی و ایجاز شود تا کودکان زودتر متوجه شوند و این قصه‌ها نباید فقط حالت قصه و سرگرمی داشته باشد، بلکه اشارات تربیتی، اخلاقی و قرآنی به صورت هنرمندانه و ظریف در آن‌ها گنجانده شود.

این نویسنده راز ماندگاری آثار استاد آذربیدی را در روانی و صمیمیت آن دانست و تصریح کرد: استاد آذربیدی براساس مطالعاتی که داشته، آثار مکتوب زبان فارسی را با نثری شیوا و روان بازنویسی کرده است، برای مثال او داستان‌هایی از مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه و کتاب‌هایی که برای نوجوانان خواندنشان ثقیل بوده، را به خوبی بازنویسی کرده است.

به گفته نیک‌طلب امروز ناشران بیشتر به رنگ و لعاب کار اهمیت می‌دهند و افراد تازه‌کاری که در حوزه ادبیات اقدام به داستان‌نویسی کرده‌اند که خیلی با این حوزه آشنا نیستند، در حالی که کسی که می‌خواهد ماندگار شود باید تلاش و مطالعه کند، مثلاً کسی که می‌خواهد در مورد مولانا بنویسد باید حداقل یک بار تمام مثنوی را خوانده باشد.

او درباره تأثیر آذربیدی در روند بازنویسی حال حاضر گفت: استاد آذربیدی متعلق به امروز نیست، متعلق به ۴۰ سال پیش است و زمانی که

ایشان اقدام به نوشتن کرده‌اند کار نویسندگی بسیار محدود بوده است، ولی امروز این موضوع گسترش بسیار پیدا کرده و ناشران تخصصی شده‌اند.

او ادامه داد: سادگی و صمیمیت و مهم‌تر از آن امانت‌داری در متن آثار آذربیدی قابل توجه است. کار ایشان براساس امانت‌داری است، ولی امروزه توقع ما از ادبیات کودک فراتر رفته‌است، زیرا این روزگار روزگاری است که نویسندگان زیاد می‌نویسند.

نیک‌طلب گفت: استاد آذربیدی به صورت انفرادی و بدون حمایت و بامیزان آگاهی که داشت برای دل خود نوشت و انتشارات امیرکبیر که در آن زمان فعال بود، انتشار این اثر را به عهده گرفت؛ ولی چیزی که واضح است امروزه باید حرف‌های تازه‌ای برای نوجوانان نوشت.

او درباره اهمیت دادن مسئولان به پیشکسوتان و برگزاری بزرگداشت برای آن‌ها بیان کرد: اهمیت دادن به پیشکسوتان و برگزاری بزرگداشت برای آنان وظیفه جوانان ما است، زیرا آن‌ها تلاش خود را انجام داده‌اند، اما این‌که ما بزرگی را ارج نهیم در حقیقت به خود ارج نهاده‌ایم.

نیک‌طلب در پایان تصریح کرد: سنت ما ایرانی‌ها در این است که برای بزرگان که بیشتر تلاش کرده‌اند ارزش قائل شویم. امروز هم باید برای هر بزرگی که در این دنیا نفس می‌کشد ارزش و بها داده شود، ولی متأسفانه در حال حاضر کمتر به این کار پرداخته می‌شود و تمامی کسانی که مسئول این کار هستند دچار روزمرگی شده‌اند.

آثار آذربیدی سرشار از صمیمیت است
سادگی و صمیمیت و مهم‌تر از آن امانت‌داری در متن آثار آذربیدی قابل توجه است. کار ایشان براساس امانت‌داری است، ولی امروزه توقع ما از ادبیات کودک فراتر رفته‌است، زیرا این روزگار روزگاری است که نویسندگان زیاد می‌نویسند



محمد رضا شمس:

آذریزدی آغازکننده بازنویسی قصه‌های قرآن در زمان معاصر است

گروه ادب: استاد «آذریزدی» آغازکننده بازنویسی قصه‌های قرآن، داستان‌ها برای کودک و نوجوان در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است.



«محمد رضا شمس» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) بیان این مطلب گفت: این روزها می‌توان به خوبی شاهد آثاری بود که هرچند در زمینه بازنویسی قصه‌های قرآنی است، اما به دلیل تلفیق آن با سود ناشر و مسائل اقتصادی از کیفیت و دقت آن کاسته شده و با یک مقایسه ساده بین آثاری که در همین ژانر از نویسندگان و بازگرداندگان آثار کلاسیک در بازار موجود است و کتاب‌های این نویسنده پیشکسوت، می‌توان به ارجحیت آثار او پی برد.

نویسنده «افسانه‌های ملل» ادامه داد: نوشته‌های استاد «آذریزدی» از قصه‌های قرآن از دقت و عمق فراوانی بسیاری برخوردار است و نگاهش نسبت به این نوع قصه‌ها از اقتباس فرارفته است.

شمس با بیان اینکه آذریزدی راه را برای سایر بازگوکنندگان قصه‌ها هموار کرده است، ادامه داد: متأسفانه مسئولان فرهنگی ما به قشر هنرمند اهمیت نمی‌دهند و نسبت به این گروه از فرهنگ‌آوران که خوراک فکری جامعه را تامین می‌کنند، بی‌توجه‌اند.

او در پایان تصریح کرد: ما با قصه‌های آذریزدی بزرگ شده‌ایم و هم‌اکنون نوبت نویسندگان و متولیان فرهنگی است به فکر این بزرگ قدیمی عرصه ادبیات باشند و پس از درگذشت چنین افرادی به فکر ساختن فیلم و یا نگارش زندگی‌اش نبینند و در زمان حیات به فکر تأمین معیشت و مخارج زندگی آنان باشند.



داوود امیریان:

نثر شیرین آذریزدی فهم قصه‌های قرآن را برای کودکان آسان کرد

گروه ادب: استاد آذریزدی بر ادبیات کودک و نوجوان حق بسیاری دارد و نثر شیرین او سبب فهم راحت داستان‌های قرآنی برای این گروه سنی شده است.



«داوود امیریان» نویسنده در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این‌که استاد «آذریزدی» تحصیلات آکادمیک ندارد و به صورت خودجوش به اقتباس داستان‌های قرآنی می‌پردازد، گفت: تمام کلماتی که در آثار آذریزدی به کار می‌رود، نرم و پالایش شده است؛ به طوری‌که همگان با آن ارتباط برقرار می‌کنند و او در این راه هیچ‌گاه کم‌کاری نکرده و جوانی خود را در این کار گذاشته است.

او ادامه داد: به عقیده من نویسندگان باید برای چنین شخصیت بزرگی پاسداشت برگزار کنند و خیابان یا کوچه‌هایی را که در شهر خودش «یزد» وجود دارد را به نام او کنند.

این نویسنده با انتقاد از این‌که نباید حتماً پس از مرگ چهره‌هایی مانند آذریزدی به فکر نگارش زندگی‌نامه‌ای برای آن‌ها افتاد بیان کرد: همه افراد نیاز به تشویق و ترغیب برای ادامه راه و کارشان دارند؛ بدون شک این پیر ادبیات کودک و نوجوان هم با کمک و تشویق همه طرفدارانش به این باور می‌رسد که هنوز در قلب همه ما جا دارد و هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود.

امیریان در ادامه ضمن درخواست از مسئولان و متولیان فرهنگی جهت توجه و احترام بیشتر به این نویسنده تأکید کرد: مسئولان باید به نویسندگان پیشکسوت مانند استاد آذریزدی توجه بیشتری داشته باشند و به زندگی معیشتی آن‌ها اهمیت دهند.

به گفته این نویسنده شخصیتی مانند استاد آذریزدی برای همیشه در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان ماندگار خواهد ماند و این مانایی هیچ ارتباطی به زندگی یا مرگ او ندارد.

او در پایان اظهار کرد: نویسندگان با ارج نهادن و برگزاری بزرگداشت برای این انسان والا در درجه نخست به خود احترام خواهند گذاشت.

«آرزو انواری» پژوهشگر:

تعالیم دینی در لایه‌های زیرین آثار «آذریزدی» به ذهن کودک منتقل می‌شود



گروه ادب: «مهدی آذریزدی» تعالیم دینی را در لایه‌های زیرین آثار خود به‌کار برد و خواننده کودک و نوجوان در ابتدا مشغول داستان‌پردازی و همزادپنداری با شخصیت‌ها شده و در نهایت، پیام اخلاقی مورد نظر در قسمت نتیجه‌گیری داستان، ساده و بی‌پیرایه به ذهن او وارد می‌شود.



«آرزو انواری» پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: وقتی ارتباط با مخاطب به‌شکلی صمیمانه و راحت برقرار شود، کودک با شخصیت‌های داستان همزادپنداری می‌کند و کم‌کم وارد متن جریان داستان می‌شود، پیام اخلاقی مورد نظر نیز خودبه‌خود به ذهن او وارد می‌شود.

او افزود: آذریزدی با زبانی راحت و سلیس کودکان را با تعالیم دینی در قصص قرآن، داستان‌های کهن ایران و فرهنگ عامه آشنا کرد و سبک روان و ساده نوشتاری او حرکتی نو در ادبیات کودک و نوجوان به‌شمار می‌آید و اغلب کسانی که دوره کودکی و نوجوانی خود را در روزگار چاپ و انتشار این کتاب‌ها گذرانده‌اند، حتماً یکی دو جلد از این آثار را خوانده‌اند.

این پژوهشگر کودک و نوجوان گفت: آذریزدی در قرن اخیر جزو یکی از مبتکران بازنویسی متون کهن و قصص قرآنی است که با وجود نداشتن امکانات خاص و یا تحصیلات ویژه آکادمیک با علاقه و سابقه‌ای که از گذشته در این زمینه داشت، توانست به بازنویسی این متون بپردازد.

او در یک نگاه کلی بازنویسی قصص قرآن در زمان معاصر را در سطح عالی ندانست و در این زمینه گفت: بازنویسی‌های قصص قرآنی و متون کهن در ایران در همه زمینه‌ها در سطحی عالی نبوده، اما نمونه‌های کم‌وبیش منحصر به فردی نیز به چشم می‌خورد و بازنویسی‌های آذریزدی از آن نظر که در شرایط خاصی نوشته شده قابل اهمیت است.

انواری تصریح کرد: در زمینه داستان‌های قرآنی در سال‌های اخیر تلاش‌های مبتکرانه و قابل توجهی انجام نشده و این آثار نتوانسته‌اند با کودکان این دوره ارتباط برقرار کنند و در این قصه‌ها عموماً لحن کلیشه‌ای، سبب ناموفق بودن آن می‌شود.

او در پایان گفت: آذریزدی اینک در سن کهولت به‌سر می‌برد و با توجه به شرایط خاصی که دارد امکانات مناسب برای انجام کارهای بیشتر در اختیار او نیست، در صورتی که باید با بذل توجه بیشتر به نویسندگانی مانند آذریزدی و ایجاد شرایط مناسب، آن‌ها را برای ادامه کارهای ارزشمندشان دلگرم و امیدوار کرد.

بازنویسی‌های قصص قرآنی و متون کهن در ایران در همه زمینه‌ها در سطحی عالی نبوده، اما نمونه‌های کم‌وبیش منحصر به فردی نیز به چشم می‌خورد و بازنویسی‌های آذریزدی از آن نظر که در شرایط خاصی نوشته شده قابل اهمیت است

انواری در ارتباط با نوع بیان داستان‌های قرآنی گفت: بیان مناسب در بازنویسی قصص قرآنی برای گروه سنی کودک دارای ارزش بالایی است، چراکه این دسته از مخاطب هنوز با مسائل دینی آشنایی ندارند و دریافتی که در برخورد با این داستان‌ها دارند، می‌تواند شخصیت دینی آن‌ها را ساماندهی کند؛ از این منظر بازنویسان باید به دقایق، ظرایف و نکات متعددی در نگارش خود توجه کنند.

یادآوری می‌شود «آرزو انواری» در زمینه‌های پژوهشی و مطبوعاتی و مدیریت اجرایی فعالیت می‌کند و تاکنون بیش از پنجاه عنوان مقاله در کتاب ماه کودک و نوجوان و پژوهشنامه ادبیات کودک به چاپ رسانده است. او به ویراستاری مشغول است و ویرایش و پژوهش و تدوین بیست عنوان کتاب از جمله مجموعه «چهره‌های ادبیات کودک و نوجوان»، «زندگی را عزیز بدار»، «عاشق‌ترین»، «مطبوعات کودک و نوجوان در ایران»، «حمله حیدری (حیدر نامه)»، «از باب قرائت اطفال» حاصل کار اوست.

او ادامه داد: نویسندگان قصص دینی و قرآنی برای کودکان باید در پی رساندن حق مطلب در این زمینه باشند و سعی کنند کودکان را با واقعیت دین آن‌طور که هست، آشنا کنند. در این میان گاه نویسندگانی با طرز فکر و شرایط ذهنی خاص خود به بیان قصص دینی می‌پردازند و در نتیجه این داستان‌ها نه تنها برای کودکان قابل درک نیست، بلکه باعث دافعه نیز می‌شود.



مجید ملامحمدی: برقراری ارتباط قوی با مخاطب؛ ویژگی بارز آثار استاد آذریزدی

گروه ادب: سبک استاد آذریزدی در نوشتار، سبکی روان، ساده و شیرین بود و در زمان خود توانست ارتباطی قوی را با مخاطب خاص خودش برقرار کند. است و نکته مورد توجه این اثر، باز آفرینی خوب و شاخص ایشان بود. در حال حاضر امروزه در کتابخانه‌ها هم نوجوانان بیشتر با آثار این نویسنده پیشکسوت در ارتباط هستند و از آن استقبال می‌کنند.

نثر روان آذریزدی در باز نویسی قصه‌های قرآن

نویسنده کتاب «داستان یک

مرد» بیان کرد: توجه آذریزدی در انتخاب متونی مانند مثنوی معنوی و قصه‌های قرآن کریم قابل توجه بود و این آثار با قلم شیوا و نثر روان او بهتر در ذهن کودکان و نوجوانان می‌نشیند.

او تصریح کرد: به جز مخاطبان خاص کودک و نوجوان در آثار مهدی آذریزدی، بزرگسالان هم همواره مشتاق به خواندن این کتاب‌ها هستند.

ملا محمدی در پایان درباره شخصیت فردی استاد آذریزدی گفت: استاد آذریزدی دارای شخصیتی خوش نفس، ساده زیست و دلسوز گروه سنی کودک و نوجوان است.



«مجید ملامحمدی» نویسنده

و عضو انجمن قلم ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی (ایکنا) درباره سبک نگارش آثار استاد مهدی آذریزدی با بیان این مطلب گفت: ویژگی بارز آثار استاد آذریزدی، قلم شیوای او در باز آفرینی روان و شاخص از قصه‌های قرآن، مثنوی معنوی و متون کهن فارسی است.

این عضو انجمن قلم درباره نوع ارتباط کودکان با آثار آذریزدی گفت: کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» در دوره قبل از انقلاب و اوایل آن تأثیر به‌سزایی بر مخاطبان ادبیات کودک و نوجوان داشته

طاهره ابید:

آدریزدی سادگی زبان کودکان را به خوبی درک کرد



گروه ادب: یکی از ویژگی‌های آثار آدریزدی ارتباط زبانی، نثر ساده، روان، راحت و زبان صمیمی با نوجوانان بود و می‌توان گفت او سادگی زبان کودکان را به خوبی درک کرده است.



«طاهره ابید» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: کارهایی که قبل از انقلاب در حیطه ادبیات کودک و نوجوان چاپ و منتشر شد محدود، اما بسیار تأثیرگذار بود؛ یعنی همان اندک افرادی که در این زمینه کار می‌کردند و تعداد محدود کارهایی که در آن دوره انجام شد چه در حوزه شعر و چه در حوزه داستان، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشت، از جمله در زمینه‌ی داستان می‌توانیم از استاد مهدی آدریزدی، با کتاب معروف «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، یاد کنیم.

این نویسنده تصریح کرد: زبان ساده‌ای که آدریزدی به کار برده است، یکی از ویژگی‌های کارهای ایشان بود که در حیطه ادبیات کودک هم تأثیرگذار شد؛ اگرچه ما واژه‌ها یا جمله‌هایی می‌بینیم که شاید خیلی کودکانه نبوده یا درکش برای کودک آسان نباشد، اما ایشان سادگی زبان را برای کودک درک کردند و طبق آن آثار ماندگاری را به جا گذاشتند.

او ادامه داد: قصه‌های قرآنی جزء نخستین قصه‌هایی هستند که در دوره‌ی کودکی شنیده و کودک با آن آشنا می‌شود. داستان‌های شأن نزول قرآن در کودکی یکی از جذاب‌ترین داستان‌ها برای خود ما بود و قرآن کتابی است که در تمام خانواده‌ها وجود داشته و جاذبه خاصی برای بچه‌ها دارد تمام این شرایط دست‌به‌دست هم می‌دهد تا کتابی مثل «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» برای مخاطبان کودک جذاب شود.

نویسنده مجموعه‌ی «قصه‌های خواندنی، قصه‌های شنیدنی» گفت: حالا چنددهه از شکل گرفتن ادبیات کودک گذشته و باتوجه به بحث‌های روانشناسی که در این حوزه مطرح شده و روش‌های تکنیکی که اضافه شد و تحقیقات و تجربه‌هایی که نویسندگان در این حوزه داشتند، قطعاً روی آثار کودک و نوجوان تأثیر داشته است، مقایسه‌ی آن

با آثار استاد مهدی آدریزدی آن هم در آن دوره نمی‌تواند مقایسه‌ی درستی باشد، چون زمانی ایشان این کار را کردند که ما آثار قابل توجهی برای کودکان نداشتیم.

او تأکید کرد: آدریزدی آغازگر یک راه‌سخت است. او کار بزرگ‌تری انجام داده نسبت به کسی که دنباله‌رو آن راه است و اگر غیر از این باشد و آن کار پیشرفتی نداشته باشد جای شک و تردید است. در حقیقت نویسندگانی که هم‌اکنون در زمینه ادب کار می‌کنند در واقع شاگرد او هستند.

ابید درباره دلیل انتخاب نگارش داستان‌های قرآنی توسط آدریزدی گفت: شرایط فرهنگی و ویژگی‌های جغرافیایی‌ای که استاد در آن زندگی می‌کرد و محیط فرهنگی‌ای که او در آن بزرگ شده بود در انتخاب نوشتن قصه‌های قرآنی تأثیرگذار بوده است.

او ادامه داد: قطعاً شرایط فرهنگی‌ای که استاد آدریزدی داشت روی نگارش این آثار تأثیر گذاشته و در عین حال ارتباط خاص او هم با این موضوعات بی‌تأثیر نبوده است.

این نویسنده درباره جایگاه استاد آدریزدی گفت: قطعاً نویسندگان حوزه‌ی ادبیات کودک جایگاه استاد را می‌شناسند و قدردان ایشان هستند، ولی شاید واقعاً لازم باشد که حرکت بزرگ‌تری هم انجام شود به‌ویژه در حال حاضر که ایشان در کهنسالی هستند و در شهرستان هم زندگی می‌کنند.

او در پایان گفت: آدریزدی کارهایی را انتخاب و برای بچه‌ها چاپ کرده بود که می‌شد بارها و بارها به سراغشان رفت، این آثار تاریخ مصرف نداشتند و حضور ایشان به عنوان پیش‌کسوت جایگاه خاصی در جامعه ما و در حیطه‌ی ادبیات کودک دارد.

سادگی زبان ویژگی آثار آدریزدی

زبان ساده‌ای که آدریزدی به کار می‌بردند

یکی از ویژگی‌های کارهای ایشان بود که در

حیطه ادبیات کودک هم تأثیرگذار شد

او ادامه داد: قصه‌های قرآنی جزء نخستین

قصه‌هایی هستند که در دوره‌ی کودکی شنیده و

کودک با آن آشنا می‌شود. داستان‌های شأن

نزول قرآن در کودکی یکی از جذاب‌ترین داستان‌ها

برای خود ما بود و قرآن کتابی است که در تمام خانواده‌ها وجود

داشته و جاذبه خاصی برای بچه‌ها دارد تمام این شرایط دست‌به‌دست

هم می‌دهد تا کتابی مثل «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» برای

مخاطبان کودک جذاب شود.

نویسنده مجموعه‌ی «قصه‌های خواندنی، قصه‌های شنیدنی»

گفت: حالا چنددهه از شکل گرفتن ادبیات کودک گذشته و باتوجه به

بحث‌های روانشناسی که در این حوزه مطرح شده و روش‌های تکنیکی

که اضافه شد و تحقیقات و تجربه‌هایی که نویسندگان در این حوزه

داشتند، قطعاً روی آثار کودک و نوجوان تأثیر داشته است، مقایسه‌ی آن

مریم صباغزاده ایرانی: نزدیک کردن قصص عمیق قرآنی به ذهن کودکان؛ هنر «آذریزدی»



نویسنده‌ای که به موفقیت می‌رسد دارای یک سبک است. در واقع یک عده در ایجاد سبک خاص موفق می‌شوند و یک عده کار دیگران را تکرار می‌کنند، اما آذریزدی توانست به سبک برسد و با قلمی شیرین متن قرآن را به صورت قصه بیان کند.

او در زمینه وجود ادبیات کهن در آثار آذریزدی گفت: آذریزدی دغدغه مسائل ادبیات کهن را همیشه داشته و آن‌ها را در آثارش مطرح می‌کند. او هم‌چنان در حال نویسندگی است و این از توفیقات نوشتن قصص قرآنی است که خداوند به او عطا کرده است.

این نویسنده درباره شخصیت آذریزدی بیان کرد: آذریزدی علی‌رغم کهولت سن دارای شور و نشاطی است که فکر می‌کنم به دلیل وارد شدن به دنیای کودکان است. او خصوصیات منحصر به فردی دارد؛ مثلاً خودش

کفش‌هایش را می‌دوزد و یا مسیره‌های طولانی را اغلب پیاده طی می‌کند. در واقع او خود را غرق دنیای امروز نکرده و برای یک نویسنده این نوع نگرش باعث می‌شود که کلامش به دل بنشیند؛ چرا که در حقیقت از دل برمی‌آید.

وی در پایان خاطرنشان کرد: کسانی که به نوعی دست‌اندرکار هستند، باید کارهای او را تدوین و جمع‌آوری کرده و اگر اثر چاپ نشده‌ای از او موجود است، آن را زمین‌نگذارند و کارهای چاپ شده را به چاپ‌های بعدی برسانند و آذریزدی باید از هر لحاظ تحت حمایت قرار بگیرد، اگر چه مناعت طبع او به حدی است که هیچ‌وقت درخواست خاصی از او نمی‌شنویم، اما در کنار تجلیل آثار باید از شخصیت او نیز تجلیل شود، چرا که بخش طلایی عمر خود را صرف این موضع کرده و هم‌چنان نیز در این زمینه فعال و کوشاست. کاش می‌شد از حضور او در مجامعی که خوانندگان کتاب‌های او نیز که بخش اصلی آن کودکان هستند، به عنوان یک الگو استفاده کرد.

گروه ادب: «مهدی آذریزدی» با وجود خردورزی که در عمق قصه‌های قرآن است، آن‌ها را به ذهن کودکان نزدیک می‌کند و این جزء هنرهای منحصر به فرد اوست.



«مریم صباغزاده ایرانی» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: قرآن خود دارای قصص فراوانی است که همگی جنبه واقعی دارند و ساخته تخیل آدمی نیست؛ قرآن ساخته صنع و هنر خدا است و در نظر گرفتن همین محور، دلنشینی به خصوصی برای فطرت کودکان دارد. آذریزدی نیز با کمک این مسأله و اضافه کردن چاشنی هنر ذاتی خود، داستان‌های قرآنی را به زبان کودکان دیروز و امروز بازنویسی کرده؛ در حقیقت نثر آذریزدی متعلق به ۵۰ سال پیش بوده، ولی هنوز دلنشین است.

این نویسنده افزود: هر وقت صحبت از آثار آذریزدی به میان آید، در ابتدا کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» به ذهن متبادر می‌شود. در حقیقت او به شکل جالبی قصه‌هایی از قرآن را انتخاب کرده که کنش و واکنشی گیرا و منطقی دارد. یکی از این قصه‌ها، قصه بسیار معروف سجده کردن فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس است.

این نویسنده ادامه داد: این داستان دارای یک بن‌مایه حکمی است که در آن «ابلیس» نماد وسوسه است، این ماجرا سخت به قصه شدن تن می‌دهد، چرا که یک روایت خطی است و افت و خیز ندارد و شاید طرح آن برای گروه سنی کودک جالب توجه نباشد، اما آذریزدی در داستانش کنش‌ها و واکنش‌های این داستان را چنان طرح می‌کند که به ذهن کودک نزدیک می‌شود و او را مشتاق دنبال کردن ماجرا می‌کند.

صباغزاده ایرانی درباره سبک نویسندگی آذریزدی گفت: هر



«زهرا زورایان» نویسنده کودک و نوجوان:

تأثیر آثار آدریزدی تا مدت‌ها در ذهن مخاطبان باقی می‌ماند

گروه ادب: آثار «مهدی آدریزدی» معمولاً در دوران کودکی خوانده می‌شود و آثار او به‌گونه‌ای است که به‌طور ناخودآگاه تا مدت‌ها در ذهن مخاطب آن حک شده و باقی خواهد ماند.

نوجوانان به خواندن بیشتر آثار او ترغیب و تشویق کرد، گفت: در چاپ مجدد این آثار اگر یک بازنگری کلی در نظر گرفته شود باز هم به جلب نظر بیشتر گره سنی کودک و نوجوان که مخاطبان خاص این آثار هستند کمک خواهد کرد.

زورایان در پایان با بیان این مطلب که خود در دوران کودکی خود یکی از طرفداران آثار مهدی آدریزدی بوده است، گفت: ما در یک خانواده مذهبی زندگی می‌کردیم که اجازه خواندن هر کتابی را به ما نمی‌دادند، اما کتاب‌های آدریزدی همیشه در اختیار ما بود، این کتاب‌ها در دوران کودکی بارها خوانده می‌شد و حتی آن‌ها را برای دوستانم تعریف می‌کردم، مادرم قصه‌های آدریزدی را می‌خواند و ما با هم درباره آن‌ها صحبت می‌کردیم. این کتاب‌ها به قدری جذاب بود که وقتی جلد اول آن را تمام می‌کردم والدینم جلد دوم آن را به عنوان جایزه خریداری می‌کردند.

«زهرا زورایان» نویسنده کودک و نوجوان، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران، (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: داستان‌های آدریزدی عموماً دارای مضامین اخلاقی هستند و گروهی از آن‌ها نیز جزء آموزه‌های دینی به حساب می‌آیند.

نویسنده کتاب «رایحه نجابت» افزود: این داستان‌ها دارای موضوعاتی مانند اتحاد، مهربانی، نیکوکاری، کمک به دیگران و... بوده که برای شکل‌گیری شخصیت کودک بسیار مثبت است.

زورایان با بیان این پیشنهاد که می‌توان از آثار آدریزدی در کلاس‌های درس استفاده و کودکان و

چاپ مجدد آثار آدریزدی باید

بازنگری همراه باشد

در چاپ مجدد این آثار اگر یک بازنگری کلی در نظر گرفته شود باز هم به جلب نظر بیشتر گره سنی کودک و نوجوان که مخاطبان خاص این آثار هستند کمک خواهد کرد



«اصلان قزللو» نویسنده کودک و نوجوان: قصه‌های قرآن آذریزدی با هنرمندی کامل بازنویسی شده است

وی تصریح کرد: نوشتن قصه‌های قرآنی کار هر کسی نبوده و کسی که می‌خواهد به این سمت برود، علاوه بر داشتن عشق و علاقه به این کار، باید دارای زبانی روان به همراه اطلاعات عمیق و تسلط کافی باشد که آذریزدی همه این مؤلفه‌ها را با خود به همراه دارد.

این نویسنده با بیان این مطلب که آذریزدی تمام عمر خود را به نویسندگی اختصاص داده، تصریح کرد: آذریزدی زندگی خصوصی خود را هم در جریان کار نویسندگی وارد کرده و با داشتن اطلاعات و آگاهی به همراه عشق و علاقه نسبت به داستان‌های قرآنی و ادبیات کهن، توانسته آثار ماندگاری در این زمینه خلق کند. علاوه بر کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان، نویسندگان نیز از قلم «مهدی آذریزدی» متأثر شده و در پیشبرد آثار خود از آن استفاده کرده‌اند که توجه و متعدد شدن بیشتر به ادبیات فولکلور (عامیانه) پس از کتاب‌های آذریزدی گواه این سخن است.

قزللو در پایان با اشاره به مشکلاتی که بر سر راه نشر آثار آذریزدی وجود دارد، خاطرنشان کرد: به علت مشکلات بازار نشر و مسائل خاصی که در چاپ کتاب وجود دارد و به جهت گستردگی و گوناگونی کتاب‌های منتشر شده در زمینه ادبیات کودک، آثار آذریزدی کمتر از قبل به دست مخاطب خاص خود می‌رسد که در این زمینه برای شناساندن و بهره‌مند کردن این دسته از مخاطبان باید تدابیر لازم مورد بررسی قرار گیرد.

گروه ادب: هنر تنها در ظاهر یک اثر هنری تجلی نمی‌کند، بلکه به لایه‌های زیرین می‌رود و خود را دل آن اثر متجلی می‌کند. قصه‌های قرآن آذریزدی نیز با هنرمندی کامل بازنویسی شده است.



هنر نویسندگی آذریزدی
هنر نویسندگی و تسلط آذریزدی وقتی وارد میدان ادبیات کودک می‌شود، خود را به ظهور رسانده و آثاری با این حجم مخاطب و علاقمندی را خلق می‌کند



«اصلان قزللو» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: موضوع هنر نویسندگی در زمینه آثار قرآنی به شکل روایت آن بستگی دارد؛ قرآن دارای قصه‌های بسیاری است که این قصه‌ها در دل خود اندرزهای بی‌شماری را منتقل می‌کند. هنری که بازنویس قصه‌های قرآنی باید آن را رعایت کند، این است که با چه شیوه‌ای این آموزه‌ها را به زبان مخاطب خود نزدیک کرده و نگارش کند.

او افزود: مخاطب آثار آذریزدی کودکان هستند و این گروه سنی با نصایح مستقیم و بی‌پرده میانه‌ای ندارند. هنر نویسندگی و تسلط آذریزدی وقتی وارد این میدان می‌شود، خود را به ظهور رسانده و آثاری با این حجم مخاطب و علاقمندی را خلق می‌کند.

نویسنده کتاب «تاریخ ادبیات کودک و نوجوان» در ادامه گفت: در این آثار با استفاده از ابهام قراردادن موضوع استفاده از فراز و فرودهای هنری باعث شده است که مخاطب، خود به سمت کشف نتیجه و هدف داستان رفته و چون این کشف توسط خود او صورت می‌گیرد، این نتیجه‌گیری از داستان‌ها بسیار جذاب و دلپذیر می‌شود و وقتی داستان‌ها در خود نتایج اخلاقی و معنوی داشته باشند، دیگر رسالت این هنر به کامل‌ترین وجهی به ظهور می‌رسد.

«نقی سلیمانی» نویسنده کودک و نوجوان:

آثار «آذریزدی»

برخوردی فرهنگی با مسائل موجود در جامعه

او گفت: برای صحبت درباره آذریزدی باید آثار او را با دقت، نقد و بررسی کنیم، اما به طور کلی می توان گفت که او جزء پنج یا شش نفر از ممتازان عرصه ادبیات کودک است و در این زمینه جایگاه خاص خود را دارد.

او با بیان این مطلب که در بررسی آثار آذریزدی باید او و آثارش را با نویسندگانی همان دوره در مقام قیاس قرار دهیم، گفت: اگر بخواهیم آذریزدی را با نویسندگان امروز را مقایسه کنیم شاید نویسندگان بهتری را از جهات مختلف در این دوره بباییم، اما باید متوجه باشیم که همین نویسندگان نیز بر شانه های او ایستادند تا توانستند در

این عرصه خود را بالا کشیده و رشد کنند و هرکدام از آن ها زمینه های و قالب های مختلفی را پی گرفتند، اما باز هم آذریزدی از جایگاه بلندی برخوردار بود.

او افزود: کودکانی آن نسلی که با کارهای او عجین بودند حالا که به گذشته می نگرند با رضایت از آن یاد خواهند کرد و در عین حال کودکان و

نوجوانان امروز هم می توانند این آثار را بخوانند و از آن بهره ببرند مطمئناً این تجربه برای آن ها نیز جالب خواهد بود اگر چه نتوانند رضایت آنها را به طور صددرصد جلب کند.

سلیمانی با انتقاد از بعضی کتاب ها که در زمینه ادبیات کودک منتشر می شوند، گفت: قسمتی از کتاب هایی که در حال حاضر در بازار کتاب موجود است کتاب هایی دهه ای اند که تخریب کننده ادبیات کودک بوده و باید آن ها را کنار گذاشت.

او در پایان تأکید کرد: نهادهایی مانند کانون پرورش فکری و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می توانند با حمایت از نویسندگان این عرصه و جهت دهی به این موضوعات در پیشبرد آن کمک کنند.

گروه ادب: برخورد «آذریزدی» با مسائل موجود در جامعه، برخوردی فرهنگی بوده و نوع کار و انتخاب سوژه های او به گونه ای با جامعه اش در ارتباط است.



«نقی سلیمانی» نویسنده کودک و نوجوان در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به نقش آذریزدی در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان بیان کرد: آذریزدی جزء بزرگان ادبیات کودک است و شکی در آن نیست که کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» از بهترین و در عین حال پر فروش ترین مجموعه های ادبیات کودک بود.

این نویسنده کودک و نوجوان افزود: قصه های قرآنی از منابعی هستند که بازنویسان و حتی آفرینندگان آثار ادبی می توانند با استناد به آن ها کارهای درخشانی را خلق کنند و حتی در پرداختن به داستان ها نیز از فنون داستان پردازی قرآنی استفاده کنند. در قرآن کریم

شخصیت های فراوانی با چهره های منحصر به فرد وجود دارند که برای شخصیت پردازی در داستان ها می توانند سوژه های جالبی باشند این موضوع در ادبیات ما کمتر طراحی و کار شده است و جا دارد پژوهشگران عرصه قصه و داستان به آن پردازند.

سلیمانی که خود مشغول بازنویسی داستان حضرت یوسف (ع) است و در این زمینه کتابی زیر چاپ دارد می گوید: قرآن کتابی است که به قصه اهمیت زیادی داده و در بخش های مختلف در دل خود به قصه پرداخته است، در دوره اسلامی ما به همراه کتاب های تاریخی، قصه گوهایی نیز داشتیم که وجود آن ها برای رساندن پیام قصه ها اهمیت فراوان داشت.

آذریزدی جزء پنج شش نفر از ممتازان ادبیات کودک برای صحبت درباره آذریزدی باید آثار او را با دقت، نقد و بررسی کنیم اما به طور کلی می توان گفت که او جزو پنج یا شش نفر ممتازان عرصه ادبیات کودک است و در این زمینه جایگاه خاص خود را دارد

کسی بنا به نوع ظرفیت خود از آن بهره می‌گیرد؛ عارفان و فیلسوفان می‌توانند درهای گران‌قیمتی را از آن بردارند، اما برای ما انسان‌های عادی توجه و عمل به ظاهر آن مقدور است، حال اگر بخواهیم آن را برای کودکان نیز قابل درک و استفاده کنیم، کاری می‌شود که آذریزدی انجام داد.

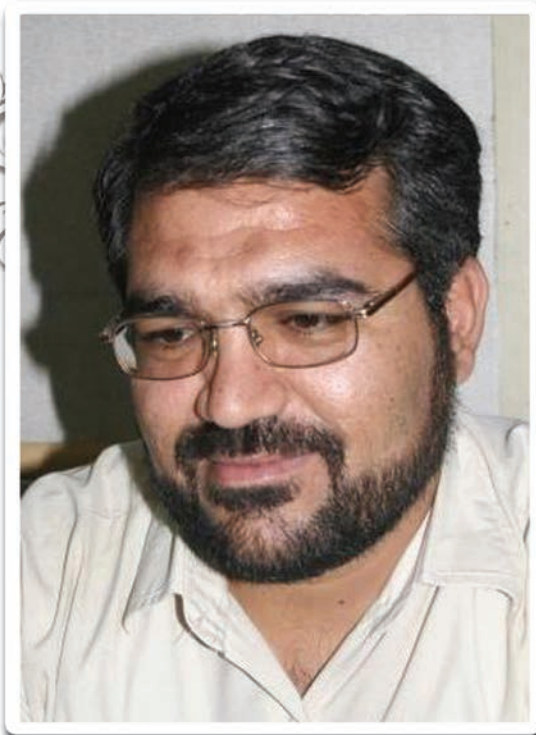
او درباره قلم آذریزدی در بیان قصه‌های قرآنی گفت: آذریزدی قلمی ساده و درعین حال شیوا دارد که بدون تکلف است. او واژه‌های سخت را کنار زده و همان‌طور که دو کودک با یکدیگر صحبت می‌کنند و در پی رساندن منظور خود به یکدیگر هستند، قلم می‌زند، من به‌عنوان یک نویسنده کودک، وقتی بخواهم در زمینه قرآنی برای کودکان مطلبی بنویسم به کتاب‌های او و نوع قلمش مراجعه می‌کنم، کتاب‌های او به‌عنوان الگویی در ساده‌نویسی استفاده می‌شود و نویسنده کودک باید آن را محل رجوع و الگویی برای کار خود بداند.

نویسنده کتاب «زندگی علمای شیعه» گفت: مسلماً وقتی پیام، به‌صورتی ساده و سهل‌الوصول به مخاطب برسد و بدون مسائل غامض و پیچیدگی‌های زاید باشد تأثیرپذیری بیشتری نیز دارد، نکته مهم که در ادبیات کودک باید در نظر گرفته شود آن است که در نگارش این آثار کمتر از زبان کنایی استفاده شود، وقتی ما با فرزند کوچکمان سخن می‌گوییم از زبانی کمک می‌گیریم که در آن مستقیم‌گویی و صراحت بیان باشد و آن را همراه با لطف و ادب می‌کنیم تا هم‌گیرایی آن بالا رفته و هم تأثیرپذیری خوبی داشته باشد؛ قصه‌های قرآنی آذریزدی نیز این دونکنه را به‌تمامی در خود دارد و این راز تأثیرگذاری آن است.

او در بیان ارزشمندی آثار آذریزدی به جمله‌ای از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، در سفر سال گذشته ایشان به یزد، اشاره می‌کند که با تجلیل از آثار آذریزدی، فرمودند: «آذریزدی در یک برهه از زمان خلأ زنجیره فرهنگی کشور را پر کردند و این یک فرصت بسیار بزرگ بود و اطمینان دارم که خداوند اجر وی را خواهد داد.»

محبوبی با گله از بی‌توجهی در چاپ آثار آذریزدی گفت: متأسفانه هنوز حق مطلب درباره آذریزدی ادا نشده است، کتاب‌های او هنوز با کاغذهایی با کیفیت پایین به چاپ می‌رسد و ناشر وقتی می‌بیند این کتاب‌ها به‌علت مخاطب فراوان به هر شکلی که باشد به فروش می‌رسد سعی می‌کند کمترین هزینه را در کیفیت‌بخشی به آن اعمال کند تا بیشترین سود را از آن برده باشد.

او در پایان تصریح کرد: رسانه ملی باید هم‌سو با دیگر رسانه‌ها، آذریزدی را از خود بداند و در جهت و حفظ و معرفی آثار و شخصیت او برنامه‌سازی کند، چراکه آذریزدی مسلمانی ناب و یک ایرانی اصیل است و سادگی او و زندگی او بیانگر همه چیز است، او برحسب احساس تکلیفی که در خود حس می‌کرد به نوشتن قصص قرآنی اقدام کرده که باید پاسخ درستی به این ادای تکلیف داده شود.



«مجید محبوبی» نویسنده کودک و نوجوان:

قصه‌های قرآن «آذریزدی» پیام‌های بسیاری را به کودکان منتقل می‌کند

گروه ادب: «آذریزدی» در رساندن و ابلاغ پیام‌های صریح قرآن

برای گروه سنی کودکان بسیار موفق بود و صمیمیت او

در زبان، پیام‌های بسیاری را از قصه‌های قرآن

در اختیار مخاطبان قرار داده است.



«مجید محبوبی» نویسنده کودک و نوجوان،

در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با

بیان این مطلب گفت: مهدی آذریزدی در عمر

پربرکت خود آثار گرانبغری را خلق کرده است؛

او نه تنها به ادبیات کهن جان دوباره‌ای داد، بلکه

قصص قرآنی را نیز با شیوه‌ای منحصر به فرد با زبانی ساده و قلمی

شیوا در دسترس کودکان و نوجوانان قرار داد.

محبوبی افزود: داستان‌های قرآنی داستان‌هایی چندلایه‌اند که هر

آثار آذریزدی الگویی برای دیگر نویسندگان

کتاب‌های آذریزدی به‌عنوان الگویی در

ساده‌نویسی استفاده می‌شود و نویسنده کودک

باید آنرا محل رجوع و الگویی برای کار خود

بداند



مهدی کاموس:

عشق به انبیاء و قرآن درون مایه اصلی آثار «آدریزدی»

می‌رسد، که مسلماً ارتباطی با کودک و نوجوان ندارد و مخاطب آن نیز بزرگسال است، این آثار در نهایت مخاطبانی چندگانه می‌یابد. کاموس از دیگر ویژگی‌های آثار آدریزدی را فراگیری آن دانست و گفت: این آثار هم قصص قرآن و هم قصه‌هایی از متون کهن را در خود گنجانده و جای خود را در کنار کتابی مانند «داستان راستان» باز می‌کند و داستان‌ها را با رویکرد اخلاقی انتخاب و ساده‌نویسی می‌کند.

او قوی‌ترین نکته درباره آثار مهدی آدریزدی را پیشگام بودن این آثار دانست و گفت: قبل از مجموعه ۸ جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، آثاری که وجود داشت عموماً گردآوری افسانه‌ها و حکایت‌های مختلف فولکلور برای نوجوانان بود.

این نویسنده و پژوهشگر ادبی که مجموعه ۱۰ جلدی «تاریخ شفاهی کودک و نوجوان» را در دست انتشار دارد، گفت: آدریزدی از آثار فاخری همچون «کلیله و دمنه»، «مرزبان‌نامه»، «مثنوی معنوی» و دیگر متون کهن، داستان‌های مناسب برای گروه سنی کودک و نوجوان را بیرون کشیده و بازنویسی کرده است و این بازنویسی و ساده‌سازی الگویی شد برای آن نسل از نویسندگانی که به ساده‌نویسی روی می‌آورند تا بتوانند ادبیات متون کهن را به جامعه عرضه کنند.

او در پایان تصریح کرد: اگر بخواهیم آثار آدریزدی را در ظرف زمانی خود، بدون نگاه فرمالیستی و از دید سنتی ارزیابی کنیم، می‌توانیم بگوییم که جزء آثار بدیع، درخشان و ماندگار است، همان‌طور که در همان دوره موفق به دریافت جایزه شده و با افت و خیزهایی در طی تمام این سال‌ها تا به امروز تجدید چاپ می‌شود.

گروه ادب: داستان‌های آدریزدی دارای یک درون‌مایه اخلاقی است که این موضوع در کمتر اثری به این روشنی قابل دریافت است، او عشق و ارادت خود را به انبیا و قرآن عملاً روشن کرده و تلاش می‌کند هدف خود را با اهداف قصص قرآنی منطبق کند.



«مهدی کاموس» نویسنده و پژوهشگر ادبی در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: در بیان داستان‌های کهن و قصص قرآن ممکن است موضوعات سیاسی، معنوی و یا عرفانی مطرح شده باشد، اما آدریزدی در انتخاب و ساده‌نویسی خود تنها به رویکرد اخلاقی آن‌ها می‌پردازد. او افزود: در نگاه دینی به قصه‌های قرآنی در آثار آدریزدی این نکته مورد توجه است که در ساده‌نویسی و انتخاب این قصه‌ها آنچه لحاظ شده است، معرفت اخلاقی این داستان‌ها است و این انتخاب‌ها با هدف تعلیم و تربیت و ارائه جنبه‌های اخلاقی صورت گرفته است.

او درباره نوع مخاطب در آثار آدریزدی گفت: آثار آدریزدی دارای مخاطب‌های چندگانه است که تنها کودکان و نوجوانان را دربر نمی‌گیرد، بلکه بزرگسالان و نسل عامه نیز از آن استفاده کرده و می‌کنند، اما به دلیل آنکه این آثار برای نوجوانان جنبه تعلیمی و تربیتی دارد، ویژه این گروه سنی دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

او ادامه داد: چندگانگی مخاطب آثار آدریزدی قوت کار او را می‌رساند، هرچند به گفته خود او این داستان‌ها برای نوجوانان ساده‌نویسی شده است، اما به دلیل آن‌که سرچشمه و منبع آن‌ها به متون کهنی چون «مثنوی معنوی» و یا کتاب بزرگی چون قرآن کریم

عرفان نظرآهاری:

قصه‌های قرآن «آذریزدی»؛ گنجینه‌ای در دست نوجوانان

بشری خود را که در کتاب‌های گذشتگان محفوظ است، در اختیارمان گذاشتند.

او ادامه داد: ذخایر معنوی و فکری همانند دریای بزرگ و گسترده‌ای است که هر چقدر هم شناگران ماهری داشته باشیم بازهم مرورایدی‌های زیادی کف این دریا هست که با خطر کردن باید به آن‌ها دست پیدا کرد؛ یا مانند ذخایر نفت می‌ماند که نویسندگان ما باید آن را پالایش و هزاران محصول مختلف امروزی را از آن برداشت کنند.

او افزود: این که چقدر پالایشگاه‌های فرهنگی را تأسیس کردیم و این امکان را داریم که به زبان اندیشه، ادب و سلیقه کودک و نوجوان امروز سخن بگوییم، مسئله بعدی ما است که در این مورد هنوز کاملاً موفق نبودیم.

شاعر مجموعه «روی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس» با اشاره به این که نویسندگان باید بتوانند آموزه‌های گذشتگان، مفاهیم اصلی، ازلی و واقعی را که انسان در طول سال‌های زیستنش با آن روبرو بوده به زبان امروز برگردانند، تأکید کرد: باید برخی مفاهیم امروز را با بیان، مدرن ارائه دهیم؛ به گونه‌ای که نوجوان امروز آن را درک کند و به کار ببندد تا زندگی معنادار و عمیق‌تری را تجربه کند. این چیزی است که نویسندگان ما در مورد آن چندان جدی عمل نمی‌کنند.

نظرآهاری با بیان این عقیده که عرصه امروز خالی و خلوت از این تلاش‌های هر روزه نیست و جریاناتی در شرف اتفاق است، گفت: ما علاوه بر بازنویسی به نگارش خلاقانه و آفرینش‌های مجدد محتاجیم؛ اما به شرطی که ریشه‌های این درختی که می‌کاریم از سرچشمه‌های اصیل این مفاهیم سرچشمه بگیرد، اما میوه‌های امروزی بدهد و به مذاق نوجوان امروز خوش بیاید.

این نویسنده با تأکید بر این که هر نویسنده‌ای آینه زمان خودش است، اظهار کرد: کاری که آذریزدی در زمان خود کرد پیشروانه بود، اما نیازهای نسل جدید ممکن است متفاوت شده باشد؛ شاید جوان امروز جستجوگر و جسورتر شده و دلش بخواهد به یک قصه قرآنی از زاویه‌های متفاوت نگاه کند و ابعاد رمزگونه آن را بیشتر بفهمد؛ بنابراین لازم است که امروزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و مسائل دیگری که ماحصل دنیای امروز است، لابه‌لای قصه‌های امروز توضیح و تشریح شود؛ پس، قطعاً کار نویسنده امروز سخت‌تر از کار نویسنده دودهمه پیش است، چرا که نوجوان امروز را به سختی می‌توان جلب و جذب کرد.



گروه ادب: آذریزدی پیشکسوت و پیشگام اقتباس از قصه‌های قرآن برای نوجوانان بود و این آثار امروز گنجینه‌ای در دست این گروه سنی است.

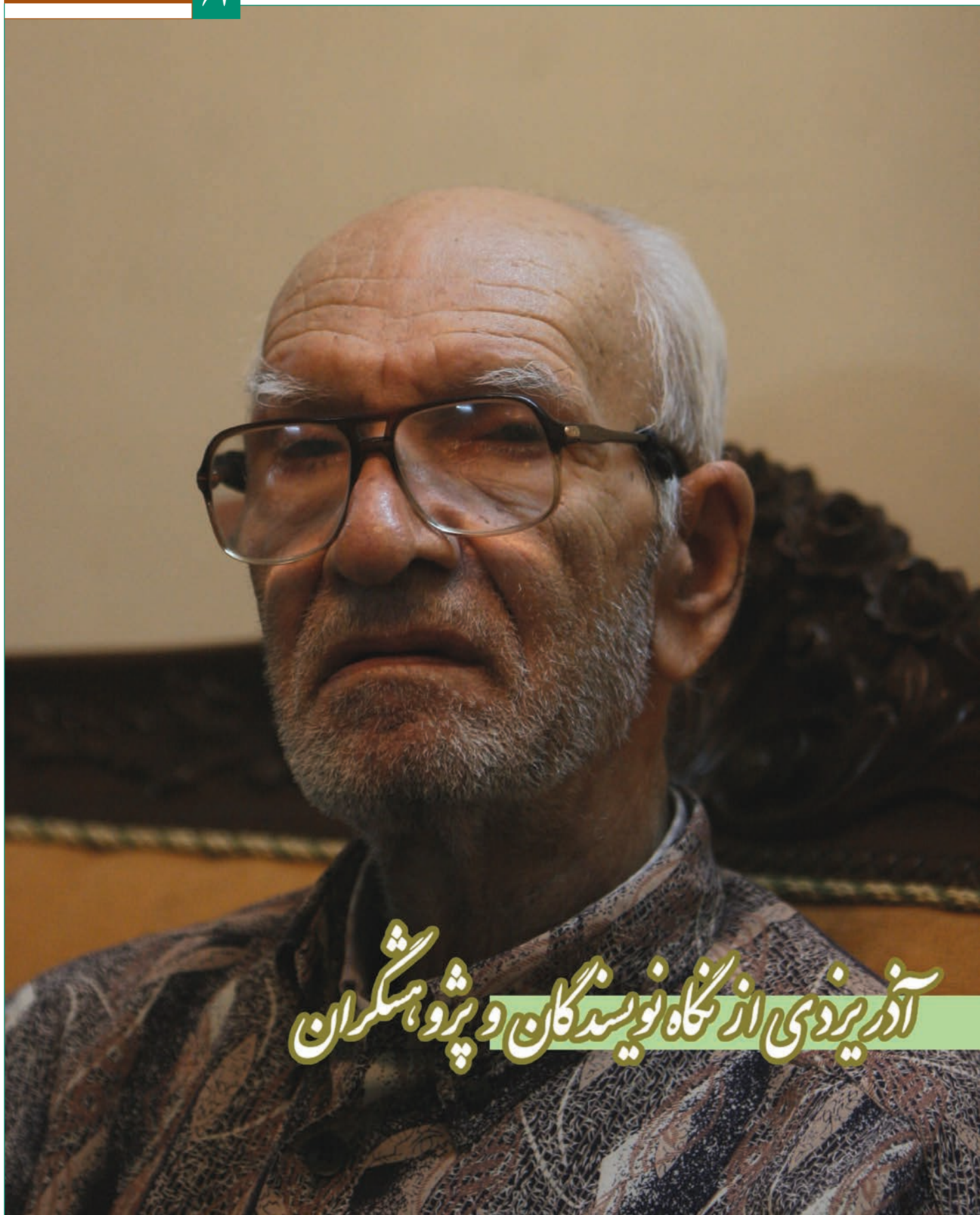
«عرفان نظرآهاری» نویسنده و شاعر در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره تأثیر آثار «آذریزدی» در ادبیات کودک و نوجوان گفت: اثری مانند «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نسل‌های مختلف مخاطبان را دربرگرفته و به نوجوانان در برقراری ارتباط با ادبیات کلاسیک کمک بسیار کرده است.

او ادامه داد: متن‌های کلاسیک ادبیات ما حاوی آموزه‌های مختلف فرهنگی، اعتقادی، دینی و اخلاقی است، اما این متون به زبان روز برگردان نشده بود و استاد آذریزدی با کار خود این اقدام را برای دیگران آسان کرد.

این نویسنده به احساس مثبتی که از خواندن قصه‌های آذریزدی به او و دیگران دست می‌داد، اشاره کرد و گفت: این آثار سبب شد که ما به سراغ خواندن منابع اصلی از جمله «کلیله و دمنه»، «مثنوی مولوی»، «گلستان و بوستان» و سایر آثار برویم تا بانثر آثار کلاسیک آن دوران آشنا شویم و اصل آن‌ها را جستجو کنیم. نویسنده کتاب «لیلی نام همه دختران زمین است» با اشاره به سهم و نقش آذریزدی در ادبیات کودک و نوجوان، بیان کرد: نقش آذریزدی در ادبیات کودک و نوجوان را باید بزرگ و درخشان قلمداد کرد؛ زیرا او پلی را بین ادبیات امروز و کلاسیک ایجاد کرد.

نقش آذریزدی در معرفی آثار کلاسیک آثار سبب شد که ما به سراغ خواندن منابع اصلی از جمله «کلیله و دمنه»، «مثنوی مولوی»، «گلستان و بوستان» و سایر آثار برویم تا با نثر آثار کلاسیک آن دوران آشنا شویم و اصل آن‌ها را جستجو کنیم

نظرآهاری در ادامه با بیان این که هنوز در ادبیات نوجوان چیزهایی که کمبودش را احساس می‌کنیم وجود دارد، افزود: کودک و نوجوان امروز ما به آموزه‌های کهن احتیاج دارد و باید خودش را با بهره‌گیری از این تعالیم برای زندگی امروز آماده کند؛ تعالیمی که گذشتگان ما ماحصل خرد



آذریزدی از نگاه نویسندگان و پژوهشگران



محمد رضا بایرامی:

صداقت و صمیمیت کلام آذریزدی، ماندگاری وی را در ادبیات رقم زد

پسندیده نیست، اما با وجود چاپ این آثار حجیم در عرصه کتاب کودک و نوجوان و استقبال مخاطب از آن‌ها، هنوز آثار آذریزدی بر این‌گونه کارها برتری دارد.

او دلایل برتری آثار آذریزدی بر دیگر بازنویسی‌های تولید شده در ادبیات کودک و نوجوان را چنین عنوان کرد: برتری آثار آذریزدی دو دلیل دارد؛ اولاً بکر و تازه است و از روی هیچ اثر دیگری تقلید نشده، دوم اینکه آثار آذریزدی از شخصیت نویسنده وام گرفته شده و صمیمیت، اخلاص و صداقت نویسنده موجب سادگی و روانی نشر کتاب‌هایش شده است.

خالق «عقاب‌های تپه ۶۰» تصریح کرد: آذریزدی را می‌توان به گونه‌ای آغازگر بازنویسی در ادبیات کودکان و نوجوانان دانست، اگر چه قبل از او هم عده‌ای این کار را انجام داده بودند، اما آغازگر است به این معنا که توانست وضعیت مناسب و ثابتی را در این عرصه به وجود آورد، پس «مهدی آذریزدی» را می‌توان به عنوان آغازگر بازنویسی قصه‌های قرآن و متون کلاسیک برای کودکان به حساب آورد.

این نویسنده در پایان گفت: نثر موجز، ساده و به دور از هرگونه پیچیدگی و پرگویی، از ویژگی‌های دیگر آثار آذریزدی است، اما متأسفانه او نویسنده‌ای تنها و دورافتاده است و با وجود اینکه ارزش بسیاری دارد، به او توجهی نمی‌شود.

گروه ادب: صداقت، صمیمیت، روانی و سادگی کلام آذریزدی در قصه‌هایش موجب شد تا آذریزدی در ادبیات کودک و نوجوان به چهره‌ای ماندگار و بی‌بدیل تبدیل شود و به عنوان یک نویسنده مورد قبول سایر ادیبان و نویسندگان ایران باشد.



«محمد رضا بایرامی»، نویسنده، در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: «مهدی آذریزدی» زمانی شروع به بازنویسی قصه‌های قرآن و ادبیات کلاسیک برای کودکان و نوجوانان کرد که آثاری از این دست بسیار محدود بود. او توانست به خوبی خود را جای مخاطب قرار داده و به زبان وی نزدیک شود، به همین دلیل توقعات مخاطب را برآورده می‌کرد.

نویسنده کتاب «بر لبه پرتگاه» بیان کرد: او به معنای مرسوم قصه‌گوست و یکی از ویژگی‌های آثار او نیز همین لحن قصه‌گویی است که موجب شده تا مخاطبان کتاب‌هایش به ویژه کودکان به آن علاقه‌مند شوند.

بایرامی ضمن انتقاد از برخی کتاب‌های نازل منتشر شده در حوزه بازنویسی کودک و نوجوان گفت: امروزه بازنویسی قصه‌های مذهبی در ادبیات کودک و نوجوان بسیار رواج یافته، تا جایی که برخی از نویسندگان به کتاب‌سازی از نوع نازل و شتابزده روی آورده‌اند که چندان

فتح الله بی نیاز:

اخلاص و سادگی را نمی توان از آثار آذربیدی جدا کرد



گروه ادب: «فتح الله بی نیاز» اخلاص و سادگی را رمز موفقیت و عنصر جدانشدنی آثار آذربیدی دانست.

این نویسنده و منتقد ادبیات داستانی در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی (ایکنا)، گفت: «مهدی آذربیدی» متن های کلاسیک و مذهبی را برای کودکان به زبان آنان به سادگی تمام روایت کرد و این بهترین کاری است که یک نویسنده می تواند برای نسل های مختلف انجام دهد.

او ادامه داد: این نوع تولید ادبی در کشورهای دیگر نیز در مقیاس وسیعی وجود دارد و قصه های متفاوتی از یک اسطوره به زبان ساده برای مردم روایت می شود، اما در ایران چندان توجهی به آن نشده است.

این منتقد با بیان این نکته که در گذشته و قبل از آذربیدی بازنویسی قصه های کلاسیک و مذهبی برای کودکان چندان رواج نداشت، گفت: در آن زمان تنها معدودی از نویسندگان به این کار همت داشتند و کار آذربیدی نمونه بسیار شاخص آن بود که پیچیدگی و وقت گیری قصه های کهن و کلاسیک را در خود نداشت، هر چند که متأسفانه این گونه کارهای معمولاً پیگیری نمی شود و نویسندگان زیادی به این کار وقت نمی گذارند.

او گفت: مجموعه «قصه های خوب برای بچه های خوب» مجموعه ای بود که نویسنده آن با تحقیق و تفحص فراوان و درک کامل دنیای کودکان به بازنویسی قصه های پر دخت و او با زبان ساده و روان قصه های کلیله و دمنه، مثنوی معنوی و قصه های قرآن که پیچیدگی های خاص خود را دارند، برای کودکان، نسلی که آن روز در ادبیات داستان چندان توجهی به آنان نمی شد، بازنویسی کرد.

بی نیاز ادامه داد: رمز موفقیت نویسندگان کودک و نوجوان نیز در تحقیق و پژوهش و درک دنیای کودکان و زبان آن ها نهفته است؛ رمزی که آذربیدی به خوبی به آن پی برده است.

او در پایان افزود: برای موفقیت یک اثر ادبی علاوه بر ویژگی های نویسنده، ناشران نیز باید در معرفی ارزنده کتاب به جامعه و مخاطبان بکوشند.

قدمعلی سرامی:

قصه های آذربیدی در گوش نسل ها طیننی دل نشین دارد

گروه ادب: «قدمعلی سرامی» قصه های آذربیدی را برای کودکان همه نسل ها مناسب دانست و گفت: قصه های آذربیدی در گوش نسل های مختلف طیننی دل نشین دارد.

این نویسنده و پژوهشگر در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، افزود: «مهدی آذربیدی» با صداقت درونی خود به بازنویسی آثاری برای کودکان دست زد که تا پیش از آن نه تنها برای کودکان، بلکه برای بزرگسالان عوام نیز چندان مفهوم نبود. او به زیبایی ها و رمزهای قصه های قرآن پی برده و آن را برای کودکان و نوجوانان بازگو کرد.

سرامی افزود: آذربیدی هم چنین پیچیدگی داستان های کلاسیک مانند «کلیله و دمنه» را برای کودکان و نوجوانان ساده و قابل فهم کرد و سعی کرد روح آنان را از همان دوران کودکی با قرآن و داستان های اخلاقی کلاسیک پیوند دهد.

او ادامه داد: ویژگی مهم آثار آذربیدی این است که تنها برای کودکان نگارش نشده، بلکه برای والدین آن ها نیز درس هایی آموزنده دارد؛ او در برخی از کتاب هایش اصول تربیت کودکان را به زیبایی در متن های خود نهفته و ارتباط خوب و کاملی با دنیای کودکان آن زمان و کودکان همه نسل ها برقرار کرد، ارتباطی که با گذشت زمان گسستی در آن حاصل نشده و نمی شود.

نویسنده کتاب «چار فصل دوستت دارم» گفت: لحن آذربیدی در کتاب هایش به گونه ای است که گویی یک کودک برای کودکان دیگر قصه می گوید، البته با زبان فاخر و در عین حال صمیمی و ساده به این کار پرداخته است.

خالق کتاب «قاشق جادوگر» مهمترین دغدغه آذربیدی را نوشتن برای کودکان و نوجوانان دانست و عنوان کرد: این دغدغه ای بود که شاید دیگر نویسندگان کودک آن زمان نداشتند و همین امر آذربیدی را نویسنده ای ماندگار کرد.

سرامی در پایان گفت: ادامه دار بودن کتاب های آذربیدی نیز ویژگی دیگری بود که داستان هایش را خواستنی تر می کرد و راز ماندگاری آن در طول دوران، لحن دوست داشتنی و به دور از نصیحت وی بود.

یادآوری می شود «قدمعلی سرامی» دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است و از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۹ به عنوان پژوهشگر و رییس مرکز بررسی آثار کودکان و نوجوانان در «کانون پرورش فکری کودک و نوجوان» به فعالیت پرداخته است.

از وی تاکنون آثار منظوم و منثور بسیاری منتشر است که از آن میان می توان به «لبخند آرزو»، «از رنگ گل تاریخ خار»، «از خاک تا افلاک»، «از دو نقطه تا همه چیز» و «تا زادن سپیده دم» اشاره کرد.



حسین بکایی:

آذربیدی در تمام آثارش مخاطب را فراموش نمی‌کند

کودک و نوجوان امروز ما در همان دوره شروع به آفرینش اثر کردند. نویسنده کتاب «فرار از عقل، از تشکیل امپراتوری سلجوقی تا حمله مغول» با بیان این نکته که بازنویسی در ادبیات کودک و نوجوان نیز از آذربیدی و نویسندگان هم‌دوره‌اش آغاز شد، گفت: بازنویسی‌هایی که مهدی آذربیدی انجام داد، با بازنویسی‌هایی که در دهه بیست صورت گرفته تفاوت دارد، چرا که بازنویسی آذربیدی صرفاً برای کودک و به زبان کودک و نوجوان است، اما بازنویسی‌های دیگر در قالب ادبیات فولکلور (عامیانه) بود.

بکایی درباره نحوه آشنایی خود با آثار آذربیدی گفت: «در کلاس چهارم ابتدایی در مدرسه‌ای اسلامی درس می‌خواندم که دانش‌آموزان را با برنامه‌های مذهبی انس و الفت می‌داد، یکی از کتاب‌هایی که معلمان و مسئولان مدرسه به ما معرفی می‌کردند، مجموعه

«قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» مهدی آذربیدی بود، مدرسه برای آشنایی ما با معارف اسلامی و قرآنی ما را تشویق به خواندن این کتاب‌های شیرین می‌کرد».

او در پایان گفت: این آشنایی در طول سالیان ادامه داشت و آخرین ارتباط من با مهدی آذربیدی به سال ۱۳۷۷ مربوط

می‌شود، که او نامه‌ای در ۵ صفحه با خط ریز برایم نوشته بود. در این نامه آذربیدی از روزگار و تنهایی گلایه داشت و در کنار دردل‌هایش نه تنها رنگی از خواسته‌ها و نیازهایش نبود، بلکه صمیمیت و سادگی از کلامش موج می‌زد.

گروه ادب: به اعتقاد «حسین بکایی» مهدی آذربیدی در سراسر کار خود مخاطب کودک و نوجوان را در نظر گرفته و برای آنان شروع به نوشتن کرد و این نکته کار او را از سایر کارهای بازنویسی متمایز می‌کند.



این نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، گفت: «مهدی آذربیدی» در دوره‌ای شروع به بازنویسی قصه‌های قرآن و کلاسیک برای کودکان کرد که ادبیات کودک و نوجوان به صورت جدی آغاز شده و به عنوان شاخه‌ای مستقل در حال تشکیل بود.

وی ادامه داد: تقریباً اولین کتاب‌های جدی در حوزه کودک و نوجوان سال ۱۳۲۸ به چاپ رسید. مجله کودک و نوجوان کم‌کم به راه افتاد و در دهه چهل عملاً ادبیات کودک به عنوان شاخه‌ای مستقل به صورت جدی تشکیل شد و شاعران و نویسندگان برجسته



اسماعیل امینی:

آثار آذربیدی الگویی برای نوآوری ادبی در پرتو دین و ارزش‌های ملی است



گروه ادب:
آثار «مهدی آذربیدی» الگویی برای نوآوری ادبی در پرتو مذهب و ارزش‌های ملی است و نویسندگان همواره می‌توانند با الگو قرار دادن ویژگی‌های نثر آذربیدی به خلق اثر بپردازند.

«اسماعیل امینی» شاعر، منتقد و طنزپرداز در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: قرآن کریم رکن اصلی فرهنگ ملی و دینی ماست، بنابراین هر کاری که برای معرفی داستان‌های قرآنی و مفاهیم قرآنی انجام شود، خدمت به فرهنگ ملی است. کاری که «مهدی آذربیدی» در بازنویسی داستان‌های قرآنی به زبانی که کودکان و نوجوانان بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، انجام داد، خدمت بسیار بزرگی است.

او ادامه داد: قبل از آذربیدی بازنویسی قصه‌های قرآنی به شیوه پراکنده رواج داشت، اما آثار آذربیدی به نوعی آغازکننده این راه به شیوه منسجم بود و حق تقدم در بازنویسی این‌گونه قصه‌های قرآنی با ایشان است، او همه قصه‌های قرآنی را یک جا جمع کرد و از نثر بسیار شیوایی که هم ساده و رساست و هم مستحکم، استفاده کرد.

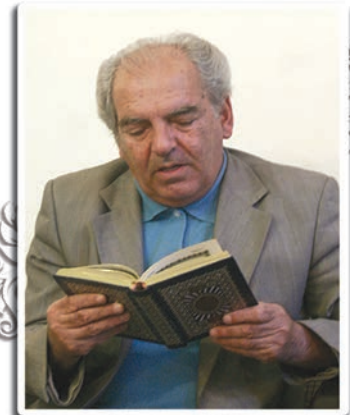
امینی با بیان اینکه آذربیدی راهی تازه در فن بازنویسی قصه‌های قرآنی گشود، گفت: آثار آذربیدی به عنوان عاملی تأثیرگذار در تولید آثار دینی و قرآنی برای کودکان و نوجوان نقش ایفا کرد. مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» فضای ادبیات کودک و نوجوان چندین نسل را پر بار و غنی کرد و من خود با همین داستان‌ها مطالعات ادبی ام را شروع کردم.

او در پایان با اشاره به لزوم حمایت مسئولان از افرادی مانند آذربیدی گفت: «مهدی آذربیدی» و دیگر اساتید برجسته توقع چندانی از مسئولان دولتی ندارند و کار خود را خدمت به فرهنگ می‌دانند، اگر چه آن‌ها اهل گله کردن نبوده و نیستند، اما این، رفع مسئولیتی از گردن مسئولان نمی‌کند و ما وظیفه داریم حق آنان را به عنوان مفاخر فرهنگی و ارزش‌های ملی به جا بیاوریم.

«مهدی آذربیدی»؛

صیاد قصه‌های ژرف قرآن برای کودکان

گروه ادب: مهدی آذربیدی بی‌هیچ چشمداشت و تنها از سر شوق و ایمان قصه‌های قرآن را به زیباترین نثر برای کودکان و نوجوانان نگارش کرد و باید او را صیاد قصه‌های ژرف قرآن برای کودکان دانست.



«غلامرضا امامی» نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: «مهدی آذربیدی» در سال‌های پیش از انقلاب که بازآفرینی و نوشتن قصه‌های قرآنی برای نوجوانان چندان رسم نبود، بی‌هیچ چشمداشت و تنها از سر شوق و ایمان قصه‌های قرآن را به زیباترین نثر برای کودکان و نوجوانان نگارش کرد.

او ادامه داد: «مهدی آذربیدی» صیاد لحظه‌های شوق، شور و ایمان برای نسل جوانان آن دوران و دوران‌های بعد بود؛ مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» اثر بزرگ او بود که جوانان و نوجوانان را با مفاهیم و قصه‌های قرآن آشنا کرد؛ نسلی که پیش از آن توانایی دسترسی به مفاهیم والا و عمیق قصه‌های قرآن را نداشت.

نویسنده کتاب «عبادتی چون تفکر نیست» با بیان این مطلب که آذربیدی دریچه‌های تازه‌ای از زیبایی معنوی برای نسل نوجوان گشود، گفت: کار آذربیدی آن چنان ژرف و زیباست و با صدق و راستی آمیخته شده که هم چنان مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» او برای نسل دیروز و امروز خواندنی است. خواندنی است تا وقتی که خورشید از شرق طلوع می‌کند و ماه در آسمان شب می‌درخشد.

امامی تصریح کرد: قرآن این کتاب عظیم آسمانی، مفاهیم بزرگ انسانی را در لابه‌لای قصص قرار داده، قصه‌های نگاشته شده توسط انسان‌ها ممکن است دور از واقعیت و یا حاصل بازآفرینی و تخیل اندیشه مؤلف باشد، اما قصص قرآن، قصه‌هایی است واقعی که در زیر این آسمان و روی زمین اتفاق افتاده است.

این مترجم در پایان تأکید کرد: قصه‌های قرآن تا زمانی که انسان بر این زمین پا می‌فشد، جذاب است، بنابراین این جذابیت، انسانی را می‌طلبید که آن را به زبان نسل خود بازآفریند و «مهدی آذربیدی» این کار را در نهایت هنر به انجام رسانید. به همت بلند این مرد و با پشتکار به یاد ماندنی این مرد ساده، صبور و با شوق و ایمان، خشت‌های زیبای ادب فارسی روی هم چیده شد، تا بنایی زیبا در برابر چشم جان ما پدید آورد، باید به او آفرین گفت، بر دست‌های او بوسه زد و گام‌هایی که این راه را طی کرده با عشق نظاره کرد.



معانی اخلاقی و پند آموز شاخصه اصلی آثار «آذریزدی»

باروری خود را مدیون کتاب‌ها و آثار آذریزدی هستند. او ادامه داد: با وجود نویسندگان فراوانی که در زمینه بازنویسی متون کهن و قصص دینی و قرآنی فعال شده‌اند، باز هم کتاب‌های آذریزدی در صدر است و دوره چاپ آن‌ها به رقم بالایی دست پیدا کرده است. این نویسنده و پژوهشگر کودک و نوجوان دلیل استقبال از آثار آذریزدی را پربار بودن از آموزه‌های اخلاقی دانست و گفت: دلیل استقبال فراوان اولیا و مربیان از داستان‌های آذریزدی برای کودکان آن بوده است که آذریزدی در کتاب‌هایش به غیر از حسن سلیقه در انتخاب داستان‌ها برای بازنویسی، آن‌ها را به شیوه‌ای برگردانده است که مخاطب بعد از خواندن داستان تنها زمانی را برای پر کردن اوقات فراغت نگذرانده، بلکه پس از آن آموزه‌های اخلاقی نیز نصیبش شده است.

او درباره توجه مسئولان به آذریزدی گفت: در این سال‌های اخیر توجه مسئولان امر نسبت به آذریزدی خوب بوده، اما او پس از ۸۰ سال عادت به نوع زندگی خاص خود که همراه با سادگی است، نمی‌پذیرد که به‌طور مثال در خانه‌ای بزرگ و با حضور خدمتکار زندگی کند، تنها امری که می‌توان به آن متوجه بود انتشار کتاب‌های آذریزدی است. او افزود: انتشارات امیرکبیر هر ساله در دو نوبت کتاب‌های آذریزدی را به چاپ می‌رساند و اغلب همین آثار او مورد استقبال بیشتری است در صورتی که بسیاری از آثار آذریزدی از سوی انتشارات‌های شهرستان یزد به چاپ می‌رسد که با توجه به آن‌که این آثار نیز بسیار خواندنی و مورد استفاده کودکان و نوجوانان است، اما به علت شهرستانی بودن انتشارات در دسترس همگان قرار نگرفته و کمتر شناخته شده است.

مسرت در پایان گفت: انتشارات «اندیشمندان یزد» در حال چاپ کتاب‌های جدید دیگری از آذریزدی است و او به انتشارات «امیرکبیر» نیز قول نوشتن دو مجموعه پایانی از مجموعه ۱۰ جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را داده است، در عین حال کتاب‌های دیگری از جمله «خاطرات آذریزدی» نیز جزو کارهای آینده او به‌شمار می‌رود.

گروه ادب: شاخصه انتخاب «مهدی آذریزدی» در قصه‌های قرآنی جدا از شکل‌پذیری آن از جهت داستانی، پربار بودن این داستان‌ها از معانی اخلاقی و پندآموزی است که باعث رشد جنبه‌های انسان‌سازی شده و می‌تواند ذهن کودک را آماده کند.



«حسین مسرت» نویسنده و پژوهشگر کودک و نوجوان در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: قرآن کتابی است که برای انسان‌سازی آمده تا در تمامی دوران‌ها و برای همه نسل‌ها راه صحیح زیستن را بیاموزد، قرآن در خود ادبیات خاصی دارد و اگر کودک بخواهد با گنجینه واژگان محدود ذهنی خود با آن روبرو شود از پس فهم و درک آن برنخواهد آمد و نقش نویسندگانی چون آذریزدی در این مقطع خودنمایی می‌کند که با بازنویسی و ساده‌نویسی این مفاهیم آن‌ها را به ذهن کودک منتقل کند.

او ادامه داد: ما برای آموختن قرآن به کودکان نیز از سوره‌های کوچک‌تر با واژگان راحت و کلمات ساده‌تر استفاده می‌کنیم، آذریزدی همین تعمد را در نوشتن داستان‌های خود به‌کار برده و موفقیت او نیز در همین بوده است. سعی مهدی آذریزدی در بازنویسی قصه‌های قرآنی آن بود که بتواند این داستان‌ها را با انتخاب واژگانی مناسب که به ذهن کودک نزدیک‌تر هستند، دوباره بازنویسی کرده و آن‌ها را مورد استفاده این گروه سنی قرار دهد.

مسرت درباره جایگاه آثار آذریزدی در میان مخاطبانش گفت: ما در گفتار نویسندگان بزرگ و از کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سفر ایشان به یزد، می‌شنویم که عنوان شده نسل‌های بسیاری رشد و

بهره‌مندی از آموزه‌های اخلاقی در داستان‌های آذریزدی

آذریزدی در کتاب‌هایش به غیر از حسن سلیقه در انتخاب داستان‌ها برای بازنویسی، آن‌ها را به شیوه‌ای برگردانده است که مخاطب بعد از خواندن داستان تنها زمانی را برای پر کردن اوقات فراغت نگذرانده است بلکه بعد از آن آموزه‌های اخلاقی نیز نصیبش شده است



«مودنی» نویسنده و خادم قرآن:

درک قصه های قرآن و متون کهن به قلم مهدی آدریزدی آسان می شود

گروه ادب: مهدی آدریزدی قصه های سنگین مولوی و داستان های قرآنی را به زبان ساده برای گروه سنی کودک و نوجوان بازنویسی و به صورت شیرینی روایت کرده است. با این کار به میلیون ها نوجوان در رسیدن به فرهنگ عالی کشورمان یاری رسانده است.

مودنی با ذکر این مطلب که زمانی برای گروه سنی نوجوان

تدریس ادبیات می کردم، گفت: در آن دوره

کتاب های آدریزدی را به کلاس درس

می بردم و از آن ها برای رساندن مفاهیم

عمیق دینی و فرهنگی استفاده

می کردم، کتاب های آدریزدی برای

بچه ها جذاب بود و این مفاهیم حتماً

نیازمند تفسیر بود و صرف خواندن باعث

نمی شد که بچه ها کاملاً به عمق مطلب

تلاش آدریزدی برای فرهنگ

این شخصیت فرهنگی عمر خود را صرف روایت و بازنویسی متون قدیمی کرده و با این کار به میلیون ها نوجوان در رسیدن به فرهنگ عالی کشورمان یاری رسانده است

پی ببرند.

او تأکید کرد: آثار آدریزدی می تواند برای کودکان و نوجوانان و

حتی جوانان و دانشجویان مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. در

مواقعی که فرصت و امکان مراجعه به آثار کهن مثل کلیله و دمنه یا

مثنوی برای درک کلی داستان های موجود در آن ها وجود نداشته

باشد کتاب های آدریزدی می تواند راهگشا باشد.

او در پایان تصریح کرد: مسئولان فرهنگی باید قدر این آثار را

بدانند چرا که آدریزدی عمر خود را صرف شناساندن متون کهن و

قرآن به کودکان و نوجوانان کرده است.

«علی مودنی»، نویسنده و خادم قرآن کریم

در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران

(ایکنا) با بیان این مطلب گفت: آدریزدی

در بیان قصه های کهن و قرآن، نه چیزی

از آن ها کم و نه مطلبی اضافه کرده است

و هنر آدریزدی آنجا خودنمایی می کند

که با وجود آوردن این داستان های

عرفانی بدون استفاده از تخیل و یا پیچیدگی های

ادبی توانسته مخاطب خود را بیابد و حتی نسل ها آن را ادامه

دهد.

او افزود: ما در آثار آدریزدی با متونی طرف هستیم که درک

آن ها برای گروه سنی کودک و نوجوان سخت و سنگین است، اما با

قلم آدریزدی خواندن و درک آن ساده تر می شود و این باعث

شده است که این گروه سنی با متون کهن ما آشنا شوند و به

مفاهیم عمیق آن پی برده که این موضوع به ساخت شخصیت و

پخته شدن آن کمک می کند.

نویسنده کتاب «ملاقات در شب آفتابی» گفت: این شخصیت

یدالله جلالی پنداری: همه زندگی آذریزدی در کتاب‌هایش خلاصه می‌شود

شیر خشک حاوی حبوبات و ادویه با برچسب‌هایی که خودش درست کرده بود و در کنارش کتاب‌هایی که هنوز از کارتن بیرون نیامده بود، از کارتن‌های کنار هم چیده تختی ساخته بود هم برای خواب و هم برای نشستن! در آن خانه زیاد دوام نیاورد خانه موقوفه بود و هر سال در محرم می‌خواستند در آن روضه بخوانند و او باید همه زندگیش را دوباره می‌گسترده و این برایش عذابی الیم بود، به همت ارشاد یزد خانه‌ای در کوی خواجه خضر برایش دست و پا کردند و چندین سال در آنجا بود.

در این مدت با این که خیلی کم او را می‌دیدم، اما با هم بسیار مرتبط بودیم، شخصیت کتبی او من را برانگیخته بود تا برایش نامه بنویسم. نامه‌ای می‌رفت و هفته بعد جوابی می‌آمد، از صندوق به صندوق؛ هر دو

در اداره پست صندوق پستی داشتیم، اما گاهی نیز آذر بزرگواری می‌کرد و هم‌چنان که از کوچه ما می‌گذشت نامه را در هشتی خانه می‌انداخت. با این که هر دو در مرکز شهر ساکن بودیم، اما به جای دیدار و صحبت‌های تلفنی این نوشتن‌ها ادامه پیدا کرد یک‌بار نیز از او دعوت کردم تا در کلاس درس ادبیات معاصر برای دانشجویان صحبت کند، آمد و گفت و در میانه کلام گریه در گلویش شکست و همه ما نیز گریستیم، سادگی معصومانه کودک‌وار او همه را متأثر می‌کرد...

همه زندگی آذریزدی در کتاب‌هایش خلاصه می‌شود، دل‌بستگی او به آن‌ها بیش از دل‌بستگی عیال‌وار به زن و فرزند بود، اما سرانجام روزی فرا رسید که از ترس طماعی که به کتاب‌هایش چشم طمع دوخته بود، آن‌ها را یک‌جا به ارشاد بخشید، تا در کتابخانه‌ای به نام خودش نگهداری کنند.

اکنون خوشحالم که او در سن ۸۷ سالگی تقریباً سرحال است و در زادگاه خود و هم‌چنان در خانه خود روزگار می‌گذراند.

گروه ادب: «یدالله جلالی پندری»، نویسنده و مدیر گروه آموزشی ادبیات فارسی دانشگاه یزد در کتاب «زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مهدی آذریزدی»، یادداشتی با عنوان «دوست مکاتبه‌ای» نوشته و در آن معتقد است زندگی آذریزدی در کتاب‌هایش خلاصه می‌شود.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، جلالی پنداری در این یادداشت می‌نویسد: «سال‌های کودکی ما با کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» پیوند خورده بود، ظاهراً بچه‌های خوبی بودیم، اما کتاب‌های آذریزدی برای ناخوب‌ها هم نوشته شده بود تا آن‌ها را خوب و خوب‌تر کند. سال‌های نوجوانی بسیاری از نوجوانان با کتاب‌های آذریزدی پیوند خورده است و ما که یزدی بودیم به

سبب پسوند یزدی نام او بیشتر مشتاق بودیم که کتاب‌هایش را بخوانیم و خواندیم، سال‌ها گذشت و هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم که روزی روزگاری او را در یزد ببینم. اما در ۲۱ مرداد ۱۳۷۲ مراسمی برای او در کنار آلاچیق خانه صراف‌زاده (موزه قصر آئینه) برگزار کردند و نخست‌بار او را دیدم، کیسه‌ای در دست می‌گفت هم کتابدان است و هم ساک خرید!

استقبال گرم یزدی‌ها از او باعث شد تا صفحه دیگری از سادگی ضمیر خود را بگشاید و سال بعد به یزد نقل مکان کند، ابتدا قرار بود در خانه مرحوم وزیر بنیان‌گذار کتابخانه وزیری یزد که شهرداری تاریخی مشغول مرمت آن بود، مستقر شود، اما کار مرمت آن قدر طول کشید که سرانجام به خانه‌ای در حوالی دبیرستان قدیمی ایرانشهر رضایت داد، روزی با آقای مسرت به دیدارش رفتم، شگفت‌زده شدم! ساده‌زیستی بیش از آنچه درباره قدما خوانده بودم، چراغ نفتی و قابلمه‌ای بر روی آن، چراغی دیگر و کتری و قوری بر آن، در گوشه دیگر انواع قوطی‌های

آثار آذریزدی نمونه‌ای موفق در باز نویسی آثار کهن

به نظر می‌رسد یک کار جدی در عرصه مباحث نظری ادبیات کودک و نوجوان آن است که ساختار و روش روایت داستان در شیوه‌های سنتی بررسی شود که آثار آذریزدی نمونه‌های خوبی در استفاده از این روش‌ها است

خلاصه می‌شود، دل‌بستگی او به آن‌ها بیش از دل‌بستگی عیال‌وار به زن و فرزند بود، اما سرانجام روزی فرا رسید که از ترس طماعی که به کتاب‌هایش چشم طمع دوخته بود، آن‌ها را یک‌جا به ارشاد بخشید، تا در کتابخانه‌ای به نام خودش نگهداری کنند.

اکنون خوشحالم که او در سن ۸۷ سالگی تقریباً سرحال است و در زادگاه خود و هم‌چنان در خانه خود روزگار می‌گذراند.



منوچهر اکبرلو: آدریزدی در بازنویسی قصه های قرآن از شیوه های سنتی بهره گرفته است

که ساختار و روش روایت داستان در شیوه های سنتی بررسی شود که آثار آدریزدی نمونه های خوبی در استفاده از این روش ها است.

این نویسنده همچنین به بیان تفاوت کار آدریزدی و دیگر بازنویسان پرداخت و گفت: آدریزدی در بازنویسی از شیوه های سنتی بازآفرینی استفاده می کند و دیگران می کوشند از روش های داستان نویسی مدرن بهره ببرند.

اکبرلو به دلایل نبود توفیق سایر بازنویسان در امر اقتباس اشاره و تأکید کرد: آشنا نبودن بازنویسان به شیوه ها، ساختارها و شگردهای مدرن، سبب نبود موفقیتشان در این زمینه شده است. در همین زمینه می توان گفت که بازنویسی های آن ها چیزی جز ساده کردن لغات مشکل نیست؛ اما آدریزدی آگاهانه از روش های سنتی استفاده کرد.

او در پایان با تأکید بر شناخت کلیت اصول بازنویسی گفت: حتی اگر در بازنویسی در صدد آن باشیم که شیوه خلاقانه برای روایت ارائه دهیم، این امر حاصل نخواهد شد، مگر آن که از لحاظ نظری به شیوه ها و ساختارها مسلط باشیم. بدون این شناخت بازنویسی ها شبیه به هم خواهد شد.

گروه ادب: ویژگی مهم آثار آدریزدی آن است که شیوه بازنویسی قصه های قرآن او بر اساس داستان گویی ها و نقل های سنتی است.



«منوچهر اکبرلو» پژوهشگر، روزنامه نگار و نویسنده در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن بیان مطلب فوق و با اشاره به این که آدریزدی به عنوان یکی از پیشگامان جدی و پیگیر بازنویسی است،

آثار آدریزدی نمونه ای موفق در بازنویسی آثار کهن

به نظر می رسد یک کار جدی در عرصه مباحث نظری ادبیات کودک و نوجوان آن است که ساختار و روش روایت داستان در شیوه های سنتی بررسی شود که آثار آدریزدی نمونه های خوبی در استفاده از این روش ها است

از اظهار کرد: مجموعه آثار آدریزدی از نظر کمی و کیفی در ژانر ادبیات کودک و نوجوان، بازنویسی متون کهن و داستان های قرآنی سبب توفیقش شده است.

این منتقد با بیان اینکه آدریزدی با بهره گیری از روش قصه گویی داستان ها را بازگویی می کند، ادامه داد: این کار سبب می شود که حتی مخاطبان بزرگسال نیز به آثار او تمایل داشته باشند. این روش تا زمان حاضر جواب پاسخگوی نیاز بسیاری از نویسندگان و مخاطبان است.

خالق اثر «تعزیه برای نوجوانان» با بیان این که باید از شیوه های سنتی آدریزدی بهره گیری کرد، افزود: به نظر می رسد یک کار جدی در عرصه مباحث نظری ادبیات کودک و نوجوان آن است



خاطره‌ای از «علی محمد رفیعی» درباره مهدی آذریزدی کتابی که برای من مائده آسمانی بود

است نسل‌های جدید هم شنیده باشند و بدانند که بیشترین قبولی دانشگاه‌های درجه یک در آن زمان را دانش‌آموزان مستعد این دبیرستانها تشکیل می‌دادند، در میان دبیرستان‌های دولتی سطح بالا هم نام دارالفنون و مروی بیش از همه می‌درخشید.

در نظام قدیم آموزش متوسطه ایران، طول دوره دبیرستان شش سال بود که شامل دو سیکل سه‌ساله بود، سیکل دوم به سه رشته ریاضی، طبیعی و ادبی تقسیم می‌شد. من دانش‌آموز دبیرستان آذر شماره ۲ در رشته ریاضی و علاقه اصلی من به ریاضیات محض بود، اما در خانواده‌ای اهل شعر، ادبیات و مطالعه متون کهن بزرگ شده بودم و کلاس‌های آموزشی و مطالعات و علاقه‌های جنبی بسیاری نیز داشتم. از آموزش خوشنویسی و موسیقی کلاسیک خارجی و زبان‌های فرانسه و عربی و مطالعه روزنامه‌ها و مجلات بسیار و گردآوری مجموعه‌های تمبر و کبریت و سکه و عتیقه و کتاب و نشریات قدیمی و خواندن کتاب‌های ریاضی جدید به‌ویژه آنالیز ریاضی دکتر «غلام حسین مصاحب» و ادبیات به‌ویژه شعر گرفته تا مطالعه دایره‌المعارف‌ها و

گروه ادب: یادداشت زیر خاطره‌ای است از «سیدعلی محمد رفیعی» نویسنده و پژوهشگر دینی درباره «مهدی آذریزدی» که به صورت اختصاصی در اختیار ایگنا قرار داده شده است.



«سیدعلی محمد رفیعی» در این یادداشت می‌گوید: «اوایل سال ۱۳۵۵ خورشیدی بود. من در سال ششم دبیرستان (نظام قدیم) تحصیل می‌کردم و مانند همه دانش‌آموزان سال آخر در این وقت سال، امتحان نهایی و سپس کنکور را پیش رو داشتم. در آن زمان چند دبیرستان ملی (و به تعبیر امروزی غیرانتفاعی) یا «گروه فرهنگی» در تهران وجود داشت که از معتبرترین دبیرستان‌های ایران به شمار می‌آمدند و سطح تدریس در آن‌ها بالاتر از دیگر مدارس بود و دبیران آن‌ها از سرشناس‌ترین دبیران ایران بودند، برخی از این دبیران هم از مؤلفان کتاب‌های درسی و طراحان سؤال‌های امتحان نهایی به شمار می‌آمدند. نام دبیرستان‌ها و گروه‌های فرهنگی «آذر»، «البرز»، «خوارزمی»، «علوی»، «مرجان»، «هدف» و یکی دو مورد دیگر را ممکن

احتمال قبولی آنها در کنکور بیش از دیگر فرزندان ایران باشد؛ با این کار در واقع پذیرفته‌ایم که نظام آموزشی رسمی ایران به گونه‌ای طراحی شده است که متون آموزشی آن به دانش آموز، چیزی کمتر از حد قبولی در کنکور می‌دهد، و این نقیصه را فرزندان کسانی که پول بیشتری دارند، می‌توانند با پرداخت هزینه شرکت در کلاس‌های آمادگی کنکور جبران کنند.

به هر حال، برای من در آن سن، افتخار دانش آموز دبیرستانی معروف بودن بس بود و تبعیض برخوردار از جزوه‌های تقویتی و آزمون‌های آزمایشی آن دبیرستان پذیرشی ناچار به شمار می‌آمد، اما من هم دوست داشتم در کنکور قبول شوم و بتوانم در رشته ریاضیات محض ادامه تحصیل دهم.

در چنین وضعیتی مجبور بودم دست‌کم کتاب یا کتاب‌هایی را برای آمادگی کنکور بخوانم، نقطه ضعف من در این زمینه، آزمون‌های به اصطلاح «هوش» بود. به ویژه شکل‌های عجیب و غریبی که سه مورد آن را نشان می‌دادند و بعد می‌پرسیدند که مورد چهارم کدام است.

کتاب‌هایی بسیار در این زمینه منتشر شده بود که نسبت به آن‌ها هم احساس خوشی نداشتم، اما نمی‌دانم از طریق آگهی روزنامه بود یا کتابفروشی یا چیز دیگری که متوجه شدم چند کتاب معدود و کم حجم در این زمینه به چاپ رسیده است. جلد سفید این مجموعه دو - سه - چهار جلدی را که دیدم، احساس خوبی به من دست داد. حروفچینی متن هم نشان می‌داد که باید کار

کارشناسی و روانشناسی خوبی در آن صورت گرفته باشد، با نگاه اولیه به متن کتاب‌ها، متوجه شدم که این مجموعه، به جای پاسخ‌های مکانیکی، نخست، آموزش‌هایی کلیدی برای یافتن راه حل‌ها به خواننده می‌دهد و در واقع کلیدهای حل مسئله را به همراه مثال‌هایی در اختیار مخاطب می‌گذارد، آن‌گاه مسائلی را مطرح می‌کند و سپس پاسخ‌های مستدل و تشریحی را می‌دهد، این همان چیزی بود که من می‌خواستم. خرید این کتاب‌ها هم هزینه بسیاری نداشت و دلم نمی‌سوخت که بسیاری از دانش‌آموزان ایرانی نتوانند این مجموعه را تهیه کنند.

مهدی آذربیدی یکی از نویسندگان این مجموعه، به ویژه جلد مربوط مربوط به تست هوش و اگر اشتباه نکنم، ادبیات فارسی بود. (متأسفانه این مجموعه را در تصفیه‌های مکرر کتابخانه‌ام، به این و آن یا اینجا و آنجا بخشیده‌ام و امیدوارم فرصتی پیدا کنم و بتوانم از جایی

کتاب‌های متفرقه به ویژه منطق و علوم تربیتی و روانشناسی. بنابراین وقت بسیار کمی برای درس خواندن می‌گذاشتم و طبیعتاً اگر نمره‌ای بالاتر از حد شاگردان متوسط می‌آوردم، بیشتر، یا از حافظه نسبتاً قوی و توجه در سر کلاس بود یا از مطالعات خارجی.

به‌طور طبیعی در این وضعیت، قبول شدن با رتبه بالا در امتحان نهایی و قبولی در کنکور چندان برای من امید نمی‌رفت. البته دبیرستان به دلیل همان امتیازهایش که گفتم،

جزوه‌های تقویتی متعددی به ما می‌داد. آزمون‌های آزمایشی کنکور را هم در چند نوبت برای دانش‌آموزان سال آخر برگزار کرده بود، بنابراین ترس کنکور از ما ریخته بود؛ ولی از آنجا که من نه وقت داشتم و نه حوصله شرکت در کلاس‌های جورواجور آمادگی کنکور که به وسیله مؤسساتی خصوصی برگزار می‌شد، هیچ‌گاه در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کردم و همیشه حس بدی نسبت به شرکت در کلاس‌های تقویتی و

آمادگی کنکور داشتم و دارم؛ به نظر من مقدار زمانی که صرف تشکیل دوره‌های تقویتی و شرکت در آن‌ها می‌شود، باید صرف آموزش بهتر در کلاس‌های رسمی و نگارش بهتر کتاب‌های درسی از سوی مسئولان و آموزگاران و درک و توجه بهتر و فکر و تلاش بیشتر برای درک مطلب از سوی دانش‌آموزان شود. بهتر از همه این‌ها کتاب‌های درسی باید به گونه‌ای خودآموز نوشته شوند و وقت کلاس‌های رسمی به مطالعه و درک بهتر کتاب‌های درسی بگذرد تا زحمت آموزگار و دانش‌آموز به

حداقل برسد و همه دانش‌آموزان کشور از یک سطح آموزش برخوردار باشند؛ تازه مگر همه فرزندان ایران، امکان شرکت در کلاس‌های تقویتی و آمادگی کنکور را دارند؟ اگر چنین چیزهایی لازم است و یک دانش‌آموز باید فنون تست‌زنی هم بداند، چرا این آموزش را به طور رسمی و به‌عنوان واحد درسی، همه دانش‌آموزان ایران فرا نگیرند؟ به علاوه، مگر درس خواندن چه اندازه اهمیت دارد که انسان بهترین سال‌های شورش و شوق جوانی خود را در کلاس درس و بقیه را در کلاس تقویتی و آمادگی طی کند و از فراگیری این همه دانش و هنر و فن و ورزش و مهارت مفید و روحبخش و کشف استعدادهای گوناگون خود باز بماند؟

دلیل دیگر احساس بدم نسبت به شرکت در این کلاس‌ها، تنفر من از تبعیض بود. به نظر من نه تنها هنری نبود، بلکه ستم بود که برخی دانش‌آموزان ایران به دلیل امکانات مالی پدرانشان بتوانند در کلاس‌های آمادگی کنکور شرکت کنند و برخی نتوانند. در نتیجه،

علی محمدر فیعی:

مهدی آذربیدی یکی از نویسندگان این مجموعه، به ویژه جلد مربوط مربوط به تست هوش و اگر اشتباه نکنم، ادبیات فارسی بود

پیش از آن هیچ کتابی از آذربیدی خوانده بودم، بلکه به جای چند جلد از مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» او که تا آن سال‌ها منتشر شده بود، در سال‌هایی حدود ۷ تا ۱۲ سالگی که به خواندن قصه‌های کودکان علاقه‌مند بودم، مجموعه داستان‌های مرحوم «صبحی» را خواندم بودم. سال‌های بعد هم کتاب‌های رمان بزرگسالانه را بیشتر ترجیح می‌دادم

هوش آن، آموزشی چنین منطقی و کلیدی نداشت، مطمئن بودم که دست کم در بخش تست هوش، نمره قابل قبولی در کنکور نخواهم آورد، اما اکنون ورق کاملاً برگشته بود و می توانستم مطمئن باشم که اگر یک یا چند نقطه فوت داشته باشم، بی گمان یکی از آنها آزمون هوش است.

با همه این احوال، وقتی تلاش و پیگیری همکلاسی ها را که همه از دانش آموزان نخبه تهرانی بودند و همه وقتشان در خواندن درس و شرکت در کلاس های متعدد و فوق العاده تقویتی و آمادگی کنکور می گذشت، با مطالعه حداقلی خود مقایسه می کردم، به هیچ وجه امیدوی به پیروزی در رقابت با امثال آنها حتی در رشته مورد علاقه خودم نداشتم گرچه در حین کنکور متوجه شده

بودم که نقطه ضعف عمده من - یعنی همان آزمون هوش، به نقطه قوت بدل شده است.

آن سال ها در خوشنویسی شاگرد نابغه بزرگ خوشنویسی معاصر ایران [شادروان] استاد «سیدحسن میرخانی» (سراج الکتاب) بودم. یادم هست که برای رهایی از فشار روحی احتمال قبول نشدن در کنکور، در روزهای آخر نزدیک به اعلام نتایج، نسخه ای از

دیوان حافظ را که آن استاد، خوشنویسی کرده بود، برداشتم، ظرف چند روز با دقت خواندم، غلط هایی را در آن یافتم و به استاد تحویل دادم، پدرم هم که به فراست متوجه ناراحتی من شده بود، نامه ای رسمی و احترام آمیز برایم نوشته بود با این مضمون که همه زندگی به قبولی در دانشگاه محدود نمی شود و خدا بزرگ است و هر چه خیر است پیش می آید و به خدا توکل کنید و از این حرف ها. هیچ وقت فکر نمی کردم که پدرم با آن همه اهمیتی که به درس و تحصیل علم می داد و با همه جدیت و سختگیری و خویشتنداری در ابراز محبت به خانواده و به ویژه به من و با همه اختلاف های فکری که با هم داشتیم، این همه مهربان باشد و در نامه اش مرا با عنوان: «حضور محترم نورچشمی، جناب آقای ...» خطاب کند.

نتایج آزمون ورودی سال ۱۳۵۵ دانشگاه های ایران که اعلام کردند، ناباورانه متوجه شدم که در کنکور، آن هم در رشته مورد علاقه ام قبول شده ام، رتبه من نشان می داد که اندکی کمتر از امتیازی که به دست آورده ام، عدم قبولی را برایم رقم می زده است و این یعنی آن که اگر تست های هوش را به آن خوبی نمی زدم و این نقطه ضعف خود را برطرف نمی کردم، در کنکور پذیرفته نمی شدم.

در هر حال، شاید بسیاری ندانند که نویسنده مجموعه «قصه های خوب برای بچه های خوب» چنین کتاب یا کتاب هایی نیز نوشته است، اما من قبولی خودم را در کنکور سال ۱۳۵۵ خورشیدی مدیون «مهدی آذربیدی» می دانم.

مانند کتابخانه مجلس آن را بازبینیم و اطلاعات دقیقتر را در این متن بگنجانم.)

پیش از آن هیچ کتابی از آذربیدی نخوانده بودم، بلکه به جای چند جلد از مجموعه «قصه های خوب برای بچه های خوب» او که تا آن سال ها منتشر شده بود، در سال هایی حدود ۷ تا ۱۲ سالگی که به خواندن قصه های کودکان علاقه مند بودم، مجموعه داستان های مرحوم «صبحی» را خواندم بودم. سالهای بعد هم کتاب های رمان بزرگسالانه را بیشتر ترجیح می دادم.

در هر حال، شاید بسیاری ندانند که نویسنده مجموعه «قصه های خوب برای بچه های خوب» چنین کتاب یا کتاب هایی نیز نوشته است، اما من قبولی خودم را در کنکور سال ۱۳۵۵ خورشیدی مدیون «مهدی آذربیدی» می دانم

امروز همه بخش های آن مجموعه مربوط به آمادگی برای کنکور را فراموش کرده ام، اما هیچ گاه فراموش نمی کنم که «مهدی آذربیدی»، در بخش مربوط به شکل های گوناگون در تست هوش، چگونه آموزش می داد که این شکل را که می بینید، در مرحله بعد، چگونه فلان جزء آن را ۹۰ یا ۱۸۰

درجه می چرخانند و یا جای فلان جزء سمت راست آن را با سمت چپ یا بالا را با پایین (یا به عکس) عوض می کنند، یا آن را به سمت دیگر می بزند یا از این ضلع به ضلع دیگر حرکت می دهند، چنین است که در مرحله سوم به چنین شکلی می رسمیم و شما می توانید به راحتی، مورد چهارم را پیدا کنید.

وجد و شفعی که از این کشف بزرگ و حل این معضل عظیم در آن زمان به من دست داد، وصف ناشدنی است، از آن به بعد پاسخ دادن به همه تست های هوش برای من مثل آب خوردن بود، بدون این که به کلاس های آمادگی کنکور و فنون تست زنی پانهاده باشم.

باز یادم نمی رود که این کتاب ها در بخش آموزش ادبیات فارسی و نیز زبان انگلیسی، یک فرمول از ترتیب یک جمله کامل را پیش روی خواننده می گذاشتند و او همه دستور زبان و گرامر را در آن می دید و متوجه می شد که در جمله بندی صحیح، جای فعل و فاعل و صفت های گوناگون و قیدهای زمان و مکان و غیر آنها و حروف مختلف به ترتیب در کجای جمله است.

برای من که می خواستم در رشته مورد علاقه خود در بهترین نظام تحصیلی دانشگاهی رشته ریاضیات محض آن هم در دانشگاه، دانشسرا، مؤسسه آموزش عالی یا مدرسه ای عالی که ریاضیات جدید را با روش دکتر مصاحب آموزش می دادند، پذیرفته شوم، اما می خواستم حداقل وقت را برای درس خواندن و آمادگی کنکور بگذارم، این مجموعه، مانده آسمانی بود. به ویژه اگر بخش تست

«سید محمد سادات اخوی» نویسنده:

داستان‌های آذربیدی قابلیت بهره‌گیری عملی در زندگی را دارد



گروه ادب: آثار «مهدی آذربیدی»، به ویژه جلد‌های مربوط به قصه‌های قرآن و معصومان (ع)، به این می‌ماند که برای زندگی و بهره‌گیری عملی از آن، انتخاب و بازنویسی شده است.

لازم است به زندگی پرفراز و نشیب و درس‌آموز او توجه کرد، حادثه‌های گوناگون، فراگیری خواندن و نوشتن او از راه مطالعه و «آرزوی مدرسه رفتن»، کلیده‌های رشد روحی و رسیدن او به جایگاه کنونی است.

نویسنده کتاب «مردی که زیاد می‌فهمد» درباره شیوه نگاه و انتخاب آذربیدی درباره متون کهن گفت: وقتی به آثار مشابهی که پس از او براساس متون کهن ادبی نوشته شده‌اند، نگاه می‌کنیم، متوجه یک‌دستی و تناسب انتخاب‌های آذربیدی از متون کهن می‌شویم. او در این زمینه اشاره کرد: در یک دهه اخیر، بیش از گذشته برای مهم است که آثار ادبی، دینی، به‌گونه‌ای نوشته شوند که برای بیشترین تعداد مخاطب، چه از نظر سنی و چه از نظر فکری، مناسب مطالعه باشند، باید اعتراف کنم که این دغدغه، وقتی برایم جدی شد که متوجه شدم بسیاری از نویسندگان هم‌نسل من، سال‌ها است که رشد می‌کنند، اما هنوز هم مخاطب آثار استاد آذربیدی مانده‌اند. در حقیقت، او توانسته این آرزوی نویسندگی را محقق کند که اثری نوشته شود، گستره مخاطبان آن از چند نسل و در هر نسل، سنین گوناگون باشد.

این نویسنده در پایان درباره شخصیت آذربیدی گفت: آنچه در شخصیت آذربیدی دلنشین است، سادگی زندگی، مطالعه پیوسته و رسیدن به لذت الهی انس با کتاب، کودکی و معصومی نهفته در روابط اجتماعی او است، آذربیدی مقید است از هرکس که برای او کاری انجام می‌دهد با شتاب، قدردانی کند.

انتخاب مناسب آذربیدی از متون کهن وقتی به آثار مشابهی که پس از او براساس متون کهن ادبی نوشته شده‌اند، نگاه می‌کنیم، متوجه یک‌دستی و تناسب انتخاب‌های آذربیدی از متون کهن می‌شویم

«سید محمد سادات اخوی» نویسنده در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب گفت: انتخاب‌های مناسب و متناسب از متون ادبی و دینی، ساده‌نویسی در مقابل نثر پرتکلف، پاسخ‌پیش‌دستانه به پرسش‌های ذهنی مخاطب و البته پیش از این‌ها اعتقاد عملی او به اصول و مفاهیم دینی، بخشی از ویژگی آثار دلپذیر آذربیدی است.

او افزود: مهم‌ترین نکته در آثار آذربیدی این است که مجموعه‌ای مانند «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، یک دوره شایان توجه برای حظ روحی و در کنار آن پرورش اخلاقی کودکان و نوجوانان است، از آنجا که خود او نیز با دشواری مطالعه آثار مهم ادبی و تاریخی روبه‌رو بوده است؛ مجموعه آثارشان پلی فراخ و ایمن برای رساندن مخاطبان به متون اصلی است.

سادات اخوی گفت: بارها و بارها مجموعه‌های او را برای کسانی در شرایط روحی گوناگون، اهدا کرده‌ام و این مخاطبان، همگی از مجموعه‌های او استفاده روحی و معنوی کرده‌اند. بی‌اغراق، می‌توانیم مهدی آذربیدی را به‌عنوان پدیده نویسندگی برای کودکان و نوجوانان بدانیم و معتقدم بیش از قلم و آثار ارزشمندش،



قابل تقدیر بوده و ارج و قربش همیشه محفوظ است. نویسنده کتاب «رویاهای جنوبی» با اشاره به این که در حوزه بازنویسی شناخت کافی از کار مبدأ، روح، زمان و زبان مهم است، تأکید کرد: شناخت از کار مبدأ اهمیت بسیاری دارد و در مرحله بعد باید به زبان و دنیای معاصر که آن اثر در رونش پرورش می یابد و دست به دست می چرخد، اشاره کرد.

اکبرپور اظهار کرد: کتاب و منبع اصلی بنا به دلایلی نمی تواند در اختیار عامه و طیف سنی خاصی قرار بگیرد؛ پس اگر همه بدانند که در اصل بازنویسی روح اثر حاکم است، شاید نظرشان در این حوزه تعدیل شود.

او در پایان گفت: آذربیدی و همه آنهايي که در زمره اولین ها هستند، همیشه باید مورد تقدیر قرار گیرند و از اصول آن ها هر چند که در زمان و مکان خاص خودش باید بررسی شود، الهام گرفت.

یادآوری می شود «احمد اکبرپور» در سال ۱۳۴۹ به دنیا آمد. تحصیلات خود را در شهرهای جهرم، شیراز و تهران تا مقطع کارشناسی در رشته روان شناسی به پایان رساند. عمده شهرت او بابت نگارش داستان های کودک و نوجوان است که برای وی جوایز متعددی از جمله کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را به ارمغان آورده است. اکبرپور عضو شورای کتاب کودک و نیز انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است.

احمد اکبرپور» نویسنده:

استاد آذربیدی قصه های قرآن را خلاقانه بازنویسی کرد

گروه ادب: استاد آذربیدی در بازنویسی ادبیات کلاسیک به ویژه بازنویسی قصه های قرآن در حوزه کودک و نوجوان بسیار وسیع و خلاقانه کار کرده است.



«احمد اکبرپور» نویسنده ادبیات

**آثار آذربیدی باگذشت زمان کهنه نمی شود
کارهای آذربیدی با گذشت زمان رنگ
کهنگی به خود نمی گیرد و آثار او در حوزه
کلاسیک، بسیار قابل تقدیر بوده و ارج و
قربش همیشه محفوظ است**

کودک و نوجوان در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان مطلب فوق گفت: استاد آذربیدی در دوره ای که پرداختن به ساده نویسی و اقتباس رواج چندانی نداشته است، توانست طرفداران خاص خود را در همه گروه های سنی پیدا کند و این موضوع جنبه خلاقانه کارش را نشان می دهد.

او ادامه داد: کارهای آذربیدی با گذشت زمان رنگ کهنگی به خود نمی گیرد و آثار او در حوزه کلاسیک، بسیار

آثار آذربیدی، در علاقه‌مندی کودکان به قصص قرآن بسیار تأثیر گذار بود

گروه ادب: برنده جشنواره داستان‌های قرآنی رمضان، با تأکید بر تأثیرگذاری آثار استاد بر علاقه‌مندی کودکان به قصص قرآن و سیره پیامبران گفت: ما به عنوان یک نسل سومی از زمان کودکی به وسیله آثار استاد آذربیدی با زندگی پیامبران آشنا شدیم.



«مژگان عباسلو» برنده جشنواره داستان‌های قرآنی رمضان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: تصویرسازی در قصه‌های استاد به شکلی است که وقتی آنها را می‌خوانی مثل آن است که در همان لحظه در فضای داستان هستی و آنرا می‌شنوی.

او گفت: آثار مهدی آذربیدی محدودیت زمانی نمی‌شناسد و برای تمامی نسل‌ها و دوره‌ها قابل استفاده است، در هیچ برهه از زمان برای کودکان و نوجوانان آن نسل کهنه و تکراری نمی‌شود و باید حتماً کودکان را از همان آغاز با این کتاب‌ها آشنا کرد.

این نویسنده و شاعر در ادامه تصریح کرد: آثار استاد آذربیدی تنها در حد یک کتاب نیست، بلکه می‌تواند در کتاب‌های تعلیمات دین و زندگی مدارس، استفاده شود و ای کاش متولیان بودند که به این امر بپردازند چراکه تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان از اینگونه آثار بیشتر است.

برنده چند دوره متوالی جشنواره اینترنتی طوبی

در باره زبان آثار استاد گفت: ایشان ادعایی نداشتند، آمده بودند که برای بچه‌ها بنویسند؛ نیامده بودند به سودی برسند یا بازار نشر را بگیرند، یا حتی یک کار ادبی ارایه دهند. عشق ایشان به بچه‌ها باعث شده بود که ارتباطی قوی با آثارشان برقرار شود؛ در تمام این آثار یک نوع یکنواختی و ثبات قلم وجود داشت که باعث شد در گذر سال‌ها تغییرات در عرصه ادبیات و تمایلات متغیر در بازار کتاب، باز هم آثار استاد از هر قشری و حتی در هر سنی خواهان داشته باشد.

نویسنده کتاب «مثل آوازهای عاشق تو» تصریح کرد: اتفاقاً همین شکل و شمایل جلد کتاب و یا عنوانی مثل: «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» گواه عشق و علاقه ایشان به

دنیا می‌شود و پاک
کودکان بود و دیگر
نمونه‌ای مثل ایشان
نمی‌توان پیدا کرد، اعجازی
که در قلم استاد هست در
دیگر آثاری که برای همین
مقطع سنی نوشته می‌شود
کمتر دیده می‌شود.

عباسلو در ادامه ضمن تأکید بر تکریم استاد آذربیدی، افزود: خیلی‌ها نمی‌دانند قصه‌گوی دوران کودکی آنان و نویسنده این آثار چه کسی بوده و شاید هیچ‌وقت هم به دنبال آن نروند، متأسفانه ما فکر می‌کنیم حتماً بعد از فوت این پیشکسوتان باید به معرفی بیشتر آنان پرداخت.

از این نویسنده هم‌اکنون کتاب «رسول عشق» در دست چاپ است که در آینده روانه بازار نشر خواهد شد.



مانند آذربیدی دیگر یافت نمی‌شود
همین شکل و شمایل جلد کتاب و یا عنوانی
مثل: «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» گواه
عشق و علاقه ایشان به دنیا می‌شود و پاک
کودکان بود و دیگر نمونه‌ای مثل ایشان نمی‌توان
پیدا کرد





«علی الله سلیمی» نویسنده:

آذربیدی از ادبیات قرآنی در بازنویسی متون بهره گرفت

زبانی شیوا حاصل خلاقیت آذربیدی خواند و گفت: آذربیدی به دو عصر ادبیات کلاسیک و مفاهیم قرآن و دین دست گذاشت و آن‌ها را ساده کرد و کودکان هم پذیرای قصه‌های او شدند. در حقیقت او ادبیاتی را که زبان فاخر، پیچیده و تمثیلی داشت را همگانی کرد که این موضوع از خلاقیت این نویسنده پیشکسوت حاصل می‌شود.

به گفته این نویسنده آذربیدی، مفاهیمی را برای کودکان و نوجوانان ساده کرد که چندان برای این گروه سنی خوشایند نبود و آثار او توانست پلی واسطه میان ادبیات سخت‌فهم و کودکان شود. او ادامه داد: در حال حاضر، نویسندگان بسیاری به عرصه بازنویسی قدم گذاشته‌اند که الگوهای بسیاری را داشته‌اند، اما

استاد آذربیدی زمانی به بازنویسی برای نوجوانان دست زد که الگویی وجود نداشت و تمامی آثار موجود برای بزرگسالان نگرش می‌شد.

سلیمی شناسایی نیاز جوانان را به عنوان دیگر شاخصه آذربیدی دانست و گفت: ما در حوزه ادبیات کلاسیک از جایگاه رفیعی برخوردار هستیم و آذربیدی توانست این قابلیت‌ها را شناسایی و آن را به‌عنوان یک تئوری در پیش گیرد و کار را برای نویسندگان بعدی آسان کند.

او در پایان با توجه به وظیفه نهادها در قبال شخصیتی مانند آذربیدی تصریح کرد: هر اندازه کاری برای امثال استاد آذربیدی انجام گیرد، کم است و وظیفه نهادهای مسئول این است که آبرومندان به زندگی این افراد رسیدگی کنند.

گروه ادب: یکی از ویژگی‌های شاخص «مهدی آذربیدی» کمک گرفتن از زبان متون کلاسیک و ادبیات قرآن در بازنویسی متون است.



«علی الله سلیمی» نویسنده در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با توجه به کاربرد مفاهیم قرآنی در آثار مهدی آذربیدی بیان کرد: استاد آذربیدی از جمله نویسندگانی است که در زمانی که ادبیات کودک و نوجوان در کشور ما به صورت خیلی جدی مطرح نبود با استفاده از بازنویسی متونی که ریشه در فرهنگ ما دارد و با کمک از مفاهیم قرآن، این خلار را پر کرد.

او با اشاره به این که آذربیدی در آثار خود، زبان و

ادبیاتی بی‌پیرایه را به کار برده است، تصریح کرد: آثار آذربیدی داستان‌هایی هستند که به دور از پیچیدگی‌های لازم است و کودکان و نوجوانان می‌توانند به آسانی از آن استفاده کنند و به‌همین دلیل این آثار به قصه‌های ماندگار تبدیل شده و به چاپ‌های متعددی رسیدند.

سلیمی با بیان این مطلب که آثار آذربیدی ارکانی ثابت در ادبیات کودک و نوجوان است، افزود: آثار نویسندگان دیگر ثابت

زیادی ندارد و در یک برهه می‌آید و می‌رود؛ اما آثار استاد آذربیدی به ارکانی ثابت در ادبیات کودک و نوجوان تبدیل شده و همواره ماندگار خواهد بود.

این نویسنده ساده کردن قصه‌های قرآن و متون کلاسیک را به

آثار آذربیدی به دور از پیچیدگی است

آثار آذربیدی داستان‌هایی هستند که به دور از پیچیدگی‌های لازم است و کودکان و نوجوانان می‌توانند به آسانی از آن استفاده کنند و به‌همین دلیل این آثار به قصه‌های ماندگار تبدیل شده و به چاپ‌های متعددی رسیدند

رسیدند



آدریزدی؛ شوریده‌ای نهان «مهدی آدریزدی» در نگاه «محمدهادی محمدی»

از آتش و خاکستر خود همواره آفریده می‌شود، آدریزدی هم همواره با کتاب آتش می‌گیرد؛ خاکستر می‌شود و بار دیگر از خاکستر خویش کتاب می‌آفریند، این همه زندگی آدریزدی است.»

آدریزدی زندگی را تنها در یک فصل دید، فصل سرگذشتن بر آرمان کتاب. او از این دیدگاه یک انسان آرمانی است... من در این جستار نمی‌خواهم که بار دیگر او را در آینه آثارش بررسی کنم، این بار می‌خواهم او را به عنوان نویسنده‌ای که بیش از همه روح شوریده‌ای دارد و نویسنده‌ای که برای رسیدن و برگشت به کودکی اش می‌نویسد، بررسی کنم.

آدریزدی نه بیانگر روح منفعل ایرانی که بیانگر روح

شوریده ایرانی است، روحی که برای

زیستن و دگرگونه زیستن، یا

بهبیستی همواره در پی شورش و

شوریدگی است، آدریزدی مکتب و

مدرسه ندیده، که از عشق به

خواندن و از عشق به شناخت جهان

و جایگاه خویش در جهان به

کتابفروشی رفت و به استخدام کتاب درآمد

و نه کتابفروش. او همواره تا آن هنگام که در کتابفروشی‌ها

و انتشاراتی‌ها کار کرد، در حقیقت، کارمند کتاب بود، نه کارمند

کتابفروشی و انتشاراتی، او به درون کتاب رفت تا به بهای

دانستن، خویش را در کتاب آتش بزند.»

آدریزدی از آن انسان خودساخته‌ای است که وامدار هیچ

سازمان، نهاد و فردی نیست، هر چه دارد، با دست‌های

خود ساخت، نه استادی داشت که معنای استادی و شاگردی

را درک کند و نه در هیچ زمانه‌ای برای او فرش قرمز پهن شد و

البته او با طبیعت بی‌نیازانه خود، هیچ‌گاه نیز به دنبال این چیزها

رفت.»

گروه ادب: «محمدهادی محمدی» محقق و نویسنده ادبیات کودکان در کتاب «زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مهدی آدریزدی» یادداشتی درباره این نویسنده پیشکسوت به رشته تحریر در آورده است.



به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) محمدی در این کتاب که سال ۱۳۸۵ توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به چاپ رسیده، چنین نوشته است: «برای مهدی آدریزدی می‌توان به‌گونه‌ای نوشت که هیچ پاره‌ای از بخش‌های نهان سرشت و روح او آشکار نشود، زیرا زندگی ساده و بی‌پیرایه او چنین حکم می‌کند که ما او را این‌گونه ببینیم.»

آدریزدی نویسنده ادبیات کودکان ایران، در

بازنویسی و بازآفرینی آثار کهن پیش‌گام

بوده و همواره در آرامش به کار خود پرداخته

است، اکنون نیز که در دهه هشتم زندگی

خود به سر می‌برد، از ما چیز دیگری

نمی‌خواهد، گاهی گفته می‌شود که باید

برای او پرستار گرفت تا مراقب‌اش باشد، اما

چنین نمی‌کنیم؛ گاهی گفته می‌شود باید او را در

یک آپارتمان جا داد، تا آسوده‌تر باشد، باز هم چنین نمی‌کنیم،

نه دولت چنین می‌کند، نه مردم. زیرا ما در این موارد چندان از

خود مایه نمی‌گذاریم.»

او در ادامه نوشته است: «مهدی آدریزدی، نویسنده

پیش‌کسوت ادبیات کودکان ایران، یکی دیگر از کسانی است که

بخش‌هایی از تاریخ ادبیات کودکان این سرزمین را ساخته است؛

آن هم بادستان خالی، مانند بیش‌تر آن کاروانیانی که پیش‌تر از او

یا بعدتر از او این‌کار را کردند، آدریزدی از آن مردمانی است که

خودشان را در کتاب سوزانده‌اند و خاکستر نشین کتاب شدند و تا

هستند همواره چنین می‌کنند. مانند ققنوس، آن پرنده عاشق که



«سید محمدامین جعفری حسینی»

نویسنده و شاعر:

«آذریزدی» وظیفه

داستان نویسان قرآنی را

سنگین تر کرد

خوب به ما معرفی شود نام «مهدی آذریزدی» به عنوان نویسنده آن بر جلد کتاب ثبت شده باشد.

او همچنین گفت: ما از ابتدای دوران کودکی با داستان‌های قرآنی آشنایی نداشتیم و نحوه ایجاد آشنایی با دانستنی‌ها و داستان‌های قرآنی و نحوه پرداخت خوب و مناسب کودک و

نوجوانان در این زمینه به حدی توسط داستان‌های

آذریزدی موفق بوده که امروز وقتی نسل ما پس از

سال‌ها به مطالعه مجدد داستان‌های قرآنی

می‌پردازد و حتی سریال‌های تلویزیونی در

زمینه داستان‌های قرآنی را می‌بیند آن را با

داستان‌های قرآنی که در کودکی و نوجوانی

توسط «مهدی آذریزدی» به ما هدیه شده

مقایسه می‌کند.

جعفری حسینی ادامه داد: این تاثیر بر

ذهن ما بسیار ماندگار است، به گونه‌ای که

اگر با آموزه‌ای متعارض با داستان‌های آذریزدی

در این بین مواجه شویم به سختی می‌توانیم آن را باور کنیم.

او در پایان گفت: مهدی آذریزدی در زمینه کار خود اثرگذارترین

و موثرترین فرد بود؛ کتاب‌های او آن قدر خوب هستند و آن قدر

فرازمی نوشته شده‌اند و به فطرت کودکان و نوجوانان نزدیک

هستند که مطمئناً کودکان فردا و فرداها نیز می‌توانند از کتاب‌های

او بهره بگیرند.

گروه ادب: ویژگی فرازمی بودن در آثار «مهدی آذریزدی» وظیفه را بر دوش نویسندگان امروز داستان‌های قرآنی سنگین تر می‌کند، چرا که اگر آن‌ها می‌خواهند به بازنویسی این داستان‌ها با زبانی امروزی‌تر بپردازند باید آثار خود را به آثار آذریزدی نزدیک کنند.



«محمد امین جعفری حسینی»

نویسنده و شاعر در گفت‌وگو با خبرگزاری

قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب

گفت: بی‌شک «مهدی آذریزدی» یکی

از تاثیرگذارترین نویسندگان کشور ما در

کتابخوان کردن کودکان و نوجوانان

ایرانیست و گمان می‌کنم از بهترین

مجموعه‌هایی که می‌تواند کودکان گروه

سنی «ب و ج» را به سمت خواندن کتاب

راهنمایی کند و به ایشان بیاموزد که کتاب

می‌تواند دنیایی از دانستنی‌های مفید و پنداشتنی‌ها را هدیه

دهد، مجموعه آثار «مهدی آذریزدی» است.

او افزود: این تاثیر به ویژه بر نسلی که امروز خود نویسنده

شده‌اند و در آفرینش داستان‌ها و شعرها نقش دارند، بسیار پررنگ

بوده است.

این نویسنده ادامه داد: نسل ما عادت کرده بود که هر بار کتابی

نوشته‌های «مهدی آذریزدی»

ویژگی فرازمی دارد

کتاب‌های آذریزدی آن قدر خوب هستند و

آن قدر فرازمی نوشته شده‌اند و آن قدر به

فطرت کودکان و نوجوانان نزدیک هستند که

مطمئناً کودکان فردا و فرداها نیز می‌توانند

از کتاب‌های او بهره بگیرند

«سارا باستانی» نویسنده:

قصه‌های آذربیدی زمینه‌ساز اصلی اطلاعات قرآنی نسل جوان امروز است

گروه ادب: بازنویسی قصه‌های قرآن توسط «مهدی آذربیدی» به قدری ماهرانه صورت گرفته است که هنوز هم قصه‌های او زمینه اصلی اطلاعات قرآنی برای نسل جوان امروز هستند.

او افزود: بدیهی است وقتی زبان این کتاب‌ها به فطرت کودکان و معصومانه بچه‌ها نزدیک باشد به راحتی می‌تواند با کودکان نسل امروز ایرانی هم ارتباط برقرار کند.

سارا باستانی نویسنده و شاعر در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: «مهدی آذربیدی» نامی آشنا برای نسلی است که روزگاری شب‌های کودکی خود را با قصه‌های او که از زبان مادرانشان نقل می‌شده، گذرانده‌اند.

قصه‌های آذربیدی، دوست‌داشتنی و شیرین بودند و نزدیک‌ترین زبان را به زبان قصه‌های مادر بزرگان ما داشتند.

او درباره روایت آذربیدی از قصه‌های قرآنی برای کودکان گفت: مسلماً زبانی که آذربیدی برای بیان بازگویی قصه‌های قرآن به کار برده، بیشترین نزدیکی را به فطرت

پاک کودکان دارد و این مهم‌ترین علت برقراری ارتباط داستان‌های او با این گروه سنی است.

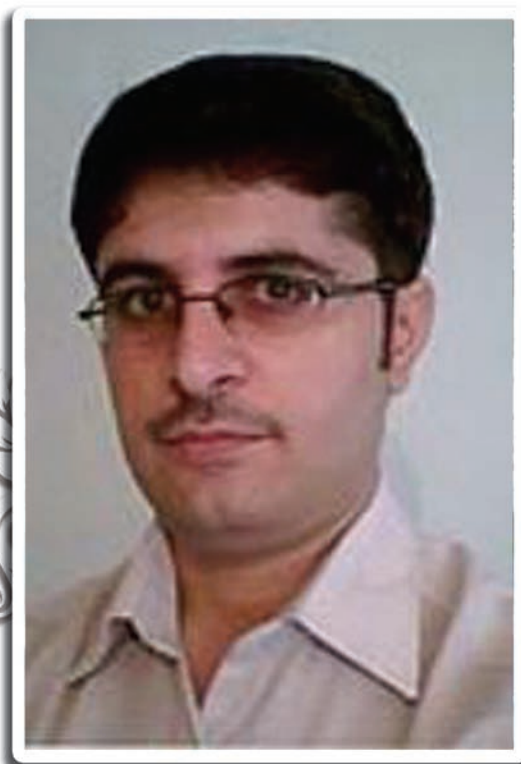
این نویسنده ادامه داد: گمان می‌کنم هنوز هم وقتی می‌خواهیم برای کودکان هدیه‌ای تهیه کنیم، اولین گزینه ما برای خرید کتاب، آثار آذربیدی است.

و بیان این داستان‌ها به حدی است که توانسته بار بسیاری از این جذابیت‌های ظاهری را به دوش بکشد و حتی اگر داستان‌های آذربیدی با ساده‌ترین شکل ممکن ارائه شوند نیز تأثیر خود را خواهند داشت.

مثال استفاده از طراحی‌ها و رنگ‌های جدیدتر می‌تواند در ارتباط کودکان به این داستان‌ها نقش مهمی ایفا کنند، اما هیچ چیز نمی‌تواند جای سادگی و روانی بیان داستان‌های آذربیدی را در مسیر ارتباط با بچه‌ها بگیرد و قدرت زبان

گمان می‌کنم هنوز هم وقتی می‌خواهیم برای کودکان هدیه‌ای تهیه کنیم، اولین گزینه ما برای خرید کتاب، آثار آذربیدی است.

«هاشم کرونی» نویسنده و منتقد ادبی: آذربیدی قصه‌های دینی را بدون پرداختن به مکتب‌های مختلف به نگارش درآورد



بپردازم و به واقع من گنجینه‌ای را یافته بودم که می‌توانستم در بحر بی‌پایان آن شنا کنم و دل به موج‌های تمام‌نشدنی این دریا بسپارم.

کرونی صداقت، صمیمیت و زلالی را جوهره اصلی آثار آذربیدی دانست و گفت: شاید پیش از همت خبرگزاری ایکنادر پیگیری اخبار و تحلیل آثار آذربیدی کم‌تر شاهد این بودیم که نامی از او برده شود. این همه برای آن کسی که آن مجموعه به یادماندنی و بخشی از کودکی‌های همه ما را رقم زده، نشان‌دهنده آن است که او اهل بازی‌های این روزگار نیست.

این نویسنده ادامه داد: ما شرقی‌ها و به‌ویژه ما ایرانی‌ها، هنوز از بوی کاغذ از خود بی‌خود می‌شویم و به عقیده من آثار آذربیدی هنوز هم می‌تواند در اختیار کودکان امروز و در میان این همه بازی‌های چندرسانه‌ای قرار بگیرد؛ چراکه انسان‌های دغدغه‌هایی ازلی و ابدی دارند و کودکی‌های همه ما خطوط مشترکی دارد که لابه‌لای همه این خطوط می‌توان آثار استاد آذربیدی را جاداد.

او در پایان گفت: البته جا دارد کسانی همت بگمارند و با استفاده از ابزار جدید و به شکل نرم‌افزارهای رایانه‌ای آثار استاد آذربیدی را ارائه دهند و به‌طور مثال آثار در چنین نرم‌افزاری خوانده شود و کودکان با تصویرسازی و موسیقی مناسب بتوانند از آثار استاد «مهدی آذربیدی» استفاده مناسبی ببرند تا این آثار هم‌زمان با پیشرفت‌های روز به‌گونه‌ای بهتر در اختیار نسل امروز قرار بگیرند.

گروه ادب: مهم‌ترین ویژگی کتاب‌های «آذربیدی» سادگی و قابل فهم بودن برای کودکان است؛ چرا که او در کتاب‌های خود مفاهیم و قصه‌های دینی را بدون پرداختن به مکتب‌های مختلف با سادگی و صمیمیت به نگارش درآورد است.



«هاشم کرونی»، نویسنده و منتقد ادبی در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: استاد «مهدی آذربیدی» برای همه ما یادآور روزهای خوب کودکی است. روزگار پاک، بی‌آلایشی، صافی، سادگی و صداقت. شاید نسل پیش از ما که کتاب‌های او را در اختیار نداشتند بسیار متضرر شده باشند و نسل ما و نسل‌های پس از ما که مجموعه کارهای «مهدی آذربیدی» را در اختیار داریم، بسیار خوشبخت هستند.

نویسنده «ترنم باران و پرنده» ادامه داد: اما در همین روزگار بود که با مجموعه کتاب‌های «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و بازنویسی قصه‌های قرآنی استاد آذربیدی آشنا شدم. این کتاب‌ها دنیایی ملموس و کاملاً قابل باور و درک از دنیای مذهبی برای من ساخت که می‌توانستم با آرامش خیال و فارغ از دغدغه کم بودن منابع برای هم‌نسلانم در آن به مطالعه



دیدار با «استاد مهدی آذربیدی» از نگاه دورین



از سمت راست: دکتر محمدعلی خواجه پیری (مشاور قرآنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) - استاد آذربیدی



دیدار دکتر خواجه پیری و همکاران ایکنبا با استاد آذربیدی

